اعتماد

پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲
۱۹ ذی‌القعده ۱۴۴۴
۸ ژوئن ۲۰۲۳
سال بیستم
شماره ۵۵۰۲
۱۲صفحه
۱۵۰۰۰ تومان

ETEMAD Thu □ 8 Jun 2023 □ vol. 20 □ No. 5502 □ 12 Pages □ 150000 Rials

«اعتماد» در گفت‌وگو با حقوقدانان
اظهارات سخنگوی دولت در خصوص اینترنت طبقاتی را بررسی می‌کند

اینترنت به مثابه اسلحه

کسانی اینترنت را به مثابه اسلحه می‌بینند که آزادی بیان به زیان آنها تمام می‌شود

۲

بازخوانی همکاری‌های امنیتی و سیاسی ایران و امریکا در جریان حمله به افغانستان و عراق

همکاری علیه دشمن مشترک

۶

ابراز نگرانی از بازگشت دیپلماسی دولت قبل و حمله به ظریف

اگر از تجربیات تلخ «دیپلماسی التماسی» عبرت گرفته نشود ملت ناچار به تکرار آن خواهد بود

۲

مهمانداران قطارهای مسافربری وابسته به «رجا» برای مطالبات صنفی به سازمان بازرسی شکایت بردند

قطار اعتراض مهمانداران

۱۰

مجوز پرواز ۶ ایرلاین به اهواز شیراز و مشهد لغو شد

پاس گل سازمان هواپیمایی به دلالان

۹

گزارش تازه «شامخ» از اردیبهشت ۱۴۰۲ نشان می‌دهد

رونق فعالیت‌های تولیدی در دوران نوسانات قیمتی

۹

شهادت برای تاریخ

محمدجواد ظریف در گفت‌وگویی ۶ ساعته از زیروبم سیاست خارجی گفت

گروه دیپلماسی | محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین شامگاه سه‌شنبه ۱۶ خردادماه پس از قریب به یکسال و نیم سکوت رسانه‌ای با حضور در یک گفت‌وگوی آنلاین در فضای کلاب‌هاوس (گفتارها: تاریخ، بین‌الملل، اقتصاد، کتاب) به مدت شش ساعت به مجموعه‌ای از پرسش‌های متنوع مخاطبان پیرامون تاریخ مذاکرات هسته‌ای، ریزه‌کاری‌های سیاست خارجی و چند و چون مذاکرات برجام و ابهام‌های به‌وجود آمده پس از اظهارنظر اخیر او درباره ضرورت توجه به امکانات در سیاست‌گذاری پاسخ داد. گزیده‌ای از سخنان وزیر خارجه پیشین در این گفت‌وگوی آنلاین به شرح زیر است. محمدجواد ظریف در دو بخش به بیان جزییاتی از مذاکرات موردی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا درباره افغانستان و عراق پرداخت. او با اشاره به حضور در مذاکرات مربوط به آینده افغانستان پس از دوره نخست حکومت طالبان گفت: در مذاکرات درباره افغانستان با امریکایی‌ها در اجلاس بن، اگر کمک سردار شهید سلیمانی نبود، ایران نمی‌توانست نقش زیادی داشته باشد. اگر شهید سلیمانی و کمک‌های ایشان به من از پشت صحنه نبود نه به «اجلاس بن» می‌رسیدیم و نه در این اجلاس می‌توانستیم موفق باشیم. نقش برجسته شهید سلیمانی در این قضیه کاملا معلوم است. ما در اجلاس بن توانستیم از تله «طالبان خوب» همه را نجات بدهیم که متاسفانه امروز دوباره با آن در افغانستان روبه‌رو شدیم. درباره مذاکرات ایران و امریکا در عراق ما سه دور با امریکایی‌ها مذاکره کردیم که ۲ دور قبل از جنگ امریکا و یک دور بعد از حمله بود که... صفحات ۱ و ۳ را بخوانید

سید محمد صدر در گفت‌وگو با «اعتماد»:

به ظریف گفتم حسادت یک مشکل ریشه‌ای در میان مسوولان ما است

با یادداشت‌هایی از: جاوید قربان‌اوغلی و حسن بهشتی‌پور

با مصوبه جدید مجلس صورت می‌گیرد

ورود دولت به قیمت‌گذاری املاک مسکونی

یک کارشناس مسکن: اصلا شدنی نیست

گروه اقتصادی | روز گذشته اقبال شاکری، عضو کمیسیون عمران مجلس از مکلف شدن دولت برای قیمت‌گذاری واحدهای مسکونی شهری و روستایی خبر داد و اظهار کرد: براساس مصوبه هفته گذشته مجلس، دولت موظف است با استفاده از فناوری‌های جدید و ابزارهای مربوطه قیمت‌گذاری پلاک‌های مسکونی شهری و روستایی را انجام دهد و قیمت‌گذاری هم به اطلاع عموم برسد و امیدواریم دولت هر سال این کار را انجام دهد. وی تاکید کرد: بر این اساس دولت موظف است قیمت‌های فروش مسکن را برای محدوده‌های شهری و روستایی اعلام کند. علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت هم اخیرا از سه اقدام تعیین سقف افزایش اجاره‌بهای مسکن، نظارت بر مشاوران املاک و اخذ مالیات مکرر از معاملات مسکن به عنوان برنامه‌های دولت برای کنترل بازار مسکن خبر داده بود. اوایل دهه ۹۰ و در دولت دهم نیز موضوع بلوک‌بندی قیمت مسکن برای کنترل بازار مطرح شد که به سرانجام مشخصی نرسید. برنامه‌ای که هدف آن جلوگیری از افزایش قیمت در بازار خرید و فروش مسکن اعلام شده بود، اما آیا اجرای برنامه قیمت‌گذاری املاک مسکونی توسط دولت می‌تواند از افزایش قیمت جلوگیری کند؟ صفحه ۸ را بخوانید

افزایش نرخ برابری ریال در برابر ارزهای خارجی

واکنش مثبت دلار به اخبار گشایش‌ها

گروه اقتصادی | همزمان با موج اخبار متنوعی که با سرفصل «بهبود روابط بین‌المللی ایران» در رسانه‌ها منتشر شده، نرخ ارز نیز بالاخره بعد از یک هفته به این اخبار واکنش نشان داد و شامگاه دیروز اسکناس دلار امریکا در شبکه دلالی بازار تهران به کانال ۴۹ هزار تومانی وارد شد. البته نرخ ارز همواره با نوساناتی همراه بوده اما دست‌کم در ۶ ماه گذشته، چنین ریزش قیمتی در بازار دیده نشده بود. تا ساعت ۲۰ روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ماه، قیمت فروش دلار در کف بازار تهران ۴۹۷۰۰ تومان و قیمت خرید دلار نیز ۴۹۶۵۰ بود. همزمان، روز گذشته قیمت سکه بهار آزادی نیز به زیر کانال ۳۰ میلیون تومان سقوط کرد. در بازار آزاد - جایی که مردم عادی می‌توانند دست به خرید و فروش ارز یا سکه بزنند- موضوع آزادی پول‌های ایران به شدت در بازار تاثیر گذاشته و به نظر می‌رسد پمپاژ اخبار مثبت به بازار باعث شده خریداران در بازار نایاب شوند. هر چند در ده روز گذشته و همزمان با اوج گرفتن اخبار مثبت... ادامه در همین صفحه

حقوق

اسلحه، اینترنت و تحریف یک حق عمومی

علی مجتهدزاده

سخنگوی دولت در توجیه اینترنت طبقاتی سخنی را گفته و مثالی را پیش کشیده که طرح آن از طرف هر مسوولی تاسفبار است و از طرف مسوولی که خود را حقوقدان هم می‌داند، تاسفبارتر. آقای بهادری جهرمی در پاسخ به انتقاد دانشجویان دانشگاه تهران مبنی بر حضور و فعالیت برخی مقامات و فرزندان آنها در پلتفرم‌های فیلتر شده اعلام کرد: «عموم مردم به سلاح دسترسی ندارند، اما پلیس به آن دسترسی دارد یا برای سلاح‌شکاری نیز می‌توان تحت شرایطی مجوز گرفت. در خصوص سکوها و پلتفرم‌ها هم این گونه است و در عموم کشورها این موضوع وجود دارد.» اول از هر چیز یک ایراد حاشیه‌ای به این سخن آقای بهادری جهرمی عرض می‌کنم؛ منظور ایشان از «عموم کشورها»یی که چنین سیاستی دارند، چیست؟ مدت‌هاست رویه‌ای در کشور معمول شده که مسوولان و مقامات در برابر انواع انتقادات می‌گویند در «عموم کشورها» هم چنین است و همین کارها را می‌کنند. اما هیچ وقت به صورت مصداقی و عینی منظورشان از این «عموم کشورها» را مشخص نمی‌کنند. کاش آقای بهادری در این زمینه پیشقدم شوند و توضیح دهند در کدام کشورها سیاست‌های فیلترینگ و اینترنت طبقاتی مانند ایران است و این کشورها چقدر در دسته کشورهای دموکراتیک و توسعه‌یافته قرار می‌گیرند؟ اما اصل مساله، قیاس دسترسی عمومی به اینترنت با دسترسی شهروندان به اسلحه، آن هم توسط یک حقوقدان چیزی حتی فراتر از یک مغالطه است. مشکل استدلال سخنگوی حقوقدان دولت این است که قواعد مسلط بر یک ابزار خاص یعنی اسلحه را به یک حق عام یعنی اینترنت تسری می‌بخشد. به عبارتی اسلحه و اینترنت از نظر ماهیتی به هیچ عنوان دارای یک جنس و یک کارکرد نیستند که بتوان قواعد مسلط بر آنها را با هم مطابقت داد. هر چند در حقوق و قوانین ایران هنوز بحث اینترنت و حق مردم نسبت به آن به‌طور شفاف تعیین تکلیف نشده، اما در زیست عمومی و عرف اجتماعی و واقعیت جامعه ایران، اینترنت دارای موقعیت یک حق عمومی به مثابه ابزاری عمومی است که... ادامه در صفحه ۹

اقتصاد

در انتظار آزادسازی منابع ارزی

سیدمرتضی افقه

خبر آزادسازی ۲۴ میلیارد دلار ارز ایران از کشورهای عراق و کره جنوبی و منابع قابل دسترس کشور از صندوق بین‌المللی پول ثابت کرد که برخلاف ادعاهایی که دولت جدید در خصوص تحریم‌ها داشت و همواره تاکید می‌کرد که تحریم‌ها هیچ مشکلی برای کشور به وجود نیاورده این ادعاها اصلا واقعیت نداشته و این بار دولت به دنبال حل کردن مسائل مربوط به آزادسازی منابع ارزی ایران است. در کنار آن از پشت پرده هم در حال مذاکره برای موضوعات مربوط به برجام است. به بیان دیگر، چیزی که دنبال می‌شود، تنش‌زدایی است که البته کار درستی هم هست. اما باید توجه داشت که چنین اخباری نشان‌دهنده آن است که برخلاف ادعاهای گذشته نمی‌توان روی مشکلاتی که در اثر تحریم‌ها برای کشور به وجود آمده چشم‌ها را بست. البته این مدل برخوردها برای آزادسازی منابع ارزی از قبل هم قابل پیش‌بینی بود. این اتفاق هم در مجموع اثر موقتی در پی دارد و با ورود این منابع ارزی، دولت تا حدودی از هزینه‌هایی که برای‌شان درآمدهای واقعی در نظر نداشت را پوشش می‌دهد. هر چند ممکن است در بودجه یکسری درآمدهای صوری برای‌شان تعیین شده باشد که در واقع کسری بودجه پنهان هستند و این منابع می‌تواند تا حدودی مقداری از خلأهای بودجه‌ای دولت را پوشش دهد و به احتمال زیاد قیمت دلار را هم برای مدتی کاهش خواهد داد. اما بعید است فعلا این اتفاق باعث کاهش نرخ تورم شود. هر چند ممکن است برای مدت کوتاهی رشد نرخ تورم را متوقف کند اما تورم افتی در بلندمدت نخواهد داشت چرا که اصل قضیه به وجود تحریم‌ها برمی‌گردد و تا زمانی که این مشکل به صورت ریشه‌ای حل نشود این دست از اقدامات تنها منجر به پالس‌های مثبت اولیه برای بازارهای سرمایه‌ای می‌شود. البته منظور از بازارها قیمت کالاها نیست بلکه تنها فروکش کردن التهاب در بازارهای دارایی است که تا حدودی رشد قیمت در آنها متوقف می‌شود. ادامه در صفحه ۹

دیپلماسی

زمان طلایی برای شکستن سکوت

جاوید قربان‌اوغلی

من بسیار خوشحال هستم که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین کشورمان بعد از قضیه فایل صوتی که درز پیدا کرد، سکوت خود را شکسته و به میدان آمده است. همان‌طور که خودشان بارها گفته‌اند نباید از لومهٔ لائما هراسی داشته باشد، چون او هر حرفی بزند، ممکن است عده‌ای که آنها را می‌شناسیم به میدان بیایند و هتاکی کنند و حرف‌هایی بیهوده بزنند و با روش‌هایی که همه می‌شناسند به سرزنش و خطاب او بپردازند. این مساله تازه‌ای نیست و در دوران مذاکرات هم همین گونه بود که عده‌ای دائما در حال پرده‌دری و بی‌اخلاقی نسبت به ظریف بودند. از اینکه آقای ظریف با همه تحفظاتی که داشت سخن گفت باید استقبال کرد. آقای ظریف در برهه‌ای از تاریخ کشور شخص تاثیرگذاری بود، او ۸ سال وزیر خارجه بود و همان گونه که بارها گفته‌ام و به آن اعتقاد راسخ دارم بزرگ‌ترین موفقیت دیپلماتیک تاریخ ما رقم خورده است. دستاورد ظریف و همکارانش در برجام، حتی بسیار بزرگ‌تر از مذاکرات منتهی به قطعنامه ۵۹۸ بود که البته در آن مذاکرات هم محمدجواد ظریف نقش تعیین‌کننده‌ای در کنار علی‌اکبر ولایتی داشت. فارغ از اینکه عده‌ای بگویند «حالا چرا؟» باید از اینکه ظریف سکوتش را شکسته است، استقبال کرد؛ چرا که هر زمان این اتفاق می‌افتاد باز هم عده‌ای می‌توانستند ان قلت بیاورند، به‌خصوص در این شرایط به نظر من این اظهارنظرها ضروری است و نه تنها ظریف، بلکه به اعتقاد من، حسن روحانی، رییس جمهور پیشین کشورمان هم باید به میدان بیاید. آقای روحانی گاهی تک مضراب‌هایی می‌نوازد، اما به نظر می‌رسد که هر بار هشدارها و فشارهایی به ایشان داده می‌شود که مجددا عقب‌نشینی می‌کند. هیچ بعید نیست در مورد آقای ظریف هم این فشارها اتفاق بیفتد. اما این افراد در بخش مهمی از تاریخ ما دارای مسوولیت بودند و موفقیت‌های بسیار زیادی در عرصه دیپلماسی به دست آوردیم. البته این گونه نیست که من یکسره همه کارهای آقای ظریف را تحسین کنم و بدون انتقاد آنها را قبول داشته باشم. ادامه در صفحه ۴

دیپلماسی

فوت کوزه‌گری ظریف برای دیپلمات‌ها

حسن بهشتی‌پور

هر کشوری سرمایه‌های معنوی و سرمایه‌های مادی دارد. در این شرایط محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین و دیپلمات برجسته یکی از سرمایه‌های کشور ماست. متاسفم که به خاطر بازی‌های سیاسی، اختلاف‌نظرها و رقابت‌های گروه‌ها و جناح‌های سیاسی کشور این سرمایه معنوی ملی نادیده گرفته می‌شود، گاهی به او حمله و گهگاه در حق او ظلم می‌شود. من معتقدم که اگر آقای ظریف دست به قلم ببرد و نظراتش را بنویسد خیلی بهتر است. اخیرا هم شاهد بودیم که ظریف دست به قلم برد و مطلب کوتاهی در شبکه‌های اجتماعی نوشت، اگرچه از نوشته ایشان هم برداشت‌های متعددی شده بود و ابهام‌های زیادی در مورد آن ساخته شد. به‌رغم این حمله‌ها و نقدها به نظر من ضروری است که دکتر ظریف همچنان به عنوان یک استاد دانشگاه نظراتش را به رشته تحریر در بیاورد. اینکه یک فرد بتواند به‌رغم کسالت، صمیمانه ۶ ساعت و نیم با مردم صحبت کند، بسیار ارزشمند است و من شخصا از این صحبت‌ها لذت بردم و با اشتیاق گوش دادم. حدود ۱۲ هزار نفر به‌طور متوسط در این اتاق مجازی حضور داشتند و فکر می‌کنم رکوردی شکسته شد و بالای ۴۰ هزار نفر در مجموع مستقیم به بخش‌هایی از صحبت‌های ظریف گوش دادند. آنچه مهم است صحبت‌های ظریف بود. اینها صحبت‌های فردی بود که تجربه ۴۰ ساله خودش را که درگیر تعدادی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی کشور بود، مستقیما با مردم در میان گذاشت. باز هم می‌دانم که مخالفان ایشان مجددا از این صحبت‌ها سوژه درست خواهند کرد و ابهام ایجاد می‌کنند. به نظر من جا دارد که بخش‌های زیادی از صحبت‌های ایشان بازخوانی و در مورد آن بحث شود. از نظر من یکی از مهم‌ترین صحبت‌های ظریف، مساله امنیتی‌سازی پرونده ایران در جامعه جهانی بود. ادامه در صفحه ۴

محیط زیست

نقش معادن در بحران زیست‌محیطی دیار مارلیک-۲

ابن‌علی کریمی گنجه

در بخش اول این مقاله از اهمیت و ارزش محیط زیست از گذشته تا حال گفتیم و اینکه در طول تاریخ تخریب طبیعت و نابودی حیات وحش، رفتاری ناپسند به شمار می‌آمده و یکی از مصادیق آشکار فساد روی زمین بوده است و در پی آن برداشت‌های بی‌رویه فعالان معدنی در روستاهای گنجه و جوبن و نصفی از توابع شهرستان باستانی رودبار را مصداق عینی فساد و تخریب محیط زیست دانستیم. اینک در این بخش به موارد کاربردی و مصداقی تخریب محیط زیست و رنج و درد اهالی روستاهای منطقه می‌پردازیم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید! از قدیم چه بجا و بحق گفته‌اند که «آلو را به باغ راه نده، بیگانه را به ده» بی‌تردید در این مثل درخت آلو نماد و تمثیلی است از مهمانان ناخوانده و فعالان معدنی روستاهای مجاور تپه‌های مارلیک؛ مهمانانی که چهار دهه در این منطقه به فعالیت اقتصادی مشغولند و حضور آنان به عنوان فعالان معدنی جز تخریب و ویرانی محیط زیست و نابودی و برباد رفتن سرمایه‌های طبیعی و ملی، دستاوردی برای روستاییان نداشته و ندارد. این فعالان معدنی در ابتدا با شعارهای قشنگ و دهان پرکن و به ظاهر زیبا، نوید تحول و رونق اقتصادی و ریشه‌کنی فقر و بیکاری در روستاها را دادند و علم پیشرفت و توسعه را به دوش کشیدند و همزمان میخ فعالیت اقتصادی و حضور خود را با عوامفریبی در منابع آب و اجدادی روستاییان یعنی مزارع، کوه‌ها و مراتع ملی‌شان کوبیدند و سپس روز به روز، جای پای خود را محکم‌تر کرده و به ثبات رسانیدند تا آنجا که این تعامل برای آنان حکم دو سر سود را داشته و در مقابل برای اهالی روستاها دو سر زیان و باخت را. به زبانی دیگر رهاورد این تعامل برای فعالان معدنی، ثروت و رفاه و آسایش را به دنبال داشته و برای ساکنان روستاها- که مالکان اصلی منابع طبیعی و ملی هستند - محرومیت و درد و رنج و انواع و اقسام آلودگی‌های زیست محیطی و مهم‌تر از همه، ویرانی‌های محیط زیست طبیعی که مهم‌ترین سرمایه‌های ملی هر روستاست. همچنین در این معامله، نه تنها برای اهالی نان گرمی و آب سردی بر سفره‌شان حاصل نشده... ادامه در صفحه ۴

خبر آخر

واکنش مثبت دلار به اخبار گشایش‌ها

از نتایج مذاکرات تازه در عرصه سیاسی، نرخ دلار روزهای کم‌نوسانی را تجربه کرد و تقریبا در کانال ۵۲ هزار تومانی می‌چرخید. روز گذشته روزنامه «هاآرتص» از «پیشرفت چشمگیر مذاکرات ایران و امریکا» گزارش داد و به نقل از مقامات اسراییلی عنوان کرد که «انتظار می‌رود ظرف چند هفته آینده تهران و واشنگتن به توافق برسند.» به نوشته این روزنامه، توافق ظاهرا شامل امتیازی از سوی ایران برای توقف فرآیند غنی‌سازی اورانیوم در سطوح بالا است. در مقابل، تهران انتظار کاهش تحریم‌های بین‌المللی تحت رهبری امریکا را دارد. در مرحله اول، این توافق شامل آزادسازی حدود ۲۰ میلیارد دلار دارایی ایران از حساب‌های بانکی مسدود شده خارج از ایران -واقع در کره جنوبی، عراق و صندوق بین‌المللی پول می‌شود. هر چند موضوع «آزادسازی منابع بلوکه شده ایران یک خبر کاملا «تکراری» در بازار ارز شده است. اما در یکی، دو روز گذشته حجم اخبار منفی که می‌توانست روی بازار تاثیر بگذارد کم نبوده. به طور مثال با نشست شورای حکام، از منظر برخی تحلیلگران سیگنال منفی بود که می‌توانست سطح تنش‌ها را بیشتر کند. یا موضوع تحریم‌های تازه‌ای که خزانه‌داری امریکا و حتی بیانیه تروئیکای اروپایی که در آن اشاره شده بود ایران بی‌وقفه در حال گسترش برنامه هسته‌ای خود فراتر از توجیهات غیرنظامی است. اینها اخبار منفی بود که در بازار ارز قطعا اثر افزایشی داشت. با این حال گفته می‌شود که بانک مرکزی این روزها به شدت در حال تزریق درهم امارات به بازار است تا اثر خبرهای منفی یا نگران کننده را خنثی کند و اجازه ندهد بازار ارز و به ویژه قیمت دلار صعودی شود. هر چه که هست، حالا زور اخبار مثبت و اقدامات بانک مرکزی بر بازار ارز چربیده و سیگنال‌های مثبت بیش از پالس‌های منفی دیده شده است. نرخ دلار حالا به زمین سفت رسیده و منتظر اخبار مثبت بیشتری از جلسه شورای حکام است که روز جمعه برگزار می‌شود. نگاه عمده معامله‌گران و فعالان بازار ارز این است که بیانیه تروئیکای اروپایی و حتی اظهارات سیاسیون امریکایی چندان برای حال و روز فعلی بازار «تند» محسوب نمی‌شود.

Pishkhan.com پیشخوان

برادر گرامی
جناب آقای اکبر منتجبی
مصیبت درگذشت پدر همسر گرامی تان را تسلیت گفته، برای آن مرحوم غفران و آمرزش الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.
الیاس حضرتی - بهروز بهزادی - حجت طهماسبی - علی حضرتی

کالای شما را ما معرفی می‌کنیم
سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵ ۶۶۴۲۹۹۷۳

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت‌وگوهای متفاوت
ETEMADONLINE.COM
اعتماد ONLINE

زیر پوست خبر

ابراز نگرانی تازه از بازگشت دیپلماسی دولت قبل و حمله به ظریف و روحانی

اگر از تجربیات تلخ «دیپلماسی التماسی» عبرت گرفته نشود، ملت ناچار به تکرار آن خواهد بود

نشریه روزانه معاونت سیاسی سپاه پاسداران در شماره روز گذشته، طی یادداشتی به موضوعی که «دیپلماسی التماسی» نامیده، پرداخته است. در این یادداشت با ادبیاتی تند و بدون بردن نام اما با آوردن نقل قول، به حسن روحانی رییس جمهوری پیشین و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه سابق حمله شده است. نویسنده یادداشت مذکور «عزیز غضنفری»، جانشین معاون سیاسی سپاه است.

این یادداشت از آن جهت می‌تواند معنادار باشد که شامگاه سه‌شنبه محمدجواد ظریف در یک جلسه مجازی ناگفته‌هایی را درباره سیاست خارجی ایران بیان کرد. این سخنان ظریف از همان لحظات ابتدایی، با واکنش‌های تندی از سوی محافظه‌کاران روبه‌رو شد. یادداشت نشریه معاونت سیاسی سپاه نیز به بخش‌هایی از سخنان ظریف کنایه زده و بعضا به سخنان قبل‌ترش حمله کرده است.

جانشین معاون سیاسی سپاه پاسداران در این یادداشت، «نمایاندن ضعف‌ها و کاستی‌ها در عرصه سیاست خارجی» را موجب «ضرر و زیان» دانسته است.

این یادداشت در ادامه اما «عبرت نگرفتن» از آنچه «تجربه‌های تلخ روابط خارجی» خوانده را مایه «تعجب و تاسف» دانسته است. اینکه «برخی بخواهند رندانه رفتارهای به غایت خسارت‌آمیز خود را در جلوی افکار عمومی بیارایند» هم از جمله مواردی بود که نویسنده نسبت به آن ابراز «تعجب و تاسف» کرده است.

نویسنده در ادامه به سخنان مقام رهبری درباره «سیاست خارجی مبتنی بر عزت» و «هزینه‌ساز بودن دیپلماسی التماسی» اشاره و حمله به ظریف و روحانی را آغاز کرده است.

«امضای کری» چماق همیشگی مخالفان برجام!

جانشین معاون سیاسی سپاه پاسداران، «دیپلماسی التماسی» را این معنی کرده که «به جای آنکه در متن توافق هسته‌ای سازوکارهای واقعی و بازدارنده برای اجرای تضامین فراهم شود، در دی‌ماه ۱۳۹۴ معتقد باشید «امضای کری تضمین است»، اما در ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ در دیدگاهی متناقض بگویید: هر کس بگوید در روابط بین‌الملل می‌توان تضمین گرفت، عوام است.»

اشاره به سخنان سه‌شنبه‌شب جواد ظریف در جلسه مجازی «کلاب‌هاوس» است که در آن گفته بود: «برخی که می‌گویند من نتوانستم در برجام تضمینی بگیرم، اما کسی عوام است که بگوید در تعهد بین‌المللی می‌توان تضمین گرفت.» اما آنچه جانشین معاون سیاسی سپاه به آن استناد کرده تا ظریف را زیر سوال ببرد، تیتر روزنامه شرق به تاریخ یکم دی ماه ۱۳۹۴ است. این تیتر اما نه ناظر به برجام بوده و نه به نقل از ظریف. از سوی دیگر این تیتر استنباطی از میان سخنان عباس عراقچی، معاون وقت وزارت خارجه بوده است. آن زمان پس از قانونی مربوط به سختگیری در ویزای امریکا به ایرانیان، عباس عراقچی گفته بود که «آقای کری (وزیر خارجه وقت امریکا) در نامه‌ای اطمینان داده دولت امریکا قانون مربوط به لغو روادید را به‌گونه‌ای اجرا خواهد کرد که هیچ تاثیری بر اجرای موفق برجام نگذارد. آنچه برای ما مهم است، این است که برجام در مرحله اجرا با هیچ‌گونه خدشه و صدمه‌ای مواجه نشود، آقای کری این تضمین را به عنوان وزیر خارجه امریکا به صورت کتبی با امضای رسمی داده است.»

ظریف هم چندین مرتبه درباره این موضوع صحبت کرده بود؛ از جمله در آخرین روزهای وزارتش: «به من اتهام نزدید، افترا نزدید، من کی گفتم امضای کری سند است؟ یک نقل قول از من بیاورید که این را گفته باشم. من یک جا نگفتم امضای کری سند است؛ گفتم شما از بنده امضا خواستید من امضا آوردم. به من گفته شد اول باید آقای اوباما امضا کند که تحریم‌ها را برداشته تا شما اقدامات‌تان را انجام دهید. دستور من این بود که باید امضا بگیرید که امضا گرفتم.»

اما با وجود توضیحات مکرری که ارایه شده، جمله «امضای کری تضمین است» تبدیل به سلاحی برای مخالفان برجام شده تا به وسیله آن این توافق را زیر سوال ببرند.

ماجراهای کلمه تعلیق

عزیز غضنفری در ادامه دیپلماسی التماسی یعنی مسوول دستگاه سیاست خارجی بعد از فروکش کردن هیجانات و احساساتش، در مهر ۱۴۰۰ ادعا کرد: «من در مجلس گفتم در برجام کلمه «تعلیق» وجود ندارد؛ اشتباه از من بود!»

این در حالی است که ظریف در گفت‌وگوی مورد اشاره جانشین معاون سیاسی سپاه گفته بود: «من در مجلس گفتم کلمه ساسپنشن نیست و این اشتباه از من بود. علتش هم این بود که ما دستورالعمل داده بودیم به همه دوستانی که داشتند ضمایم برجام را مذاکره می‌کردند که از برخی عبارات استفاده نشود. در لحظات آخر یک ضمیمه برجام داشت مذاکره می‌شد. نماینده اروپا گفته بود ما تحریم‌های ایران را برمی‌داریم، لغو می‌کنیم یا همان لیفت می‌کنیم، اما تصمیمات اتحادیه اروپا که شامل چیزای دیگه‌ای هم است نمی‌توانیم لیفت کنیم تا زمانی که کل تحریم‌ها برداشته بشود یعنی مثلا تحریم‌های نظامی، تحریم‌های دیگه‌ای که بر اساس قطعنامه شورای امنیت که تا ۵ سال یا ۸ سال بعد هم بود لذا ما اینارو ساسپند می‌کنیم و بعدا لیفت می‌کنیم. اینجا بود که به امریکا هم ربطی نداشت ۴ بار یا ۳ بار در ضمیمه کلمه ساسپند در ضمیمه آمده بود و مذاکره‌کننده ما به من اطلاع نداده بود. برخی به خاطر همین یک ذره به ما می‌گویند ظریف برجام را نخوانده است و این ظلم بزرگی بود به کشور و هم ظلم بزرگی بود به واقعیت و حقیقت و حتما دروغ گفتند.» به عبارت دیگر، «کلمه تعلیق در یک پاورقی و نه در مورد تحریم بلکه در مورد قوانین اتحادیه اروپا آمده است.»

«ظریف» ذلیلانه حرف زد!

نویسنده نشریه روزانه معاونت سیاسی سپاه، در ادامه به ظریف حمله‌ای دوباره کرده و نوشته: «دیپلماسی التماسی یعنی مسوول دیپلماسی کشور دست به عمل فاجعه‌آمیز بزند و ذلیلانه در شورای روابط خارجی امریکا بگوید مذاکرات هسته‌ای تاثیر مستقیم بر مسائل داخلی ایران خواهد داشت و در صورت شکست مذاکرات، شرکای غرب در ایران انتخابات مجلس آینده را به جریان غرب‌ستیز واگذار خواهند کرد و سپس ناچار باشد برای اثبات این دیدگاه خود به نتایج شکست مذاکرات در سال ۲۰۰۵ استناد کند تا به طرف مقابل بفهماند به سود غربی‌هاست که او و دوستانش در ایران را تقویت کنند!»

جواد ظریف سال ۱۳۹۳ در نشست شورای روابط خارجی ایالات متحده در پاسخ به سوالی پیرامون تاثیر مذاکرات هسته‌ای بر فضای سیاست داخلی ایران گفته بود: «ما روندی را شروع کرده‌ایم که هدف از آن تغییر فضای سیاست خارجی کشور است. اگر با وجود تلاش‌های ما برای تعامل، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بماند، مردم ایران این فرصت را خواهند داشت تا ۱۶ ماه دیگر که انتخابات پارلمانی در ایران برگزار می‌شود، به این عملکرد ما (با آرای خود) پاسخ دهند. وقتی قبلا در تعامل و مذاکرات درباره توافق هسته‌ای با جامعه بین‌المللی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، توافق‌هایی کردیم و تلاش‌های ما برای عملکرد شفاف، از جانب اتحادیه اروپایی رد شد، مردم جواب ما را با انتخاب رییس جمهوری متفاوت دادند که مرا هم زود بازنشسته کرد! البته باید توجه داشت که اتحادیه اروپایی به تنهایی فعالیت نمی‌کرد و مقامات کاخ سفید و وزارت خارجه امریکا مانع از هرگونه توافق شدند، همان‌طور که حالا هم کسانی هستند که نمی‌خواهند هیچ‌گونه توافقی حاصل شود قطع نظر از اینکه مفاد آن چه باشد. حالا من بار دیگر زنده شده‌ام (خنده حضار). به نظر من، در انتقال پیامی که جامعه بین‌المللی و به ویژه غرب می‌خواهد به ایران منتقل کند باید بسیار دقت کند. باید دید تعامل از جانب ایران و تلاش ایران برای باز بودن و نگاه به آینده داشتن با پاسخ مثبت مواجه می‌شود یا اینکه بار دیگر، رد می‌شود. من فکر می‌کنم مردم ایران پاسخ خود را در صندوق‌های رای نشان خواهند داد.»

«روحانی» شرم نکرد!

نویسنده در ادامه حمله‌ای هم به حسن روحانی داشته و نوشته: «دیپلماسی التماسی یعنی اردیبهشت ۱۳۹۲ (یک ماه مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری) در جمع دانشجویان صنعتی شریف گفته شود: «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و امریکا کدخداست؛ بستن با کدخدا راحت‌تر است.» اما در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ و پس از خروج امریکا از برجام، «کدخدای سال ۱۳۹۲» به «موجود مزاحم سال ۱۳۹۷» تبدیل شود و مقام مسوول از نجابت مردم ایران شرم نکند و بگوید: «خوشحال هستم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است!»

سخنان روحانی درباره کدخدا، مانند «امضای کری تضمین است» تبدیل به چماقی بر سر او شده است. از همین روایت نشریه سپاه، مشخص است که منظور روحانی کدخدایی امریکا برای اروپایی‌هاست و می‌گوید به جای اینکه با آنها مذاکره کرد و آنها بخواهند از امریکا اجازه بگیرند، با کدخدای‌شان باید مستقیما مذاکره کرد. مشخص نیست منتقدان از اینکه امریکا کدخدایی اروپایی‌ها خطاب شده ناراحت هستند یا چه موضوع دیگری؟

ابراز نگرانی از تکرار «تجربه مجدد»

این یادداشت با جملاتی هشدارگونه به پایان رسیده است: «خطرناک‌تر از «دیپلماسی التماسی» برای منافع ملی «واکنش‌های انفعالی» در مقابل چنین رفتارهایی است.» نویسنده درباره واکنش به مواردی که «دیپلماسی التماسی» خوانده، گفته: «این واکنش‌ها لزوما از سنخ امنیتی و قضایی نیست.»

اما نکته مهم‌تر در این جملات است که جانشین معاون سیاسی سپاه، از «تکرار تجربه» ابراز نگرانی کرده است؛ به عبارت دیگر نویسنده تلویحا از روی کار آمدن رویکردی مانند آنچه در دوران روحانی بوده و «بی‌تفاوتی افکار عمومی» نسبت به آن، ابراز نگرانی کرده است: «مهم‌تر از آن، بی‌تفاوتی افکار عمومی و تعصبات نابجای برخی احزاب و چهره‌های سیاسی است، اگر نخواهند از تجربیات تلخ دیپلماسی التماسی عبرت بیاموزند؛ چراکه در این صورت ملت ایران ناچار به تکرار تجربه مجدد و زیانبار آن خواهد بود.»

رودررو با سوژه

پیام ثانی /ایرنا

«اعتماد» در گفت‌وگو با حقوقدانان اظهارات سخنگوی دولت در خصوص اینترنت طبقاتی را بررسی می‌کند

اینترنت به مثابه اسلحه؟!

مهدی بیک‌اوغلی

سخنگوی دولت که سه‌شنبه شب برای پاسخگویی به برخی پرسش‌های دانشجویان راهی دانشگاه تهران شده بود در پاسخ به انتقادات دامنه‌دار دانشجویان در خصوص فیلترینگ گسترده اینترنت و پلتفرم‌ها در دولت سیزدهم، اینترنت را مشابه «سلاح» قلمداد کرد و گفت: همان‌طور که اسلحه در دست برخی افراد و جریانات ممکن است خطرناک و کشنده باشد، «اینترنت» هم در دست اقشار مختلف جامعه همین گونه است و ممکن است منشا خطرات فراوانی شود. سخنگوی دولت سپس با طرح چنین مثالی، این گونه نتیجه می‌گیرد که همان‌طور که سلاح در دست برخی اقشار خاص مانند پلیس و... قرار دارد، اینترنت بدون فیلتر هم باید در اختیار مدیران و مسوولان و... باشد. بلافاصله پس از این اظهارنظر دامنه وسیعی از انتقادات نسبت به قیاس سخنگوی دولت سیزدهم جریان یافت.

از یک طرف کاربران فضای مجازی با بازنشر این اظهارات و صحبت‌های قبلی ابراهیم رییسی و بهادری جهرمی در ایام انتخابات ۱۴۰۰ به تناقضات جدی در اظهارات این دو مقام در قبل و بعد از انتخابات اشاره کردند و از سوی دیگر حقوقدانان و وکلای کشور با اشاره به نص صریح قانون و حقوق ملت، نگاه دولت را نسبت به طبقاتی شدن اینترنت غیرقانونی ارزیابی کردند. شیما قوشه، کامبیز نوروزی و علی مجتهدزاده ۳ تن از وکلا و حقوقدانانی هستند که در گفت‌وگو با «اعتماد» این اظهارات را نقد و بر اساس اصول مندرج در قانون اساسی آن را شایسته پیگیری قضایی ارزیابی کردند.

علی مجتهدزاده در واکنش به اظهارات سخنگوی دولت می‌نویسد: «بر پایه استدلال سخنگوی دولت می‌توان هر نوع حق عمومی را در جامعه طبقه‌بندی و مردم را از نظر نوع دسترسی به آن حق به درجات مختلف تقسیم کرد و این چیزی نیست جز ایجاد رانت طبقاتی. رانتی که هر چند در لوا و ظاهر قانون هم بسته‌بندی شود باز هم چیزی از مذمت آن کاسته نخواهد شد. مثلا می‌شود گفت همان‌طور که همه مردم حق حضور در پادگان نظامی را ندارند پس می‌توان حق دسترسی به مکان‌های عمومی مثل مترو یا پارک را هم برای جامعه طبقه‌بندی کرد.»

دولت سیزدهم و گردش آزاد اطلاعات

ماجرای «دولت سیزدهم» و «مجلس یازدهم» با «اینترنت» از همان آغاز، ارتباط دوستانه‌ای نبود؛ در کشاکش رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ بود که تسنیم خبری را به نقل از رضا تقی‌پور، نماینده مردم تهران در خصوص طرح صیانت از اینترنت روی خروجی خود قرار داد. خبری که به سرعت برق و باد فضای مجازی را پیمود و به نشانه‌ای از ایده‌آل‌های دولت اصولگرای سیزدهم بدل شد. هر چند بلافاصله پس از انتقادات گسترده مردم، هم این خبر از خروجی تسنیم حذف شد و هم مشاوران ابراهیم رییسی آن را تکذیب کردند، اما مدت زمان کوتاهی پس از پوشیدن ردای ریاست‌جمهوری بود که مشخص شد؛ دولت و مجلس یکدست اصولگرا، تصمیم گرفته‌اند روند محدودسازی و مسدودسازی اینترنت را آغاز کنند.

تلاشی که پیش از جلوس دولت سیزدهم، طی ۲ سال مستمر توسط مجلس اصولگرای یازدهم هم دنبال شده بود، اما با سد محکم دولت حسن روحانی و وزیر ارتباطات جوانش از دستور کار خارج شده بود. روحانی بارها در واکنش به انتقادات نمایندگان جبهه پایداری نسبت به آذری جهرمی اعلام کرد که دستور عدم فیلترینگ اینترنت را شخصا به وزیر ارتباطات دولتش داده و اگر قرار است، فردی به این دلیل مواخذه شود، آن حسن روحانی است. در دولت سیزدهم اما دیگر سدی برای نمایندگان مجلس وجود نداشت، آنها نه فقط طرح صیانت از فضای مجازی را در دستور کار اجرا قرار دادند، بلکه حتی طرح‌هایی در خصوص حجاب و عفاف، محدودیت فعالیت تشکل‌های مدنی، طرح اقدام راهبردی در خصوص برجام و... را نیز در دستور کار قرار دادند. اما هیچ کدام از این طرح‌ها به اندازه طرح محدودسازی فضای سایبری و صیانت از فضای مجازی منجر به بروز واکنش‌های گسترده در جامعه نشد. نهایتا در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ بود که مهرداد ویس کرمی، نماینده مجلس از تصویب بی‌سر و صدای طرح صیانت در مجلس خبر داد. متعاقب آن هم اعلام شد اینترنت بدون فیلتر برای برخی افراد و جریانات خاص متصل خواهد شد، اما برای عموم مردم نه.

> **کامبیز نوروزی | کسانی اینترنت را به مثابه اسلحه می‌بینند که آزادی بیان به زیان آنها تمام می‌شود. عدم آگاهی از حقوق ملت، عدم آگاهی از مفاهیمی چون آزادی بیان و ترس از آزادی بیان باعث می‌شود که برخی مسوولان ایرانی اینترنت را به مثابه یک اسلحه تلقی کنند. اینکه صاحبان مقامات سیاسی به اینترنت بدون فیلتر دسترسی داشته باشند به منزله تبعیض در حقوق اساسی و همچنین به منزله سوءاستفاده از قدرت است**

حق استفاده از اینترنت ذیل حقوق بشر تعریف می‌شود

شیما قوشه، وکیل پایه یک دادگستری با اشاره به اینکه بحث دسترسی افراد جامعه به امکانات مختلف ذیل اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی که در خصوص حقوق ملت طرح شده است، می‌گوید: «به خصوص اصل ۲۰ به این واقعیت اشاره می‌کند که همه افراد ملت از نظر حقوق سیاسی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هم برابر هستند. اینکه دولت قصد داشته امکان و ظرفیتی را به بخشی از اقشار و شهروندان بدهد و بخش دیگری را از آن محروم کند برخلاف حقوق بشر و حقوق مندرج در قانون اساسی کشور است. ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته و اعلامیه جهانی حقوق بشر را نیز پذیرفته است. این گزاره‌ها بر اساس ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی ایران هستند. در این گزاره‌های قانونی هم محروم کردن برخی افراد جامعه از امکانات زیستی و رفاهی‌شان برخلاف اصول اولیه حقوق بشر برشمرده می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «اینکه عنوان شود اکثریت مردم اینترنت آزاد نداشته باشند و برخی افراد نزدیک به حاکمیت، مسوولان و مدیران به اینترنت بدون فیلتر دسترسی داشته باشند و آن را با بحث اسلحه یکی بدانیم، قیاس مع‌الفارق است. اساسا داشتن اسلحه احتمال وارد آوردن آسیب در جامعه را بالا می‌برد و در اغلب نقاط جهان برای آن محدودیت‌هایی اعمال می‌کنند. اما در بحث اینترنت هیچ آسیبی به ملت وارد نمی‌شود، بلکه باعث ارتقای سواد و فرهنگ عمومی می‌شود.»

قوشه در ادامه گفت: «این نوع رفتارها و تصمیمات که در دولت سیزدهم و مجلس یازدهم اتخاذ می‌شوند از جنس همان تصمیماتی است که قبلا در خصوص ماهواره و... شده بود. اینکه برخی ممکن است از اینترنت استفاده‌های غیرفرهنگی کنند نباید باعث شود تا اهمیت موضوع

> **شیما قوشه | در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی آمده است، هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۱ تا ۵ سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در حال حاضر استفاده از اینترنت ذیل آزادی‌های شخصی ملت می‌گنجد**

اینترنت آزاد و نقشی که در ارتقای فرهنگ، رشد اقتصادی و بهبود ارتباطات دارد، فراموش شود.»

این وکیل دادگستری با اشاره به اینکه شهروندان ایرانی و اقشار مختلف می‌توانند از دولت به خاطر اعمال محدودیت در اینترنت شکایت کنند، گفت: «در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی آمده است، هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۱ تا ۵ سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در حال حاضر استفاده از اینترنت ذیل آزادی‌های شخصی ملت می‌گنجد؛ همان ماده‌ای که برخی همکاران حقوقدان ما در جریان فیلترینگ تلگرام به آن استناد و شکایتی را در خصوص آن ثبت کردند. بنابراین تصمیمات دولت در خصوص اینترنت طبقاتی می‌تواند با شکایت مردم و تشکل‌ها و اصناف دنبال شود. البته تجربه‌های قبلی نشان داده است که این شکایت‌ها معمولا منتج به نتیجه نمی‌شود.»

برخی جریانات از گردش آزاد اطلاعات هراس دارند

کامبیز نوروزی، حقوقدان از منظر دیگری به بحث ورود می‌کند و بخشی از تلاش‌ها برای محدودسازی اینترنت و فضای مجازی را ناشی از هراس برخی افراد و جریانات از گردش آزاد اطلاعات می‌داند. او می‌گوید: «اینکه سخنگوی دولت اینترنت بدون فیلتر را مشابه داشتن اسلحه دانسته است، ناشی از عدم آگاهی از فرآیند گردش اطلاعات در جامعه است، ضمن اینکه نشان می‌دهد تا چه اندازه برخی افراد و جریانات در کشورمان از گردش آزاد هراس دارند. این قیاس (مقایسه اسلحه و اینترنت) یک مغالطه تمام عیار است؛ اسلحه برای کشتن است. چه در مقام دفاع و چه در مقام حمله، اسلحه برای کشتن افراد به کار می‌رود. اما گردش اطلاعات برای ارتقای حقوق ملت و مقابله با قدرت متمرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اینترنت در دنیای امروز یکی از مهم‌ترین ابزارهای گردش آزاد اطلاعات است. قانون اساسی ایران هم در اصول متعددی چون اصل ۹، اصل ۲۴ و اصل ۲۳ حق آزادی بیان ملت را به رسمیت شناخته است. محدودساختن اینترنت به منزله نقض حق آزادی بیان است.»

نوروزی می‌گوید: «کسانی اینترنت را به مثابه اسلحه می‌بینند که آزادی بیان به زیان آنها تمام می‌شود. عدم آگاهی از حقوق ملت، عدم آگاهی از مفاهیمی چون آزادی بیان و ترس از آزادی بیان باعث می‌شود که برخی مسوولان ایرانی اینترنت را به مثابه یک اسلحه تلقی کنند. علاوه بر این اشکال دیگری در این قیاس وجود دارد و آن اینکه مسوولان از طریق این نوع تصمیمات قائل به تبعیض می‌شوند. در نظام حقوقی ما حق داشتن سلاح گرم یک حق اساسی برای عموم ملت نیست و نمی‌توان آن را با آزادی بیان که یک حق اساسی و غیرمشروط ملت است، مقایسه کرد. درست است هر کسی نمی‌تواند اسلحه بگیرد، اما هر انسانی می‌تواند از حق آزادی بیان برخوردار باشد. اینکه صاحبان مقامات سیاسی به اینترنت بدون فیلتر دسترسی داشته باشند به منزله تبعیض در حقوق اساسی و همچنین به منزله سوءاستفاده از قدرت است.»

این حقوقدان در بخش پایانی صحبت‌هایش از مردم، تشکل‌ها و رسانه‌ها می‌خواهد که نسبت به این موضوع بی‌توجه نباشند و می‌گوید: «در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محروم ساختن اشخاص از حقوق و آزادی‌های قانون اساسی جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده است. به اعتقاد من محروم ساختن مردم از اینترنت به منزله محروم ساختن عمومی از حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی است. مساله این است که تا چه اندازه چنین شکایاتی عادلانه، بی‌طرفانه و بر اساس منافع مردم بررسی می‌شود، اما به‌طور کلی امکان طرح چنین شکایتی از منظر حقوقی وجود دارد.»

خبر رسمی

واکنش رییسی به انتقادهای گسترده از دشواری‌های «تغییر ساعت کار ادارات»

پاد | رییس جمهور با اشاره به تغییر ساعت کار ادارات، اقناع‌سازی افکار عمومی در خصوص اهداف و ثمرات این تصمیم را امری مهم و موثر در همراهی مردم با اجرای آن دانست. سیدابراهیم رییسی در جلسه صبح دیروز هیات دولت، با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) در تحلیل «مساله انقلاب اسلامی و ضرورت‌های امروز کشور»، «ایمان و امید» را دو مولفه مهم در قدرت‌آفرینی دانست و گفت: وظیفه ارکان حاکمیت از جمله دولت این است که با تصمیمات و اقدامات به‌موقع و سنجیده در اداره امور کشور، به ویژه در زمینه گشودن گره زندگی مردم، به جامعه امید دهند. رییس جمهور همچنین با اشاره به تغییر ساعت کار ادارات، اقناع‌سازی افکار عمومی در خصوص اهداف و ثمرات این تصمیم را امری مهم و موثر در همراهی مردم با اجرای آن دانست.

رییسی در ادامه با اشاره به گزارش وزیر امور خارجه درخصوص آخرین وضعیت اجرای توافقنامه‌های جمهوری اسلامی با دیگر کشورها، لزوم فعال‌تر شدن کمیسیون‌های مشترک به منظور پیگیری و به ثمر رسیدن این توافقات را مورد تاکید قرار داد. رییسی با تبریک هفته محیط‌زیست و قدردانی از زحمات و تلاش‌های محیط‌بانان کشور، جایگاه محیط‌زیست در قانون را با اهمیت توصیف و بر ضرورت اتخاذ تصمیمات لازم برای سازگاری ملاحظات محیط‌زیستی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور تاکید کرد. رییس جمهور همچنین با تبریک قهرمانی و افتخارآفرینی ورزشکاران به‌ویژه بانوان ورزشکار در ماه‌های اخیر که پرچم جمهوری اسلامی ایران را در رقابت‌های جهانی به اهتزاز درآوردند، از وزیر ورزش خواست ضمن قدردانی از ورزشکاران مدال‌آور، زمینه و امکانات لازم برای تداوم هر چه بیشتر افتخارآفرینی‌ها را فراهم کند. ارایه گزارش از لایحه دو فوریتی اساسنامه سازمان توسعه سواحل مکران و تاکید رییس جمهور بر کار جهادی برای توسعه جهشی منطقه مکران از دیگر موارد مطرح شده در جلسه روز گذشته هیات دولت بود.

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش روز

محمدجواد ظریف در گفت‌وگویی ۶ ساعته از زیر و بم سیاست خارجی گفت

شهادت برای تاریخ

گروه دیپلماسی

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین شامگاه سه‌شنبه ۱۶ خردادماه پس از قریب به یکسال و نیم سکوت رسانه‌ای با حضور در یک گفت‌وگوی آنلاین در فضای کلاب‌هاوس (گفتارها: تاریخ، بین‌الملل، اقتصاد، کتاب) به مدت شش ساعت به مجموعه‌ای از پرسش‌های متنوع مخاطبان پیرامون تاریخ مذاکرات هسته‌ای، ریزه‌کاری‌های سیاست خارجی و چند و چون مذاکرات برجام و ابهام‌های به وجود آمده پس از اظهارنظر اخیر او درباره ضرورت توجه به امکانات در سیاست‌گذاری پاسخ داد. گزیده‌ای از سخنان وزیر خارجه پیشین در این گفت‌وگوی آنلاین به شرح زیر است.

هماهنگی بی‌سابقه میدان و دیپلماسی در مذاکرات موردی با امریکا

محمدجواد ظریف در دو بخش به بیان جزییاتی از مذاکرات موردی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا درباره افغانستان و عراق پرداخت. او با اشاره به حضور در مذاکرات مربوط به آینده افغانستان پس از دوره نخست حکومت طالبان گفت: در مذاکرات درباره افغانستان با امریکایی‌ها در اجلاس بن، اگر کمک سردار شهید سلیمانی نبود، ایران نمی‌توانست نقش زیادی داشته باشد. اگر شهید سلیمانی و کمک‌های ایشان به من از پشت صحنه نبودند به «اجلاس بن» می‌رسیدیم و نه در این اجلاس می‌توانستیم موفق باشیم. نقش برجسته شهید سلیمانی در این قضیه کاملا معلوم است. ما در اجلاس بن توانستیم از تله «طالبان خوب» همه را نجات بدهیم که متاسفانه امروز دوباره با آن در افغانستان روبه‌رو شدیم. درباره مذاکرات ایران و امریکا در عراق ما سه دور با امریکایی‌ها مذاکره کردیم که ۲ دور قبل از جنگ امریکا و یک دور بعد از حمله بود که هر سه این موارد با هماهنگی بود. پس از دور آخر هم رهبری و امریکایی‌ها همزمان تصمیم گرفتند که این مذاکرات ادامه پیدا نکند. در این مذاکرات با امریکایی‌ها هم تمام بحث‌ها را با سردار شهید سلیمانی هماهنگ می‌کردم. رفاقت من با شهید سلیمانی از همین مذاکرات شکل بیشتری به خود گرفت. در زمان مذاکرات عراق من سفیر ایران در سازمان ملل بودم و قبل از مذاکره با امریکایی‌ها از نیویورک به ایران آمده و تمام مسائلی که باید مطرح شود را با سردار هماهنگ می‌کردم. این دو مذاکره دستاوردهای بسیاری هم برای ایران و هم برای عراق و افغانستان داشت که یکی از مهم‌ترین دلایل آن هماهنگی میان میدان و دیپلماسی بود. اما چه اتفاقی رخ داد که بعد از کنفرانس بن و تشکر کالین پاول از جمهوری اسلامی ایران و سخنرانی نماینده امریکا در این مذاکرات در سخنانی در جلسه سنا ایالات متحده که اعلام می‌کند اگر کمک‌های ایران نبود کنفرانس بن به نتیجه نمی‌رسید، ناگهان نام ایران در سخنرانی به اصطلاح «وضعیت کشور» جورج بوش، رییس جمهور وقت ایالات متحده به عنوان محور شرارت قید می‌شود؟

در ژانویه سال ۲۰۰۲، دو هفته قبل از سخنرانی جورج بوش، یک کشتی حامل سلاح برای یاسر عرفات در کرانه باختری توسط اسراییل کشف شد؛ این کشتی «کارین آ» نام داشت، اسراییلی‌ها ادعا کردند که این کشتی توسط ایران ارسال شده است. من وارد جزییات ماجرا نمی‌شوم اما به هر حال این واقعه باعث شد که یک امنیتی‌سازی مجددی از سوی اسراییل در کنار حرکت نومحافظه‌کاران امریکایی صورت بگیرد و بحث محور شرارت در آنجا گنجانده شود.

قطار ترمز بریده محمود احمدی‌نژاد

وزیر خارجه پیشین در بخش دیگری از این برنامه با اشاره‌ای به تلاش اسراییل و ایالات متحده برای امنیت‌سازی از پرونده ایران و در مرحله بعد اجماع‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: در پایان دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی ما به‌رغم تلاش امریکا و ایران مانع اجماع امنیتی‌سازی علیه ایران شدیم. انتخاب محمود احمدی‌نژاد و قطار بی‌ترمز و بی‌فرمان هسته‌ای او اما ورق را برگرداند. اگر بازی غرب با محوریت اسراییل علیه ایران امنیتی بود و قرار بود از تعداد سانتریفیوژهای ما نگران شوند دنیا باید از پیشرفت هسته‌ای ایران نگران و تمکین می‌کرد اما بازی امنیتی‌سازی و هسته‌ای بهانه بود و این قطار بی‌ترمز و فرمان احمدی‌نژاد به کمک بازی امنیتی‌سازی آمد و اجماع جهانی علیه ایران در سال ۲۰۰۵ دوباره تشکیل شد. در آن فضا نه تنها سه کشور اروپایی در کنار امریکا قرار گرفتند بلکه چین و روسیه هم اضافه شدند و قطعنامه‌های متعددی علیه ایران تصویب شد. در نهایت در سال ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ که یکی از بدترین قطعنامه‌های تاریخ شورای امنیت است علیه ایران تصویب شد. قطعنامه ۱۹۲۹ و سایر قطعنامه‌ها با رای مثبت روسیه و چین تصویب شدند.

سلاح هسته‌ای در پارادایم هسته‌ای ایران جایی ندارد

محمدجواد ظریف در پاسخ به این پرسش که آیا سلاح هسته‌ای کمکی به تامین امنیت ایران می‌کند، گفت: نظری که من به آن اعتقاد دارم و فکر می‌کنم نظر رهبری هم همین است. این است که سلاح هسته‌ای کمکی به تامین امنیت ایران نمی‌کند بلکه ایران را وارد حوزه خطرناکی می‌کند که معادلات آن فرق خواهد کرد. برای درک این معادلات باید ببینید که چرا روسیه بحث پهپادهای ایران را مطرح کرده است؟ معادله قدرت در کشورهای دارای سلاح هسته‌ای متفاوت است؛ لذا سلاح هسته‌ای در پارادایم امنیتی جمهوری اسلامی جایی ندارد. جمهوری اسلامی بر اساس فتوای رهبری دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و ممکن است تحقیقاتی در دوره‌ای انجام گرفته باشد اما هیچگاه این تحقیقات به سمت تولید سلاح هسته‌ای نرفته است. تهدید همزمانی بازدارندگی ایجاد می‌کند که به اصطلاح معتبر و قابل اعتماد باشد. تهدید هسته‌ای ایران علیه اسراییل و امریکا به هیچ‌وجه قابل اعتماد نیست. در اینجا باز هم بحث تلاش اسراییل برای امنیتی‌سازی پرونده ایران به بهانه فعالیت هسته‌ای مطرح است. آیا اسراییل در طرح ادعای تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی نگران دستیابی به سلاح اتمی توسط ایران است یا ماجرا را اینگونه جلوه می‌دهد. ساده‌ترین پاسخ این است که اگر واقعا نگرانی اسراییل سلاح هسته‌ای ایران بود حتما باید از برجام استقبال می‌کرد چرا که برجام یقینا مانع سلاح هسته‌ای ایران می‌شد.

تبعات یک اظهارنظر پرحاشیه درباره هولوکاست

ظریف در پاسخ به این سوال که چقدر مطرح کردن بحث هولوکاست در آغاز اجماع‌سازی علیه ایران نقش داشت، گفت: سخنرانی هولوکاست بسیار مهم بود. من و آقای عباس عراقچی در جلسه‌ای که ایشان این سخنان را مطرح کرد حضور داشتیم و زمانی که آقای احمدی‌نژاد در آن جلسه موضوع زیر سوال بردن هولوکاست را مطرح کرد من به آقای عراقچی گفتم: بیچاره شدیم و بازی علیه ما شکل خواهد گرفت. قبل از آن جلسه همیشه جلسات مربوط به اسراییل در مجمع عمومی در ضدیت با اسراییل و برخی سیاست‌هایش بود اما بعد از سخنرانی احمدی‌نژاد در جلسات فضای همبستگی با اسراییل ایجاد شد.

وزارت خارجه بخشی از تصمیم‌سازی است

وزیر خارجه پیشین در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره نقشی که وزارت خارجه بر عهده دارد، گفت: وزارت خارجه در همه دنیا مجری است. وزارت خارجه قسمتی از تصمیم‌سازی است اما الزاما تصمیم نهایی که کشور می‌گیرد چه ایران باشد و چه امریکا، تصمیم وزارت خارجه نیست و مثلا در ایران می‌تواند تصمیم رهبری به عنوان مقام بالاتر و در امریکا رییس جمهور باشد. این تصمیم در پروسه‌ای گرفته می‌شود که خود این پروسه هم که در قانون اساسی ایران ترسیم شده قابل توجه است. مثلا در حوزه امنیت ملی چگونه این تصمیم‌ها باید گرفته شوند. اگر به قانون اساسی مراجعه کرده و بحث ترکیب شورای عالی امنیت ملی را ملاحظه کنید، می‌بینید که چه توازنی در قانون اساسی در این زمینه مورد تاکید قرار گرفته که متاسفانه این توازن به صورت کامل رعایت نمی‌شود.

انتقاد احمدی‌نژاد از من بابت انتقال موضوعات به سران نظام

وزیر خارجه پیشین در ادامه با اشاره به اینکه من در دوران احمدی‌نژاد در جریان مسائل قرار نمی‌گرفتنم، گفت: من در هیچ قسمتی حتی در دو سالی که مسوولیت یکی از مهم‌ترین نمایندگی‌های ایران (نیویورک) را در خارج از کشور بر عهده داشتم در هیچ موضوعی مورد مشورت قرار نمی‌گرفتم و حتی مورد عتاب هم قرار می‌گرفتم که چرا برخی مسائل را به سران نظام منتقل می‌کنم. البته رهبری همواره علاقه داشتند که دیدگاه‌های نمایندگی را بشنوند. سعه صدر رهبری در این مسائل از سعه صدر مسوولان مستقیم ما یعنی رییس جمهور وقت در این مسائل بیشتر بود. اینکه تصمیم‌هایی که ایشان اجرایی کردند تا چه حد با رهبری هماهنگ شده و تا چه حد در هماهنگی نبوده را من اطلاع ندارم و نمی‌توانم اظهارنظر کنم.

صورتجلسه تمام مذاکرات را برای رهبری فرستادیم

ظریف در ادامه افزود: درباره دوره ما چه زمانی که من بخشی از تیم مذاکره‌کننده در دولت اصلاحات بودم و چه زمانی که وزیر خارجه دولت آقای روحانی بودم، ما همه گزارش‌ها را برای رهبری می‌فرستادیم. اینکه فردی بگوید رهبری خط به خط مذاکرات در آن دو دوره را تایید کردند صحت ندارد ولی تمام مذاکرات و صورت‌جلسه‌ها را برای ایشان می‌فرستادیم. ایشان هر وقت می‌خواستند نظر می‌دادند و هر موقع می‌خواستند نظر نمی‌دادند. اینکه بگوییم کلمه به کلمه را ایشان توافق کردند حتما خلاف است اما اگر نظر مخالف یا موافقی داشتند قطعا می‌توانستند آن را مطرح کنند و در بسیاری از موارد این کار را کردند و ما هم تا آنجا که می‌توانستیم نظر ایشان را تامین می‌کردیم و هر جا هم که در توان ما نبود گزارش دادیم و پس از دریافت مجوز عمل کردیم.

دستورکارهای غیرهسته‌ای جلیلی در مذاکرات

وزیر خارجه پیشین در پاسخ به پرسشی درباره شیوه مذاکراتی سعید جلیلی در دولت محمود احمدی‌نژاد گفت: نقش آقای جلیلی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی در مذاکرات هسته‌ای بسیار برجسته بود. ایشان اعتقاد داشتند که غربی‌ها باید هدایت شوند. اگر دستور کار مذاکرات جلیلی را نگاه کنید، می‌بینید که از دزدی دریایی در آن است تا بحرین و سوریه و تمام موضوعاتی که ما اجازه ورود به آن را نداشتیم از طرف آقای جلیلی به عنوان سوژه‌های مذاکراتی به طرف مقابل پیشنهاد شده بود. برای غربی‌ها جالب بود که وقتی ما به عنوان هیات جدید مذاکره‌کننده دیدارها با آنها را آغاز کردیم به آنها گفتیم که ما اجازه نداریم جز مسائل هسته‌ای وارد بحث دیگری شویم. غربی‌ها هم به ما گفتند که آقای جلیلی قصد داشت درباره صلح و امنیت جهانی، سوریه و بحرین و هر چیز غیرهسته‌ای با ما صحبت کند.

مذاکره‌کننده امریکایی با صحبت متنبه نمی‌شود

ظریف با اشاره به اینکه مذاکره محلی برای قانع کردن طرف مقابل نیست، گفت: من هم ادعا نمی‌کنم که طرف مقابل را در این مذاکرات قانع کردم. مذاکره برای گوش دادن و کشف و درک نقاط حساس طرف مقابل است تا بتوانید این نقاط را با مواضع و نیازهای خود تطبیق داده و بر اساس آن یک محور توافق بسازید. من بعید می‌دانم که یک مذاکره‌کننده کارکشته امریکایی را بتوان با چند ساعت صحبت کردن متنبه کرد به گونه‌ای که بگوید من اشتباه کردم. مذاکره‌ای که برای اقناع صورت بگیرد هیچ‌وقت به نتیجه نمی‌رسد. تازه حتی اگر طرف خودش هم قانع شود باز نمی‌تواند موضع کشور خود را تغییر بدهد. در مذاکرات، مذاکره‌کنندگانی موفق هستند که بیشتر گوش می‌کنند و می‌توانند نقاطی را در طرف مقابل پیدا کنند که بر اساس آن بتوانند منافع ملی خود را تامین کنند. این روشی نبود که تیم آقای جلیلی در مذاکرات آن دور سرلوحه کار خود قرار بدهد. لذا زمان بسیاری صرف صحبت کردن درباره زمان و مکان مذاکره می‌شد. پس از آن موضوع هسته‌ای که طبیعتا باید اصل مذاکرات را به خود اختصاص می‌داد نهایتا پنج دقیقه از کل جلسه را به خود اختصاص می‌داد و ادامه جلسه به بحث و سخنرانی درباره سایر مسائل غیرهسته‌ای می‌گذشت. در بحث‌های هسته‌ای هم دنبال اقناع طرف مقابل بودند و نه یافتن نقاط حساس طرف مقابل و توجه به آن. البته شما حتما باید مواضع برحق خود درباره مسائل را مطرح کنید اما جای طرح این مسائل، اتاق مذاکره نیست.

روحانی آغازکننده مذاکره دوجانبه با امریکا نبود

وزیر خارجه پیشین در بخش‌های دیگری از این برنامه آنلاین با اشاره به پیشینه مذاکرات دوجانبه ایران و امریکا در بحث هسته‌ای گفت: مذاکرات مسقط یکسال قبل از آغاز دولت یازدهم و به‌رغم مخالفت دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و رییس جمهور با مجوز رهبری آغاز شد. مذاکرات مسقط تابوشکنی بود که توسط برادر عزیزم دکتر صالحی انجام شد و به‌رغم کارشکنی شدید جلیلی و مخالفت احمدی‌نژاد برگزار شد.

وزارت خارجه یک رای در تصمیم‌گیری‌ها داشت

ظریف در پاسخ به این پرسش که چرا درباره سایر مسائل مورد اختلاف با امریکا مذاکره نکردید، گفت: خیلی‌ها می‌گویند چرا درباره موارد دیگر مذاکره نکردید. در پاسخ باید بگویم سیاست علم امکانات است نه علم آرزوها. من علاقه داشتم درباره مسائل دیگر مذاکره می‌کردم اما امکانات ما همین بود. من در سیستم تصمیم‌گیری فقط یک رای داشتم و تصمیم‌گیری نهایی در نهاد بالاتری صورت گرفت. قرار نیست وزیر خارجه همه تصمیمات را بگیرد همانطور که قرار نیست میدان همه تصمیم‌ها را اتخاذ کند. من نظر خودم را داشتم اما سیاست، علم شدنی‌هاست و نه علم آرزوها. برخی در این دو روز به من حمله کرده و ادعا می‌کنند که من گفته‌ام آرمان نداشته باشید که این حرف خیلی بچگانه است. اتفاقا اعتماد به توانمندسازی ملت بود که ایران را به یک قدرت تبدیل کرد.

الحمدالله مداحان بیش از من به زبان انگلیسی مسلط هستند

وزیر خارجه در بخش‌های دیگری از سخنانش در مقام گلایه از انتقادهای بی‌پایه و اساسی که از او از برخی تریبون‌ها می‌شود، گفت: الحمدلله مداح‌ها و امثال حاج محمود کریمی اینقدر انگلیسی‌شان خوب شده که می‌توانند بگویند ظریف زبان انگلیسی بلد نیست. هر کس بگوید در روابط بین‌الملل می‌توان تضمین گرفت، عوام است. اگر برجام خیانتی بدتر از ترکمنچای است، چرا آن را دور نمی‌اندازید؟ پاره کنید و دفنش کنید. ما دو سال است کاره‌ای نیستیم، هنوز دوستان به دنبال همان برجام هستند. می‌گویند یک دیوانه‌ای یک سنگی انداخته در چاه که صد عاقل نمی‌توانند درش بیاورند. اگر اینطور است چرا این عاقل‌های شما همچنان دنبال همان برجام هستند؟

جلیلی هم مخالف حمله به سفارتخانه سعودی بود

وزیر خارجه پیشین در ادامه با اشاره به حمایت از توافق ایران و عربستان گفت: من به‌شدت از برقراری روابط با سعودی حمایت می‌کنم اما با چشمانی باز. پس از حمله‌ای که به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران و مشهد شد در شورای عالی امنیت ملی جلسه‌ای پیرامون این موضوع تشکیل شد. در یکی از موارد بسیار نادر، سعید جلیلی هم مخالف حمله به سفارت بود. به جد یقین دارم اگر این اتفاق نمی‌افتاد، در شرایط بسیار بهتر می‌توانستیم روابط با عربستان را بهبود دهیم. به هر حال یک روز باید جزییات حوادث حمله به سفارت سعودی مشخص شود. اینکه در شورای عالی امنیت ملی هم که بالاترین رکن کشور است با این تندروی‌ها مخالفت می‌شود اما باز همچنین اتفاقاتی می‌افتد که کاملا بر خلاف منافع ملی است باید یک روز روشن شود.

پیشنهاد خروج از ان‌پی‌تی را دادم

جواد ظریف در ادامه این نشست آنلاین برای نخستین بار افشا کرد که او پیشنهاد خروج ایران از معاهده منع تکثیر تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) را در پاسخ به اقدام‌های ضدبرجامی دونالد ترامپ داده بود. او در این خصوص گفت: در اردیبهشت ۹۸ یعنی زمانی که تحریم ترامپ علیه ایران عملیاتی شد، عمران خان به ایران آمد. به ایشان پیشنهاد کردم ما باید اعلام کنیم اگر اتحادیه اروپا منافع ما را در برجام تامین نکند، ایران ظرف مدت مشخص و از پیش اعلام‌شده‌ای از ان‌پی‌تی خارج می‌شود. من طراحی این پروسه را هم بلد بودم. آقای روحانی با پیشنهاد موافقت کرد اما در جلسه شورای عالی امنیت ملی با این پیشنهاد مخالفت شد. اعضای شورای عالی این موضوع را غیرعقلانی دانستند و می‌گفتند ظریف تندرو و انقلابی شده است!

حاضر به پرداخت هزینه دیدار با ترامپ بودم

وزیر خارجه پیشین در پاسخ به پرسشی درباره امکان مذاکره با دونالد ترامپ گفت: یکی از سناتورهای نزدیک به دونالد ترامپ، در نیویورک نزد من آمد و گفت ترامپ برای حضور در کاخ سفید از تو دعوت کرده است. این پیام را به تهران منتقل کردم و گفتم در صورت موفق نشدن، مجازات را می‌پذیرم. اما پیام به رده‌های عالی نرسید و در سطوح پایین رد شد. وقتی در پاریس با امانوئل مکرون دیدار کردم، او به من گفت دونالد ترامپ آماده است به همراه او با من ملاقات کند، اما من اجازه ملاقات با ترامپ را نداشتم. برعکس ترامپ که می‌خواست با من ملاقات کند، مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین امریکا، کسی بود که با ایدوئولوژی خود همه چیز را در ارتباط با برجام به هم زد. مثلث بنیامین نتانیاهو، مایک پمپئو و جان بولتون خودشان را کشتند تا ترامپ من را نبیند. تحلیل من این بود که دیدار وزیر امور خارجه ایران با رییس جمهوری امریکا در این سطح طوری نیست که کسر شأن برای کشور باشد. چون رییس جمهور که دیدار نکرده و وزیر امور خارجه شرکت کرده است.

نگذاشتند با مردم ارتباط دایمی داشته باشم

محمدجواد ظریف در بخش‌های پایانی این برنامه آنلاین گفت: ما تلاش کردیم با افکار عمومی در ارتباط مداوم باشیم اما حجم حمله‌ها زیاد بود. در منبر امام حسین (ع) علیه من حرف می‌زنند. در ابتدای کار خیلی علاقه‌مند به ارایه گزارش در فیسبوک بودم اما گروهی از افراد در زیر پست‌های من به مقدسات توهین می‌کردند تا این فضا را بسازند که اینجا صفحه مخالفین دینی است. اینها افرادی بودند که اگر آنها را می‌دیدید فکر می‌کردید نماز شب‌شان ترک نمی‌شود.

باز هم از خانواده قربانیان هواپیمای اوکراینی عذرخواهی می‌کنم

محمدجواد ظریف در ادامه گفت: در رابطه با ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی که گفتم به من بگویید من علاج کنم به این توجه کنید که من اعلام نکردم هواپیما نقص فنی داشته است. به من می‌گفتند مرعوب هستی و تحت تاثیر غربی‌ها قرار گرفتی اما من مقاومت کردم. اصرار کردم حقیقت باید اعلام شود. علاج من عذرخواهی از دنیا بود. تویید من موجود است که گفتم مسببین باید مشخص شوند و مورد محاکمه قرار بگیرند. من آن زمان از همه قربانیان این واقعه عذرخواهی کردم و امشب یک بار دیگر از همه خانواده‌های جان‌باختگان عذرخواهی می‌کنم.

پشخوان
Pishkhan.com

گفت‌وگوی روز

سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «اعتماد»:

به ظریف گفتم که حسادت یک مشکل ریشه‌ای در میان مسوولان ما است

شهاب شهسواری

سید محمد صدر، دیپلمات پیشین و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله افرادی بود که سه‌شنبه شب تا نیمه‌های شب در اتاق مجازی که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین کشورمان در آن گفت‌وگو می‌کرد، حضور داشت و به اظهارات او گوش می‌داد. با سید محمد صدر تماس گرفتیم تا نظر او را در مورد اظهارات ظریف جویا شویم. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «اعتماد» را با این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام مطالعه می‌کنید.

■ نظر شما در مورد اظهارات سه‌شنبه شب وزیر خارجه پیشین کشور چه بود؟ آیا این اظهارات را مفید ارزیابی کردید؟

اظهارات محمد جواد ظریف بسیار خوب و مفید بود. ایشان توضیح‌های مفصلی را به‌ویژه در خصوص برجام داد. با توجه به حملاتی که گروه‌های مختلف در این مدت انجام داده بودند، خوشبختانه تمام سوال‌ها و ابهام‌ها مطرح شد و خوشبختانه آقای ظریف خیلی دقیق و علمی به همه پاسخ داد و طبق معمول نشان داد که به غیر از منافع ایران و جمهوری اسلامی به هیچ چیز فکر نمی‌کند.

■ عده‌ای این ادعا را مطرح کرده‌اند که برگزاری این نشست مجازی یک اقدام با اهداف سیاسی و انتخاباتی بود. نظر شما در این مورد چیست؟

آقای ظریف اصلا دنبال این حرف‌ها نیست، او اگر دنبال انتخابات بود، همین دو سال پیش، زمانی که خیلی از گروه‌ها و شخصیت‌ها از جمله سید محمد خاتمی، رییس جمهور پیشین و سید حسن خمینی از ایشان دعوت می‌کردند که نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود، نشد. روحیات آقای ظریف این گونه نیست که دنبال انتخابات اینها باشد. این ادعاها از سوی کسانی مطرح می‌شود که سیاست خارجی نمی‌دانند و سعی می‌کنند با مطرح کردن ادعاهای سطح پایین به دنبال تخریب ظریف باشند. من با شناختی که از ظریف دارم که شناختم هم شناخت دقیقی است، می‌دانم که دنبال این حرف‌ها نیست. البته ظریف، اگر هم دنبال این مسائل باشد، به ویژه با پایگاه مردمی که دارد، حقش است، اما می‌دانم که دنبال مسائل نیست.

■ با توجه به هشدارهایی که محمد جواد ظریف در اظهاراتش مطرح کرد، فکر می‌کنید آیا دولت کنونی این پیشنهادها و هشدارهای وزیر خارجه پیشین کشورمان را مدنظر قرار می‌دهد و آیا گوش شنوایی برای این حرف‌ها وجود دارد؟

من قبلا هم گفته‌ام که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور، مسائل اقتصادی است. گرانی، تورم، بیکاری، فساد و مسائل دیگر اقتصادی دارد کمر مردم را می‌شکند. خیلی از مشکلات کنونی اقتصاد کشور یا اساسا راه‌حل‌های غیراقتصادی دارد یا کسانی که مسوولیت امور را در اختیار دارند از عهده‌اش بر نمی‌آیند. آنچه من می‌فهمم این است که راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور، صرفا اقتصادی نیست. راه‌حل بخش مهمی از مشکلات اقتصادی کشور از دالان سیاست خارجی می‌گذرد؛ مادامی که سیاست خارجی درست نشود، احتمال اینکه مشکلات اقتصادی حل شود بسیار کم و حتی می‌توان گفت که غیرممکن است. وقتی نتوانیم درآمد نفتی را که می‌فروشیم به دست بیاوریم یا هیچ سرمایه‌گذاری خارجی انجام نشود یا عدد آن بسیار ناچیز باشد، تا وقتی که تحریم هستیم، مسائلی است که باعث می‌شود در مقابل حل و فصل مسائل اقتصادی کشور مانع ایجاد شود. من همین مساله را شخصا با سید ابراهیم رییسی، رییس جمهور مطرح کردم که اگر مساله برجام حل نشود، مشکلات اقتصادی ناشی از حل نشدن برجام بر عهده شما خواهد بود. البته آقای رییسی تایید می‌کرد و معتقد بود که باید مساله برجام را حل کرد و خوشبختانه ایشان درک می‌کرد که بدون برجام احتمال حل مشکلات اقتصادی بسیار کم است. بنابراین اگر چرخش عاقلانه‌ای در سیاست خارجی پیش بیاید و به سمت تحول در سیاست خارجی حرکت کنند، منافع ملی که مورد تاکید همه است، ان‌شاالله تامین خواهد شد.

■ این دیپلمات باسابقه کشورمان در بخشی از اظهاراتش اشاره کرد که اکنون «یک دانشیار ساده دانشگاه» است. فکر می‌کنید چرا این اتفاق افتاده و از ظرفیت‌های ظریف برای کمک به سیاست خارجی کشور استفاده نمی‌شود؟

اگر به یاد داشته باشید در دهه هفتاد کتابی در ایران منتشر شد به نام «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» که به برخورد جامعه ایران با تعدادی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی در سده پیش از آن پرداخته بود. من نمی‌دانم چرا ما آن گونه که باید و شاید نخبگان مملکت خودمان را قدر نمی‌دانیم. خوشبختانه امروزه نخبه‌کشی وجود ندارد، اما به جای آنکه نخبگان کشورمان را احترام بگذاریم و از توانایی‌های آنها بهره ببریم، خیلی از آنها را کنار می‌زنیم و منزوی می‌کنیم. این شیوه برخورد در بخشی از گروه‌هایی که در حاکمیت نقش موثری دارند، به وضوح قابل مشاهده است. این رویکرد خیلی باعث تاسف است. یک بار شخصا به محمد جواد ظریف گفتم: «دکتر حواست را جمع کن، حسادت در ایران و به ویژه حسادت در میان مسوولان یه بیماری آندمیک و ریشه‌دار است.» متاسفانه حسادت‌ها باعث می‌شود برخی از افرادی که می‌توانند خدمت بزرگی به کشور بکنند و منافع مردم و نظام را تامین کنند، کنار گذاشته شوند و کشور را از خدمات آنها محروم می‌کنند. این هم یک مساله روان‌شناسی سیاسی است و هم تا حدی جنبه جامعه‌شناسی دارد و حتی ریشه‌های فرهنگی دارد.

متاسفانه ما بعد از انقلاب و به ویژه بعد از دوران جنگ در مسائل فرهنگی کم توجهی کردیم. به مرور زمان آن فرهنگی که در دوران انقلاب از سال ۱۳۵۶ به بعد در کشورمان به وجود آمده بود و تقریبا تا یک دهه کم و بیش ادامه داشت، متاسفانه بعد از دوران جنگ کمرنگ شد. فرهنگ ایثار، فداکاری و تامین منافع دیگران به جای منافع خود، بعد از جنگ جای خودش را به منفعت‌طلبی، پر کردن جیب خودمان، قدرت‌طلبی و پول‌پرستی داد. نتیجه این تغییر فرهنگ این است که به جای اینکه نخبگان خودمان را تربیت کنیم، همواره آنها را تضعیف می‌کنیم. به جای اینکه سعی کنیم خودمان را بالا بکشیم، سعی می‌کنیم افرادی را که توانمندتر از ما هستند از جایگاه خودشان پایین بکشیم. این نکته بسیار مهمی است که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان باید به آن فکر کنند و به اعتقاد من شاید بتوان گفت که ما نیاز به انقلاب فرهنگی داریم، نیاز داریم به فرهنگ انقلاب بازگردیم، سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ زمانی که دیگر هیچ کس به فکر منافع خودش نبود و همه فکر و ذکر شهروندان در جهت انقلاب، مردم و تامین منافع کشور بود.

■ ظریف خیلی دقیق و علمی به ابهام‌هایی که اخیرا در مورد برجام مطرح شده پاسخ داد و طبق معمول نشان داد که به غیر از منافع ایران و جمهوری اسلامی به هیچ چیز فکر نمی‌کند.

■ اگر هم ظریف دنبال مسائل انتخاباتی باشد، به ویژه با پایگاه مردمی که دارد، حقش است، اما می‌دانم که دنبال مسائل نیست

■ مادامی که سیاست خارجی درست نشود، احتمال اینکه مشکلات اقتصادی حل شود بسیار کم و حتی می‌توان گفت که غیر ممکن است

■ خوشبختانه سید ابراهیم رییسی درک کرده است که بدون برجام احتمال حل مشکلات اقتصادی بسیار کم است

■ متاسفانه حسادت‌ها باعث می‌شود برخی از افرادی که می‌توانند خدمت بزرگی به کشور بکنند و منافع مردم و نظام را تامین کنند، کنار گذاشته شوند و کشور را از خدمات آنها محروم می‌کنند

■ ما نیاز به انقلاب فرهنگی داریم، نیاز داریم به فرهنگ انقلاب بازگردیم، سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ زمانی که دیگر هیچ کس به فکر منافع خودش نبود و همه فکر و ذکر شهروندان در جهت انقلاب، مردم و تامین منافع کشور بود

ادامه از صفحه اول

زمان طلایی برای شکستن سکوت

من به موقع از برخی رویکردها و سیاست‌های دولت پیشین انتقاد کرده‌ام و برخی سیاست‌های ظریف را مورد نقد قرار داده‌ام.

من اعتقاد دارم که الان وقت حرف زدن است. اینکه می‌گویند برای مساله انتخابات این گفت‌وگو انجام شده است و برای گرم کردن تنور انتخابات این جلسه برگزار شد، حرف‌های بیهوده‌ای است. ظریف زمانی که در اوج محبوبیت بود هم پا به میدان نگذاشت، الان چه نیازی دارد که بخواهد با یک گفت‌وگوی مجازی خودش را مطرح کند؟ من معتقدم که بهتر است چنین رویدادهایی بیشتر اتفاق بیفتد.

انتظار نمی‌رود که اظهارات سه‌شنبه شب ظریف، در رویکرد دولت کنونی در مساله برجام و مذاکرات احیای توافق هسته‌ای، تاثیر چندانی بگذارد. متاسفانه این روزها، نسبت به سال ۱۳۹۹ قضیه برعکس شده است و حالا ما به دنبال احیای برجام هستیم و امریکایی‌ها و اروپایی بی‌میل هستند. این موضوع نه تقصیر محمد جواد ظریف است و نه تقصیر حسن روحانی، بلکه تقصیر کسانی است که بلد نبودند مذاکره کنند و پا به میدان گذاشتند و به اعتقاد من فاجعه آفریدند. اگر هدف کشور مذاکره و احیای برجام بود، مذاکره‌کنندگان بدی انتخاب شدند و رویکرد نامناسبی در پیش گرفته شد. اینکه فردی به عنوان مذاکره‌کننده انتخاب شود که اعتقادی به برجام ندارد، هر چند که حالا گفته می‌شود نظرش کاملا عوض شده است، اما اعتقاد اشتباهی است. رویکرد بدی هم برای مذاکرات در پیش گرفته شد، اینکه گفته شده است چون امریکایی‌ها از برجام خارج شده‌اند پس نباید با امریکایی‌ها مذاکره کرد، به نظر من تصمیم صحیحی نبود. همه می‌دانند مانع اصلی و طرف اصلی ما در مذاکرات امریکاست. در مذاکرات ۲۲ ماهه‌ای که به برجام منتهی شد هم طرف اصلی ما امریکا بود و بقیه طرف‌ها در ۱+۵ نقش توپ جمع کن داشتند و چندان کاره‌ای نبودند. هر مذاکره باید معطوف به هدفی باشد، هدف باید نشانه‌گذاری شود و با روش‌های مذاکراتی به سمت آن هدف حرکت کرد. به نظر من در مذاکرات دولت کنونی نه هدف‌گذاری درستی انجام شده بود و نه روش‌ها و تاکتیک‌ها مورد مداقه قرار گرفته بود. ما می‌رفتیم با ۱+۴ مذاکره می‌کردیم، در حالی که ۱+۴ هیچ کاره بود، تحریم‌ها را امریکا اعمال کرده بود و نقش‌آفرین اصلی امریکایی‌ها بودند. ما مترسکی به نام ۱+۴ درست کرده بودیم که از طریق آنها حرف‌مان را به امریکایی‌ها بزنیم. هم تیم مذاکره‌کننده ما و هم رویکرد مذاکراتی ما انتخاب‌های غلطی بودند. به غیر از ۵ دور مذاکره سیدعباس عراقچی، معاون وقت وزیر امور خارجه در بهار سال ۱۴۰۰ که امریکایی‌ها تقریبا تمام خواسته‌های ایران را پذیرفته بودند و خبر دارم که آقای روحانی به سیدابراهیم رییسی، رییس جمهور تازه منتخب گفته بود که اجازه بدهید ما توافق را امضا کنیم، اما مخالفت شده بود. آقای عراقچی هم با مقام‌های ارشد نظام و حتی رییس جمهور منتخب صحبت کرده بود که اجازه بدهند این توافق احیا شود و حتی از خودگذشتگی کرده بودند و گفته بودند تا اجرای توافق چند ماهی طول می‌کشد، اگر موفق نبود شما بیندازید گردن ما در دولت قبل و اگر هم سودبخش بود تمام اعتبارش برای شما تمام می‌شود، باز هم قبول نکرده بودند.

این توهم در بین برخی وجود داشت که حالا که یک دولت انقلابی و حاکمیت یکدست روی کار است، می‌تواند امتیازهای بیشتری بگیرد. این رویکرد غلط باعث شد که ما دو فرصت بسیار مناسب را حتی در همین دولت، یکی ماه سپتامبر سال پیش و یکی هم قبل از آن از دست بدهیم. این دیپلماسی فرصت‌سوز بود. آقایان از جایی با توپ و تشر جلو رفتند و بعد از مدتی که هیچ جایی را فتح نکردند، دائم عقب‌نشینی می‌کنند و آخرش به همان نقطه‌ای که ماه‌ها پیش می‌توانستند توافق را احیا کنند، اما ۱۷ ماه زمان از دست رفت و فرصت‌سوزی شد و حالا طرف مقابل از احیای توافق اکراه دارد.

فوت کوزه‌گری ظریف برای دیپلمات‌ها

نگاه به امنیت‌سازی سیاستی که امریکا و اسراییل در طول دهه‌های قبل در پیش گرفته‌اند و مرتبا ایران را به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت مطرح می‌کنند و کسانی که در داخل به این موضوع امنیتی‌سازی کمک می‌کنند، بحث بسیار مهمی است که باید در سمینارها، همایش‌ها، گفت‌وگوهای آزاد دانشگاهی و مقاله‌های مفصل پژوهشی به آن پرداخت.

نکته دومی که به نظرم خیلی در صحبت‌های ظریف برجسته بود و خیلی خوب است که به آن توجه شود، مساله «ادراک شناختی» است که ایشان در صحبت‌هایش اشاره می‌کرد. یکی از مشکلات ما در ایران اختلاف برداشت‌هایی است که از مسائل و مفاهیمی مانند تاریخ، امنیت، عدالت، قدرت، استقلال و وابستگی وجود دارد. به نظر من خیلی مهم است که این مساله را باز بکنیم، ایشان خودش مقاله نوشت که چرا آنقدر ما اختلاف داریم. چرا در بحث امنیت ملی و در بحث مربوط به استقلال و وابستگی، آنقدر اختلاف برداشت و ادراک مفاهیم وجود دارد؟ ریشه بحثی که ایشان مطرح می‌کند که ما در «ادراک شناختی» دچار مشکل هستیم، بسیار مهم است. همین اختلافاتی که در پی انتشار پست اینستاگرامی ایشان در خصوص مباحث واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی پیش آمد، نشان‌دهنده عمق شکاف در ادراک جامعه ماست. خیلی هستند که این دو مفهوم را متناقض تلقی می‌کنند و می‌گویند که فرد یا باید آرمان‌گرا باشد یا واقع‌گرا و نمی‌شود که فردی همزمان هم واقع‌گرا باشد و هم آرمان‌گرا. در کشورمان بحث‌های زیادی در این زمینه انجام شده است که یک فرد می‌تواند آرمان‌گرایی خودش را مبتنی بر واقعیت‌های جامعه بنا کند؛ یعنی آرمان‌های بلند را دنبال کند و خودش را محدود به وضعیت فعلی نکند و این آرمان‌گرایی را به واقعیت تبدیل و از امکانات موجود استفاده کند، نه اینکه چیزهایی که از دایره امکان خارج است و جز دردسر برای خودش و کشور به وجود نمی‌آورد، به کار ببندد.

ظریف در بخشی از اظهاراتش با احتیاط سعی کرد در مورد مبانی مذاکرات دیپلماتیک صحبت کند. به نظر من این حرف‌ها بسیار مهم بود و کسانی که حقوق و روابط بین‌الملل خوانده باشند، خوب می‌فهمیدند که ظریف چه می‌گوید. این اظهارات در بحث مربوط به روابط بین‌الملل و فن مذاکرات کلاس درس بود. اینکه ظریف می‌گوید مذاکره‌کننده باید سعی کند که گوش کند، یک مساله مهم در کشور ماست، حتی در روابط شخصی و خانوادگی هم گوش کردن یک هنر است. ما باید تمرین کنیم که بیشتر حرف طرف مقابل‌مان را گوش کنیم و این مساله در مذاکرات بین‌المللی اهمیت صدچندان دارد. یکی از درس‌های ظریفی که ظریف در مورد مذاکرات مطرح کرد، این بود که این اصل در مذاکرات وجود دارد که شما باید در مذاکرات خوب گوش کنی چه چیزی می‌گوید و بر اساس آنچه می‌گوید نقاط ضعف او است و جاهایی که منافع شما را تامین می‌کند، شناسایی کنی و با طراحی استراتژی به بحث بگذاری و نهایتا به توافق برسید. ظریف به درستی تاکید دارد که مذاکره جای نصیحت کردن نیست، مذاکره‌کننده مقابل نیامده است که سخنرانی شما را گوش کند و تحت تاثیر قرار بگیرد یا با شما همدلی کند، طرف شما آنقدر دیپلمات حرفه‌ای است که به سادگی تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد و حتی اگر حرف‌های شما آنقدر تاثیرگذار باشد که شخص او را متحول کند و عامل همدلی او با شما شود، باز هم دیپلمات تصمیم‌گیری نیست و با دستور کاری پای میز مذاکره آمده است. این اظهارات عصاره تجربه دیپلماتیک ظریف بود و فوت کوزه‌گری را یاد مذاکره‌کنندگان داد.

نقش معادن در بحران زیست محیطی دیار مارلیک-۲

بلکه سهل است بادهای ویرانگر، حامل ریزگردهای بیماری‌زا، به سوی روستا و روستاییان یورش آورده و هوای پاک و لطیف روستا را آلوده کرده؛ به‌طوری که فضای روستا در بیشتر مواقع، همچون فضای دلگیر و غبارآلوده شعر اخوان ثالث در شاهکار زمستانش شده، آنجا که می‌گوید:

«هوا دلگیر... /زمین دلمرده، سقف آسمان کوتاه/ غبارآلوده مهر و ماه... /»

علاوه بر این موارد امروزه فعالان معدنی چنان عرصه روستاها را با استفاده از حمایت‌ها و رانت‌های دولتی، مورد تاخت و تاز خود قرار داده و بر خوان و نعمت خدادادی این روستاها چنبر زده که دیگر مجالی برای فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و دامداری - که شغل اصلی آبا و اجدادی اکثر روستاییان بوده و هست - باقی نمانده است. آنان در این فعالیت اقتصادی فقط به فکر افزودن ارقام نجومی حساب‌های بانکی خود هستند و نیز به این فکر که در بهترین نقطه‌های شمالی کلانشهرهای کشور، ویلاهای لاکچری داشته باشند و از تفریحات و سرگرمی‌های مختلف و متنوع بهره ببرند و چنانچه نماز و روزه‌شان قضا شود، آب‌تنی در آب‌های گرم و سرد دنیا و سفرهای خارجی و دیدن سواحل زیبای آنان تعطیل نشود و هزاران فکر از این نوع اندیشه‌ها و اگر گاهی با ژست خیرمآبانه در راستای موجه جلوه دادن کار خود، تعدادی از افراد بومی را در معادن‌شان به کار بگیرند، اولا به هیچ وجه به آنان مطابق با قانون کار رفتار نمی‌شود و ثانیا حقوق بخور و نمیری در مقابل کارهای سخت و زیان‌آور می‌دهند. در صورتی که امروزه دیگر همه پذیرفته‌اند که کار در معادن در میان مشاغل مختلف، از همه سخت‌تر و زیانبارتر است و کارگران بخش معدن با خطرات زیادی مواجه هستند. بنابراین باید علی‌القاعده و به‌طور طبیعی از حقوق بالاتر و امتیازات بیشتری برخوردار باشند که در حقیقت در عمل این گونه نیست.

در پایان اگر بخواهیم عملکرد این فعالان معدنی در روستاهای شهرستان باستانی رودبار را در کفه ترازوی نقد و داوری قرار دهیم؛ به این نتیجه خواهیم رسید که آنان در طول این چهار دهه که از منابع طبیعی روستاها برداشت کرده‌اند و به الاف و الوف و تمام آمال و آرزوهای خود رسیده‌اند؛ هیچ طرح و پروژه عمران و آبادانی‌ای در روستاها اجرا نکرده‌اند: نه پلی ساخته‌اند و نه جاده‌ای و نه مجموعه تفریحی و ورزشی برای جوانان و نه فضای گردشگری برای اهالی و سیاحان و نه در جهت تکمیل و تقویت شبکه‌های آبرسانی روستاها مساعدتی کرده‌اند و هزاران نه دیگر! در صورتی که آنها در این مدت ۴۰ سال، دست‌کم می‌توانستند چهار پروژه عمران و آبادانی برای روستاها و ساکنان آن انجام بدهند و جبران گوشه‌ای از رنج‌هایی را که بر مردم تحمیل کرده‌اند، بنمایند. دریغ و درد از اجرای حتی یک پروژه عمرانی! آیا به راستی مگر آنان شعر معروف سیف فرغانی را با ردیف «نیز بگذرد» ندیده‌اند که می‌گوید:

زین کاروانسرا بسی کاروان گذشت
ناچار کاروان شما نیز بگذرد
هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد
هم رونق زمان شما نیز بگذرد

گزارش روز

نگاه اروپایی‌ها به نظم آینده جهان

شهروندان اروپایی روسیه را به عنوان «دشمن» ایالات متحده را به عنوان «دوست» و چین را به عنوان یک «شریک ضروری» می‌بینند

محمدحسین لطف‌الهی

در آینده‌ای نه چندان دور موعد تصمیم‌گیری نهایی سیاستمداران اروپایی درباره چند موضوع حیاتی برای آینده اروپا فرا خواهد رسید؛ آیا اروپا باید از ایالات متحده در تقابل با چین حمایت کند؟ آیا چین باید به دلیل حمایت از روسیه در جنگ با اوکراین تنبیه شود؟ آیا اروپا باید در راستای بازسازی روابط با روسیه پس از پایان جنگ اوکراین گام بردارد؟

تصمیم‌گیری رهبران اروپایی درباره هر کدام از این موضوعات، زندگی روزمره شهروندان اروپایی را به‌طور جدی تحت تاثیر قرار خواهد داد. با توجه به ساختار دموکراتیک سیاست در اروپا، با نگاهی به آنچه افکار عمومی از رهبران درباره سیاست خارجی انتظار دارند، می‌توان دورنمایی هر چند غیرقطعی را از تغییراتی که ممکن است در سیاست خارجی کشورهای اروپایی رخ دهد به دست آورد.

شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا (ECFR) به تازگی در ۱۱ کشور عضو این اتحادیه شامل اتریش، بلغارستان، دانمارک، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایتالیا، هلند، لهستان، اسپانیا و سوئد اقدام به برگزاری نظرسنجی کرده و نظر شهروندان اروپایی در خصوص سیاست خارجی و همچنین همکاری با کشورهایی نظیر ایالات متحده، روسیه و چین را جویا شده است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد نگاه اروپایی‌ها به روابط با دیگر کشورها تحت تاثیر تحولاتی نظیر جنگ اوکراین دستخوش تغییر شده است. شهروندان اروپایی تمایل دارند در مناقشه میان ایالات متحده و چین اروپا موضعی خنثی داشته باشند و هرچند از بعضی خطراتی که تعمیق روابط اقتصادی میان اروپا و چین می‌تواند برای اروپا در پی داشته باشد، آگاهند اما چندان با سیاستمدارانی که بر «ریسک‌زدایی» تاکید می‌کنند، همسو نیستند. از نگاه آنها روابط فعلی اروپا و امریکا و گام‌هایی که در راستای تعمیق روابط با واشنگتن برداشته می‌شود، خوشحال‌کننده است، اما این آگاهی وجود دارد که روابط خوب امریکا و اروپا ممکن است پایدار نباشد. بیشتر اروپایی‌ها درباره جنگ در اوکراین هم نگاهی مشابه دارند و از مواضع کنونی رهبران اروپایی در راستای حمایت از اوکراین راضی‌اند، اما اختلاف‌نظرهای قابل توجهی درباره نوع روابطی که اروپا باید پس از پایان جنگ اوکراین با روسیه داشته باشد، وجود دارد.

چین دشمن نیست

در خصوص نوع روابطی که باید میان اروپا و چین وجود داشته باشد، اختلاف‌نظرهای زیادی میان سیاستمداران اروپایی وجود دارد. برخی سیاستمداران نظیر امانوئل مکرون، رییس جمهور فرانسه معتقدند که پس از یک دوره رکود در روابط اقتصادی با چین در پی شیوع بیماری کووید ۱۹ نیاز است که همکاری‌ها و شراکت استراتژیک با چین احیا شود. این سیاستمداران از طرح موضوعات حساسیت‌برانگیز برای چین نظیر حمایت از استقلال تایوان اجتناب می‌ورزند و در سفرهایی که به پکن دارند، هیات‌های اقتصادی بزرگی را همراه با خود به پایتخت چین می‌برند (اتفاقی که در سفر رییس جمهور فرانسه و صدراعظم آلمان به چین رخ داد) که نشان‌دهنده عزم آنها برای تقویت روابط اقتصادی است. از نگاه این سیاستمداران، هر چند چین روابط نزدیک خود با روسیه را حتی پس از آغاز جنگ اوکراین حفظ کرده و نقش مهمی در حیات اقتصادی روسیه دارد، اما اروپا باید منافع اقتصادی خود را دنبال کند و به دنبال تقویت روابط اقتصادی با چین باشد.

در نقطه مقابل این نگاه، سیاستمدارانی نظیر اورزولا فون در لاین، رییس کمیسیون اروپا قرار دارند. فون در لاین در مارس ۲۰۲۳ در یک سخنرانی مهم اعلام کرد که تحولات در چین نشان می‌دهد این کشور به جای اصلاح به سوی امنیتی‌تر شدن در حال حرکت است و به دنبال آن است که نظم بین‌المللی موجود را به چالش بکشد. او چین را یک «رقیب سیستماتیک» برای اروپا خواند و تاکید کرد که اروپا باید برای کاستن از ریسک‌های همکاری با چین اقدام کند. او و سیاستمداران همفکرش بر «ریسک‌زدایی» از رابطه با چین تاکید دارند.

یافته‌های نظرسنجی جدید شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد از بسیاری از جهات شهروندان اروپایی نگاهی مشابه مکرون و سیاستمداران همسو با او دارند و کمتر با نگاه فون در لاین موافقند. از نگاه آنها چین آن قدرتی نیست که در پی تضعیف اروپا باشد و نزد اروپایی‌ها دوگانه «دموکراسی در برابر اتوکراسی» که مرتبا از سوی دولت جو بایدن در ایالات متحده تبلیغ می‌شود خریدار چندانی ندارد. مقایسه این نظرسنجی با نظرسنجی مشابه شورای روابط خارجی اروپا در سال ۲۰۲۱ ثابت می‌کند به‌رغم امتناع چین از محکوم کردن حمله نظامی روسیه به اوکراین، نگاه اروپایی‌ها به این کشور تغییر قابل توجهی نداشته و آنها همچنان چین را یک «شریک ضروری» برای اروپا می‌دانند.

به‌طور میانگین در این ۱۱ کشور تنها ۳۵ درصد شهروندان باور دارند که چین رقیبی است که باید با آن رقابت کرد یا دشمنی است که اروپا در یک سوی مناقشه علیه آن حضور دارد. در مقابل ۶۴،۳ درصد از مردم یا نظری ندارند، (۱۸ درصد) یا چین را یک «شریک ضروری»، (۴۳ درصد) یا «متحد» و (۳،۳ درصد) برای اروپا می‌دانند.

آلمان، سوئد، فرانسه و دانمارک تنها کشورهایی هستند که برآیند افکار عمومی در آنها چین را «رقیب» یا «دشمن» اروپا می‌داند. جالب توجه این است که رهبران فرانسه و آلمان، امانوئل مکرون و اولاف شولز برخلاف افکار عمومی در این کشورها به تقویت روابط اقتصادی با چین تمایل بیشتری دارند.

متحد علیه روسیه

برخلاف موضوع چین، اختلاف‌نظر زیادی میان سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیرامون سیاستی که این اتحادیه باید در قبال روسیه اتخاذ کند، وجود ندارد. در عمل جز مجارستان باقی دولت‌های اروپایی بر سر حمایت از اوکراین متفق‌القول هستند و نظرسنجی شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد شهروندان اروپایی نیز نگاهی مشابه با سیاستمداران دارند.

به‌طور میانگین در ۱۱ کشوری که نظرسنجی در آنها انجام شده است، ۶۴ درصد شهروندان روسیه را «رقیب» یا «دشمن» می‌دانند و فقط ۳۶ درصد نظری ندارند یا روسیه را یک «شریک ضروری» یا «متحد» برای اروپا توصیف می‌کنند.

شهروندان لهستان، سوئد، هلند و آلمان تندترین نگاه را علیه روسیه دارند. در این میان، تنها در بلغارستان بیش از ۵۰ درصد شهروندان به روسیه به چشم «شریک» یا «متحد» نگاه می‌کنند و در سایر کشورها اغلب شهروندان نگاهی برخلاف نگاه مردم بلغارستان دارند.

مقایسه با نظرسنجی سال ۲۰۲۱ بیانگر آن است که از دو سال قبل، نگاه اروپایی‌ها به روسیه دچار تغییرات چشمگیری شده و در حالی که در سال ۲۰۲۱ تنها یک‌سوم آنها روسیه را «رقیب» یا «دشمن» می‌دیدند اکنون این رقم به نزدیک دوسوم رسیده است.

در شرایطی که هنوز رهبران اروپایی به‌طور عمومی رابطه با روسیه پس از جنگ اوکراین را به بحث نگذاشته‌اند، بیشتر شهروندان اروپایی با قطع رابطه با روسیه پس از جنگ مخالفند.

جمع‌بندی نظرات شهروندان ۱۱ کشور مذکور نشانگر آن است که به‌طور میانگین ۲۱ درصد مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقدند کشورشان باید پس از پایان جنگ اوکراین رابطه‌ای مبتنی بر همکاری با روسیه داشته باشد. ۴۸ درصد باور دارند رابطه کشورشان با روسیه پس از پایان جنگ باید یک رابطه محدود باشد. ۱۳ درصد در این خصوص نظری ندارند و ۱۸ درصد هم خواهان قطع روابط کشورشان با روسیه هستند.

نسبت افراد موافق با قطع رابطه با روسیه در کشورهای لهستان (۳۹ درصد)، دانمارک (۲۶ درصد) و سوئد (۲۶ درصد) بیشتر از سایر کشورهاست. در مقابل نسبت این افراد در مجارستان (۵ درصد) و در بلغارستان (۳ درصد) از سایر کشورها بسیار کمتر است.

بازگشت امریکا

برای امریکایی‌ها شرایط بسیار متفاوت با روسیه است. در سال ۲۰۲۱، اندکی پس از خداحافظی دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین ایالات متحده با کاخ سفید، اروپایی‌ها نگاه چندان مثبتی به رابطه با امریکا نداشتند و با اینکه به‌طور سنتی ایالات متحده به عنوان متحد تاریخی اروپا شناخته می‌شد، اما رفتارهای ترامپ باعث شده بود که بسیاری از اروپایی‌ها نگاه‌شان به امریکا متفاوت شود. این مساله طی دو سال گذشته به مرور زمان و تلاش‌های دولت بایدن تغییر کرد و اکنون تعداد بیشتری از اروپایی‌ها امریکا را «شریک ضروری» یا «متحد» اروپا می‌بینند.

بر اساس نظرسنجی شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا به‌طور میانگین به باور ۳۲ درصد شهروندان اروپایی امریکا یک «متحد» است. ۴۳ درصد شهروندان اروپایی ایالات متحده را یک «شریک ضروری» می‌دانند. ۱۴ درصد نظری ندارند، ۷ درصد امریکا را رقیب می‌بینند و تنها ۴ درصد معتقدند ایالات متحده دشمن اروپاست.

به‌رغم این مساله، سه‌چهارم اروپایی‌ها (۷۴ درصد) چنین فکر می‌کنند که اروپایی‌ها موافقند که اروپا نباید به‌طور کامل در دفاع از خود به ایالات متحده تکیه کند. این در حالی است که در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۶۶ درصد اروپایی‌ها چنین باوری داشتند.

از نگاه اروپایی‌ها اقدامات دولت بایدن در راستای حمایت از اوکراین برای دلگرم کردن شهروندان امریکایی برای اتکای اروپا به ایالات متحده کافی نیست. آنها آگاهند که با تغییر دولت در ایالات متحده امکان دارد سیاست‌های واشنگتن در قبال اروپا همانند دوره ترامپ به کلی تغییر کند و روابط واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی وارد فاز دیگری شود.

نارضایتی افکار عمومی از سیاستمداران

یکی از پیام‌های مهم نظرسنجی شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا این است که شهروندان اروپایی معتقدند سران کشورهای‌شان به اندازه کافی به افکار عمومی برای تعیین خطوط اصلی سیاست خارجی توجه نمی‌کنند.

بسیاری از کارشناسان معتقدند سیاست خارجی یک کشور زمانی می‌تواند قدرت و اثربخشی بیشتری داشته باشد که افکار عمومی پشتیبان آن باشند و این مساله زمانی تحقق می‌یابد که سیاستمداران و سران کشورها به نظرات شهروندان در این رابطه توجه کنند. یافته‌های نظرسنجی اخیر نشان می‌دهد ۶۰ درصد اروپایی‌ها معتقدند سیاستمداران‌شان توجه بسیار اندکی به نظرات مردم در زمینه سیاست خارجی دارند. ۲۱ درصد توجه به نظرات مردم را کافی ارزیابی می‌کنند، ۱۴ درصد نظری ندارند و ۵ درصد معتقدند دولت‌ها توجه بسیار زیادی به این مورد دارند.

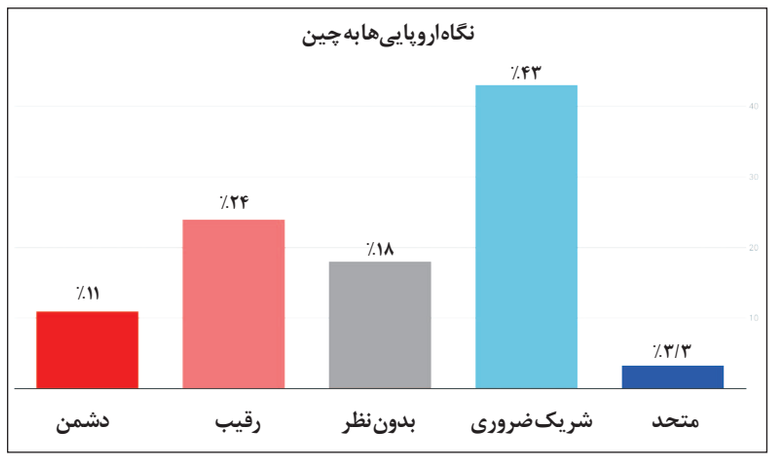

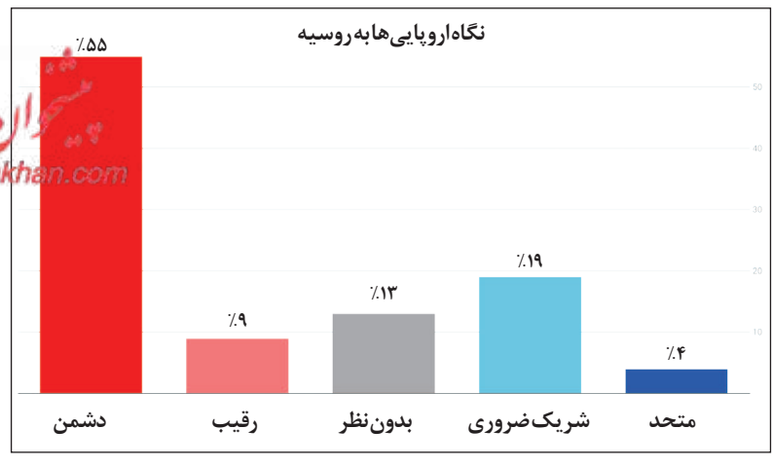

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش

اریک کانتونا در کمال ناباوری به موسیقی روی آورد!

من می‌توانم هر کاری انجام دهم جز متواضع بودن

با کانتونا درباره سیاست، مرگ و گوارديولا!

ترجمه: هانیه نیک

یک فوتبالیست بااستعداد، بازیگر مشهور و اکنون یک خواننده با پشتکار جدی! این مرد فرانسوی یک انسان بی‌نظیر است. او درباره سیاست، مرگ و میر و پپ گواردیولا بحث می‌کند.

نیک کیو را انتخاب کنید، لئونارد کوهن را به آن اضافه کنید، با سرژ گینزبورگ مخلوطش کنید و ممکن است چیزی شبیه به اولین تک آهنگ اریک کانتونا داشته باشید. بله، درست خواندید: موزیک The Friends We Lost به یقین معرکه است. فوتبالیستی که تبدیل به بازیگر شد و حالا به خواننده‌ای مستعد بدل شده است. او زمزمه می‌کند - با یک مدیتیشن فوق‌العاده در مورد زندگی همراه با جمله‌های خاص کانتونایسم (مثل یک مار قرمز در آب / در ذهن یک عدد برنده / به سکوت گوش دهید بر فراز ترس / اقیانوس عمیقی که نمی‌توانیم بشنویم) این فقط شروع تک آهنگ است. مرحله بعد یک تور، یک آلبوم زنده و یک آلبوم استودیویی است.

کانتونا به من می‌گوید که از کودکی همیشه امیدوار بود که موسیقی خودش را روی صحنه اجرا کند، اما آن را در خود نمی‌دید. او نه موسیقی نوشته بود و نه فکر می‌کرد بتواند بخواند. اما در قرنطینه تصمیم گرفت گیتار بیاموزد تا بتواند در نوشتن آهنگ برای اجراهای زنده به پیش برود. آلبوم‌ها به‌صورت مجزا هستند. «من هنوز گیتاریست بدی هستم، اما فکر می‌کنم در آهنگ‌سازی به اندازه کافی خوب باشم و تقریبا ۳۰ آهنگ نوشتم. این کار را فقط برای رفتن روی صحنه انجام دادم، زیرا عاشق ارتباط با تماشاگران هستم و موسیقی برای من یک رویا بود.» شاید بزرگ‌ترین شگفتی این باشد که ۵۷ سال طول کشید تا کانتونا اولین تک آهنگ خود را ضبط کند. او البته بهترین فوتبالیست راک‌اندرول بود. هیچ‌کس در زمین چنین سبکی نداشت، چه در حال بازی کردن با یقه‌اش مثل یک طاووس، چه زمانی که سینه‌اش را برای جشن گرفتن گل شگفت‌انگیزش به بیرون پف داد، یا وقتی برای زدن لگد کونگ‌فویی‌اش به یک تماشاچی در میان جمعیت یورش برد. این حمله برای او هشت ماه محرومیت و دو هفته زندان به همراه داشت که در دادگاه تجدیدنظر به خدمات اجتماعی کاهش یافت. کانتونا در ۳۰ سالگی پس از کسب ۵ عنوان قهرمانی لیگ در شش سال حضورش در انگلیس (اولی با لیدز و بقیه با منچستریونایتد) خسته و سرخورده از فوتبال کنار رفت. کانتونا، در اواخر دهه ۹۰ بازیگر شد. اکنون، با بیش از ۳۰ فیلم (مشهورترینش در جست‌وجوی اریک به کارگردانی فیلم کن لوچ)، او وارد یک عرصه جدید می‌شود.

ما او را در لندن در مقر اروپایی یونیورسال، شرکت ضبط موسیقی که موسیقی او را منتشر می‌کند، ملاقات می‌کنیم. کانتونا چهره‌ای قدبلند و باابهتی دارد. با ریش جوگندمی، ابروهای پر پشت و خاصش می‌توانست منتخب یک تیم مافیا باشد. ما قبلا او را در سال ۲۰۰۹، زمانی که در حال کار در فیلم «در جست‌وجوی اریک» بود، ملاقات کرده بودیم. با وجود شهرت او به عنوان یک پسر بد، چیزی که در آن زمان مرا تحت تاثیر قرار داد گرمی و خجالتی بودنش بود. چهارده سال بعد، او هیچ یک از آن گرما را از دست نداده است. اولین کاری که انجام می‌دهد یادآوری خاطرات لوچ است. احساس می‌کنی که برایش لذت‌بخش است که تمام روز درباره فیلمساز بزرگ بریتانیایی صحبت کند.

کانتونا از مادری اسپانیایی (خیاط) و پدری فرانسوی (پرستار یک روان‌درمانگر و هنرمند) در مارسی به دنیا آمد. پدرش او را با اپرای ایتالیایی آشنا کرد و او با گوش دادن به پوچینی و وردی بزرگ شد. در دوران نوجوانی، ذایقه‌اش تکامل یافت: «من به تعداد زیادی، Sex Pistols، Clash، AC/DC و Led Zeppelin گوش دادم.» در ۱۷ سالگی، موسیقی که یک حرفه جدی برای او بود، در ذهنش با کشف جیم موریسون و Doors زندگیش تغییر کرد. «این برای من یک شوک بود. شعر، انرژی، اجراهای زنده. وقتی آنها را دیدم، زندگی من به کلی تغییر کرد.»

نگاهم به او دقیق‌تر می‌شود. با Doors ملاقات کردی؟ «نه، منظورم دیدار معنوی بود که از او الهام گرفتم.» او ادامه می‌دهد: Break on Through (To the Other Side) و The End بسیار سینمایی هستند. ما آزادی جیم موریسون را در آهنگ‌هایش احساس می‌کنیم.

از او می‌پرسم آخرین کسی که موریسون را زنده دید چه کسی بود؟ او بلافاصله با اشاره به این فیلمساز فرانسوی می‌گوید: «آگنس واردا». کانتونا در مورد او چیزهای زیادی می‌داند. وقتی تمام آن سال‌ها با او در مورد لوچ صحبت می‌کردم، او می‌توانست اتفاقات زندگی را به مبهم‌ترین فیلم‌های این کارگردان برگرداند.

کانتونا لیست قهرمانان موسیقی خود را تمام نکرده است: «آخرین کسانی که واقعا الهام‌بخش من شدند نیک کیو، لئونارد کوهن و دانیل جانستون بودند.» به او می‌گویم که می‌توانم تاثیرات کیو و کوهن را در موسیقی او بشنوم. در سکوت عمیقش جواب می‌دهد: «متشکرم.» او سبک خوانندگی خود را اینگونه توصیف می‌کند: «من متنفرم وقتی مردم سعی می‌کنند شبیه کسی باشند. همه ما شخصیت‌های خودمان را داریم ولی من نمی‌خواهم شبیه دیگران باشم. سعی کردم صدایم را پیدا کنم؛ هرگز درس نخواندم و توانستم صدایم را پیدا کنم. من کاملا با صدایم در ارتباط هستم.»

جهان به من چهار آهنگ برای گوش دادن داده است، دو آهنگ به زبان انگلیسی و دو تا به زبان فرانسوی. صدای کانتونا غنی، فریبنده، بسیار فرانسوی است. فکر می‌کنم کانتونا متن ترانه‌ها را نوشته و یک نوازنده حرفه‌ای موسیقی ملودی را ساخته باشد. اما کانتونا می‌گوید که مسوولیت همه آنها را خودش بر عهده داشته است. «این کاملا من هستم. هیچ‌کس در کار من دخالت نمی‌کند. مردم خیلی به من کمک می‌کنند و من به آنها گوش می‌دهم، اما در پایان روز همه چیز را من تصمیم می‌گیرم. آنها آهنگ‌های من هستند و من آنها را دوست دارم.»

از او می‌پرسم آیا دوستانی که از دست دادیم (نام موزیک کانتونا) در اثر سقوط از دست رفته‌اند یا مرگ آنها را از ما گرفته؟ او می‌گوید: «مرگ» و ادامه می‌دهد: «مثل خانواده. همیشه این احساس را دارم که می‌توانستم زمان بیشتری را با آنها بگذرانم. هر بار که کاری را انجام می‌دهم، آن را صد در صد انجام می‌دهم، اما همیشه این احساس را دارم که می‌توانستم کارهای بیشتری انجام دهم.» پس آهنگ در مورد پشیمانی است؟ «نه، نمی‌دانم می‌توان آن را پشیمانی نامید یا نه». کانتونا که با خانواده‌اش در لیسبون زندگی می‌کند، یک کلمه پرتغالی به نام saudade را ذکر می‌کند. او معادل انگلیسی یا فرانسوی نمی‌داند. «این فقط یک احساس است. زمانی است که چیزی را به یاد می‌آورید، مثلا مادربزرگتان و این حس عالی را از دیدن او در سوغاتی‌هایش حس می‌کنید و یک ثانیه بعد متوجه می‌شوید که دیگر او را نخواهید دید، زیرا او مرده است.» این همان احساسی است که The Friends We Lost برای او برمی‌انگیزد. «بله، من عاشق این کلمه هستم. این واژه بیشتر از کلمه پشیمانی است که نشان‌دهنده همین لحظه به نظر بی‌اهمیت است.»

ترانه I'll Make My Own Heaven حاوی این شعر است: «من قهرمان بودم، جنایتکار بودم / فرشته بودم، جهنمی بودم / تو از من متنفری، دوستم داری». اتفاقا زندگینامه‌ای نیست، اینطور نیست؟ «به صورت کامل.» او می‌خندد. آهنگ با اعتراض همراه است. «به جای پشیمانی، این درست است: من کارهای خوب و بدی انجام داده‌ام. در پایان، چه از من متنفر باشید و چه دوستم داشته باشید، من تنها کسی هستم که می‌توانم قضاوت کنم، زیرا آنچه شما بد می‌بینید، شاید من آن را بد ندانم.» کانتونا پشیمان نمی‌شود، به استثنای ضربه کونگ‌فو. او در سال ۲۰۲۱ اظهار داشت: «من یک پشیمانی دارم. خیلی دوست داشتم لگد محکم‌تری به او بزنم!»

طی یک کنفرانس مطبوعاتی در سال ۱۹۹۵، پس از استیناف موفق علیه حکم زندانش در دادگاه دادگستری کرویدون، او گفت: «وقتی مرغ‌های دریایی به دنبال ماهیگیر می‌روند، به این دلیل است که فکر می‌کنند ماهی ساردین به عنوان طعمه به دریا پرتاب می‌شود.» بسیاری از مردم فکر می‌کردند که او نقشه را باخته است. سخنان او ممکن است رمزآلود باشد، اما منطقی بود. او ماهیگیر بود، خبرگزاری مرغ دریایی بود و ساردین‌ها لقمه‌هایی بودند که آنها جست‌وجو می‌کردند. من می‌گویم برخی از اشعار شما مانند سخنرانی ساردین کانتونایی است. او با لبخند پاسخ می‌دهد: «همه چیز کانتونایی است، حتی موسیقی.» او همچنین ویدیوی این تک آهنگ را که پسر ۱۳ ساله‌اش، امیر که بزرگ‌تر از دو فرزند دیگر از همسر دومش است در آن حضور دارد، همراه داشت. «من شعر را اجرا کردم، موسیقی را نوشتم، ویدیو را نوشتم و آن را کارگردانی کردم. من می‌توانم هر کاری بکنم جز فروتنی.» آیا او در مورد عدم تواضع خود جدی است؟ از خنده منفجر می‌شود. «همه چیز درباره تمسخر است.» او استفاده از این کلمه را زیر سوال می‌برد. به خودت می‌خندی؟ «آره. خندیدن به خودم - یا زندگی. این یک سیرک است، فقط یک سیرک بزرگ.»

کانتونا هرگز اعتماد به نفس نداشت، بنابراین جالب است که شک داشته باشد آیا می‌تواند موسیقی بنویسد. خب، او می‌گوید، خودباوری و شک از هم جدا نیستند. در واقع، این دو با خوشحالی در طول زندگی او همزیستی داشته‌اند. او می‌گوید: «تنها چیزی که از آن مطمئن هستم، تردیدهای من است.» «تردید به شما این توانایی را می‌دهد که چیزها را امتحان کنید. هر چه بزرگ‌تر شدم، فقط مطمئن شدم که تنها در مورد تردیدهایم مطمئن هستم، حتی بیشتر از قبل.»

او می‌گوید که مرگ و میر یک محرک است. «اگر ما جاودانه بودیم، خیلی کارها را انجام نمی‌دادیم. اکنون، من ۵۷ ساله هستم. نمی‌خواهم با افرادی که دوستشان ندارم وقت بگذرانم.» مکث می‌کند. «در واقع، من هرگز این کار را نکردم. من نمی‌خواهم وقتم را تلف کنم. سعی می‌کنم از هر ثانیه با افرادی که به من الهام می‌دهند استفاده کنم.» آیا او زیاد به مرگ فکر می‌کند؟ «به روشی خوب، زیرا من را تشویق می‌کند تا کارهایم را امروز انجام دهم و به فردا یا هفته بعد موکول نکنم.»

۲۶ سال از بازنشستگی او از فوتبال می‌گذرد. از او می‌پرسم که آیا کسی را در بازی امروز می‌بیند که شخصیتی مشابه شخصیت خودش داشته باشد. او به پپ گواردیولا، سرمربی منچسترسیتی اشاره می‌کند. من گواردیولا را دوست دارم. او یک هنرمند و یک خالق است. هر کاری که او انجام می‌دهد، قبلا هیچ‌کس آن را انجام نداده است. او فرزند معنوی یوهان کرایف است. و بازیکنان؟ سرش را تکان می‌دهد. آنچه امروز در فوتبال دوست دارم فقط کار گواردیولا است.

آیا او نگران روح فوتبال است؟ فوتبالی که باشگاه‌های بزرگش بازیچه دست ثروتمندان می‌شوند؟ «فکر می‌کنم از تیمی از دسته سوم یا چهارم یا غیر لیگ حمایت کنم. مثل کن لوچ با باث سیتی.»

وقتی در مورد فروش احتمالی منچستریونایتد می‌پرسم، او آرام، اما قاطعانه به من می‌گوید که آنجا نخواهد رفت. او می‌گوید: «در این مورد صحبت نمی‌کنم.» «من ترجیح می‌دهم در مورد گواردیولا، چیزهای مثبت فوتبال، با شما صحبت کنم تا اینکه در مورد این چیزها صحبت کنم. امروز روز این سوالات نیست.»

کانتونا از بحث و جدل یا موضوعات دشوار استقبال کرده است. در سال ۲۰۱۰، او خواستار انقلاب اجتماعی علیه بانک‌ها شد و مردم را تشویق کرد که پول خود را در اعتراض به بحران مالی جهانی پس بگیرند. در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که در حال جمع‌آوری ۵۰۰ امضا از مقامات منتخب لازم برای نامزدی ریاست جمهوری است، اما روز بعد فاش کرد که این اقدامی برای برجسته کردن بحران مسکن فرانسه است. در سال ۲۰۱۵، دولت‌های غربی را به دلیل ناکامی در حمایت از پناهندگان فراری از جنگ‌های آغاز شده یا پر التهاب غرب، محکوم کرد.

آیا او هرگز وارد سیاست می‌شود؟ نه! این چیزی است که می‌گوید؛ تا آنجا که به او مربوط می‌شود، سیاست متعارف راه‌حل نیست. او ترجیح می‌دهد حرف خود را از طریق هنرش بگوید - چه موسیقی، عکاسی، شعر، نقاشی یا بازیگری. «من واقعا به دنیا اهمیت می‌دهم و قبلا در مورد آن صحبت می‌کردم، اما سلامتیم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و به شدت آن را احساس می‌کنم. اکنون، ترجیح می‌دهم در فیلمی مانند Inhuman Resources (سریال نتفلیکس ۲۰۲۰ که او در آن بازی کرد) حضور داشته باشم. من هنرمندانی مانند بنکسی و ای وی وی را ترجیح می‌دهم. یک آهنگ وجود دارد که عمیقا در مورد وضعیت جهان صحبت می‌کند. من هم ترجیح می‌دهم خودم را در ترانه‌هایم بیان کنم. من فکر می‌کنم قوی‌تر و موثرتر از صحبت کردن خواهد بود.»

به او می‌گویم که با بنسکی مصاحبه کردم. «تو او را ملاقات کردی؟ نه! او خودش را نشان داد؟» من می‌گویم - بله، مصاحبه رودررو. او خیلی هیجان‌زده به نظر می‌رسد. «او خواننده Massive Attack است؟» نه، من می‌گویم. حالا، او ناامید است. کانتونا شیفته این هنرمند گرافیتی ناشناس است. متوجه شدم روی بازوی او خالکوبی دختر با بادکنک اثر بنکسی است. او این خالکوبی را حدود ۱۰ سال پیش انجام داد. به او می‌گویم که این ارزش یک خالکوبی روی بازوی کانتونا را دارد. معمولا او را به یاد یک فیلم می‌اندازد. «فیلم فرانسوی با ژان گابین، Le Tatou را دیده‌اید؟ او یک خالکوبی مودیلیانی روی پشت خود دارد.

او کار در سیاست را رد کرده است، اما چیزی را انتخاب می‌کند که می‌تواند در جهان تغییر دهد. «هوش مصنوعی. افرادی که ما آنها را نابغه می‌نامیم، برای من احمق‌ترین مردم دنیا هستند که این چیزها را خلق کرده‌اند. آنها بشریت و کره زمین را نابود خواهند کرد.» او نسبت به نسل فرزندانش می‌ترسد - «شغل آنها، سلامت عقل و ذهنشان و آب و هوایی که در آن نفس خواهند کشید. در عین حال، من بسیار خوشبین هستم. چون این نسل می‌تواند کاری انجام دهد. ما باید خوشبین باشیم. ما باید به آنها ایمان داشته باشیم. آنها ناجیان ما هستند.»

آیا او از اینکه اوضاع پس از فوتبال برایش چگونه رقم خورده تعجب کرده است؟ «بله. من به زندگی‌ام فکر می‌کنم - زندگی یک مرد خوش‌شانس که این فرصت را داشته تا خود را به روش‌های مختلف بیان کند. قبلا در ورزش بود. اکنون در هر نوع هنری وجود دارد. اگر فرصت ابراز وجود را نداشته باشم، ترجیح می‌دهم بمیرم. من فقط به چالش نیاز دارم برای اینکه احساس زنده بودن کنم، باید آتش درونم را زنده نگه دارم.»

اکنون، او نمی‌تواند صبر کند تا خود را تنها در راه موسیقی بیان کند. او می‌گوید که خیلی چیزها غیرقابل پیش‌بینی است، خیلی چیزها ممکن است اشتباه پیش بروند و این زمانی است که به جادوی ورزش نزدیک‌تر می‌شوید. «آنچه در زندگی دوست دارم نقص‌هاست. چگونه از نقص استفاده می‌کنید؟ چگونه بدتر می‌شود؟ روی صحنه هم مثل زندگی است. شما یک لحظه وقت دارید و نحوه پاسخ دادن به آن، واکنش شماست. داشتن این نوع نقص عالی است.» او از دورنمای حضور روی صحنه لذت می‌برد و در انرژی متضاد مخاطب غرق می‌شود. «همانطور که در ترانه‌ام می‌گویم، مردم یا من را دوست دارند یا از من متنفرند.»

وقت آن است که کانتونا عکس خود را بگیرد. آخرین سوال؛ از کانتونا می‌پرسم که از خودش چه می‌پرسد. او به آن فکر می‌کند. «خودم؟ آخرین سوال؟» می‌پرسم: «چند وجه داری؟ چون در زندگی‌ام کارهای زیادی انجام داده‌ام.» و پاسخ شما چه خواهد بود؟ «پاسخ می‌دهم که به همان اندازه که عکس روانپزشکم پیکسل دارد، وجه دارم.» سپس پوزخند می‌زند، می‌خندد و می‌رود.

گاردین

نگاه

نیازمندی‌های ارتش سرخ در نقل‌وانتقالات

پرسپولیس در دفاع و حمله باید تقویت شود

روزبه دلاور

به گزارش «اعتماد»، فصل بیست و دوم از مسابقات فوتبال در لیگ برتر با قهرمانی پرسپولیس به پایان رسید و ۱۶ تیم این مسابقات کم‌کم آماده برگزاری فصل بیست و سوم خواهند شد. هر کدام از تیم‌های حاضر در بازی‌ها برای بازی‌های پیش‌رو برنامه‌ریزی و اهداف خودشان را دنبال می‌کنند. چند باشگاه مدعی برای قهرمانی تیم می‌بندند و بعضی تیم‌ها همین که در اواسط جدول باشند برای‌شان موفقیت محسوب می‌شود و تعدادی دیگر از تیم‌ها هم برای بقا تلاش می‌کنند.

اما پرسپولیس به‌عنوان پرافتخارترین تیم این مسابقات همیشه برای قهرمانی وارد رقابت می‌شود و در فصل بعد هم یکی از گزینه‌های اصلی کسب جام به حساب می‌آید. در گزارش امروز «اعتماد» به بررسی نقاطی که قرمزها برای فصل بعد نیاز به ترمیم آن دارند، می‌پردازیم. گفتنی است در این گزارش از ذکر نام گزینه‌های احتمالی پرهیز کردیم تا برای بازیکنان و مدیر برنامه‌های‌شان بازار گرمی نشود!

دروازه امن است اما فاصله گلرها زیاد!

پرسپولیس در خط دروازه علیرضا بیرانوند و احمد گوهری را دارد. با حضور بیرانوند خیال قرمزها از دروازه‌بان اول تیم‌شان راحت است، اما در صورت محرومیت یا مصدومیت بیرانوند، گوهری نمی‌تواند جایگزین مطمئنی برای او باشد. بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند برای پرهیز از حاشیه بهتر است فاصله دو گلر نزدیک به هم نباشد، اما گوهری و بیرانوند از لحاظ فنی اختلاف زیادی با هم دارند که جدا از مسائل انگیزشی در مقاطع حساس ممکن است پرسپولیسی‌ها را با دردسر مواجه کند.

جذب دفاع چپ از نان شب واجب‌تر است!

در خط دفاع پرسپولیس برای فصل بعد چند علامت سوال وجود دارد. اول اینکه اگر قانون منع باشگاه برای قرارداد دلاری با بازیکنان خارجی اجرایی شود، تکلیف گولسیانی چه خواهد شد؟ مدافع گرجی قرمزها زیر بار قرارداد ریالی نمی‌رود و همین موضوع می‌تواند قلب خط دفاع این تیم را با چالش جدی مواجه کند. البته پورعلی گنجی و نعمتی و فرجی هم دیگر گزینه‌های یحیی در مرکز خط دفاعی در این تیم ماندنی هستند، اما جز پورعلی گنجی سایر گزینه‌ها در سطح گولسیانی نیستند و باید صبر کرد و دید در صورت جدایی گئورگی چه بازیکنی پرسپولیسی می‌شود. در سمت راست خط دفاعی با وجود دانیال اسماعیلی‌فر پرسپولیس مشکلی ندارد اما سمت چپ یکی از دغدغه‌های جدی یحیی است. جایی که وحید امیری و علی نعمتی نتوانستند انتظارات را برآورده کنند و باید چاره‌ای برای پاشنه آشیل پرسپولیس در فصل قبل اندیشیده شود.

هافبک‌ها و وینگرهای سرحال نقطه قوت پرسپولیس

پرسپولیس با داشتن ترابی و صادقی و سرلک و رفیعی و عمری و اسدبیگی و امیری، غمی در مرکز و کناره‌های زمین ندارد! با حفظ همین بازیکنان به نظر

نمی‌رسد کادرفنی پرسپولیس بخواهد نیمکت این تیم را شلوغ‌تر از گذشته کند. بازیکنانی که هر تیمی آرزوی جذب یکی از آنها را دارد و می‌توانند سرنوشت بازی را عوض کنند. یکی از علت‌های موفقیت پرسپولیس در فصل پیش همین مهره‌های باارزش و کارگشا بودند و با وجود آنها خیال هر مربی راحت است.

جذب مهاجم در صدر فهرست خرید پرسپولیس

پرسپولیس در خط حمله با خداحافظی دیاباته همیشه مصدوم، عبدی و آل کثیر و پریرا را دارد، اما آمار گلزنی گولسیانی مدافع پرسپولیس از هر سه گزینه خط حمله این تیم بهتر بوده است! مهاجم گران‌قیمت اما بی‌کیفیت برزیلی که رفتنی است و عبدی همچنان دور از انتظار بازی می‌کند و جایی در ترکیب اصلی ندارد و فقط آل کثیر می‌ماند که بعد از رهایی از مصدومیت عملکرد خوبی داشت و گل‌های مهمی هم به ثمر رساند. اما آل کثیر هم سن زیادی دارد و هم نمی‌تواند به تنهایی بار خط حمله را به دوش بکشد؛ پس می‌ماند جذب یک و شاید هم دو مهاجم کارآمد تا در آسیا هم عصای دست یحیی باشند. پرسپولیس سال‌هاست که در جذب مهاجم درجه یک خارجی شانس نداشته و مهره‌هایی که به این تیم می‌آیند کارایی لازم را ندارند و اگر هم به‌طور اتفاقی یک مهاجم در حد لوکادیا به این تیم بیاید، ماندگار نیست! در بین گزینه‌های داخلی هم برای یحیی هیچ کس مثل شهریار مغانلو نمی‌شود که البته این مهاجم هم با سپاهان قرارداد دارد. باید منتظر ماند و دید یحیی برای رهایی از این معضل چه چاره‌ای می‌اندیشد. دوای درد قرمزها گزینه خارجی است یا شاید هم ایرانی‌هایی که مدتی در خارج بازی کردند و در اواخر فوتبال خود دوست دارند به ایران بیایند و برای پرسپولیس بازی کنند. این گزینه‌ها می‌توانند سروسامانی به خط آتش این تیم دهند.

مربیان ایرانی از جذب بازیکنان «چندپسته» غافل می‌شوند؟

یک زمان برانکو استاد شناسایی بازیکنانی با توانایی بازی در چند پست بود و با جابه‌جایی مهره‌ها در بازی‌هایی که با کمبود مهره مواجه می‌شد به مشکل زیادی نمی‌خورد. بعد از برانکو، یحیی هم همین رویه را در پیش گرفت. بازیکنانی که در چند پست می‌توانند بازی کنند، عصای دست مربی هستند. بازیکنانی مثل ربیع‌خواه، نوراللهی، انصاری، ماهینی و... اما مدت‌هاست که از این دست بازیکنان کمتر در فوتبال بروز کرده‌اند یا شاید هم سرمربی پرسپولیس دیگر اعتقادی به چنین بازیکنانی ندارد. اما تیم‌های دیگر چطور؟ با شروع فصل جدید و جذب بازیکنان تازه و زیر نظر گرفتن عملکرد تیم‌ها در بازار نقل و انتقالات بهتر می‌توان به این سوال پاسخ داد.

دیدگاه

فوتبال عربستان و فوتبال ما

از بنزما و جذب توریست تا فراری دادن ستارگان

به گزارش «اعتماد» پس از حضور کریستیانو رونالدو یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال در لیگ عربستان و باشگاه النصر، الاتحاد دیگر تیم عربستانی بی‌کار ننشست و کریم بنزما فوق ستاره فصل پیش رئال مادرید را به ریاض آورد. اما این دو ابرستاره تنها خریدهای باشگاه الاتحاد و دیگر تیم‌های عربستانی نیستند، چرا که چند روزی می‌شود که الاتحاد در حال مذاکره نهایی با سرخیو راموس است و تقریبا کانته را هم باید عضو این تیم دانست. از طرفی گفته شده ایکاردی با التعاون به توافق اولیه رسیده و مدت‌هاست که از پیشنهاد وسوسه‌انگیز الهلال به مسی می‌گذرد و چنانچه ناز فوق ستاره آرژانتینی برای الهلالی‌ها ادامه‌دار باشد احتمالا چند ستاره اروپایی یا از کشورهای درجه یک امریکای جنوبی راهی این تیم آبی‌پوش خواهند شد.

از همین حالا می‌شود پیش‌بینی کنیم که فصل آینده لیگ عربستان توجه عموم مردم فوتبالدوست جهان را به خودش جلب می‌کند و توریست‌های زیادی از سراسر دنیا به عربستان خواهند رفت تا بازیکنان محبوب خود را از نزدیک ملاقات کنند. اتفاقی که بعد از حضور رونالدو در عربستان شاهدش بودیم. اینکه برندینگ و صنعت توریسم در این کشور با حضور بازیکن پرتغالی تکان اساسی خورد!

اما همزمان در فوتبال ما خبرهای عجیب و غریب زیادی به گوش می‌رسد که قابل قیاس با کشور مسلمان و همسایه نیست. در حالی که بسیاری از بازیکنان خارجی که به ایران می‌آیند بیشتر نقش توریست را دارند تا بازیکن باکیفیت و انتظار می‌رفت با قوانین و بودجه‌ای که برای باشگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود راه برای بازیکنان بزرگ دنیا به تهران باز شود، قانونی در نزدیکی تصویب قرار دارد که باشگاه‌ها از امضای قرارداد ارزی منع می‌شوند! که اگر چنین اتفاقی رخ دهد عملا هیچ بازیکن خارجی به لیگ ما نمی‌آید و باید شاهد افزایش قیمت بازیکنان بی‌کیفیت باشیم. تصور کنید مثلا باشگاه نساجی که امسال مجوز حضور در لیگ قهرمانان آسیا را به دست آورده چطور می‌تواند ستاره‌های داخلی را به قائمشهر بکشاند؟ آیا باید با همین وضعیت و با آن همه کمبود به مصاف تیم‌های کشورهای عربی برود؟ چرا نباید دست مالک این تیم و در کل دیگر تیم‌های کشور را باز گذاشت تا نقاط ضعف‌شان را با بازیکنان خارجی پوشش دهند؟ از همین حالا باید هشدار داد که با این وضعیت و اگر قانون از جذب بازیکن خارجی جلوگیری کند در آسیا سوژه دیگر کشورها خواهیم شد و بدون تردید فوتبال ما آبروریزی به بار می‌آورد! سال‌هاست قوانین عجیبی در فوتبال ایران وضع می‌شود که نه تنها کمکی به پیشرفت فوتبال نمی‌کند بلکه طرفداران بی‌شمار این رشته را دلسرد می‌کند. اما موضوع وقتی عجیب‌تر می‌شود که همین چندوقت قبل فدراسیون فوتبال به باشگاه‌ها این اجازه را داد تا بتوانند بازیکنان خارجی بیشتری جذب کنند به این امید که از رشد سرسام‌آور قیمت بازیکنان داخلی جلوگیری کنند اما حالا با منع قرارداد ارزی که گفته شده دستور دولت است، قوانین به شکلی با هم تداخل پیدا کرده‌اند و به نظر می‌رسد تصمیم‌گیرندگان در این مورد باید چاره دیگری بیندیشند.

اگر فوتبال ما در جذب بازیکنان درجه یک توانایی رقابت با کشورهای عربی را ندارد و سال‌هاست به لحاظ امکانات و استادیوم‌های مدرن از آنها عقب افتادیم بخش عمده‌اش همین تصمیمات و دخالت‌های نابجای نهادهای حاکمیتی و دولتی است؛ نهادهایی که سال‌های متمادی است سهم باشگاه‌ها از حق پخش را نادیده گرفته و در زمینه مدیریتی در باشگاه‌های پرطرفدار تا دل‌تان بخواهد تصمیمات نادرست داشته‌اند.

پیشخوان
Pishkhan.com

تاریخ

بازخوانی همکاری‌های امنیتی و سیاسی ایران و امریکا در جریان حمله به افغانستان و عراق

همکاری علیه دشمن مشترک

محمدحسن نجمی

بر خلاف اکثر اوقات کراوات قرمز نداشت و این بار آبی کمرنگ را انتخاب کرده بود. به تریبون مخصوص سخنرانان در کنگره، تکیه داده بود. بعضا موقع صحبت، دستانش را تکان می‌داد. کنگره در سکوت کامل بود؛ امریکا وارد جنگ شده بود؛ حدودا یک سال قبل از حمله به عراق و ۵-۴ ماه بعد از حمله به افغانستان. جرج واکر بوش، رییس جمهوری امریکا میانه سخنانش درباره سیاست خارجی ایالات متحده به ایران، عراق و کره‌شمالی اشاره و درباره آنها صحبت کرد. ناگهان جمله‌ای گفت که هم مقامات سیاسی در تهران و هم مقامات سیاسی در کاخ‌سفید را به بهت و شوک فرو برد: «چنین کشورهایی و متحدان تروریست آنان محور شرارتی را تشکیل می‌دهند که برای به خطر انداختن صلح جهانی مسلح شده است. این حکومت‌ها با طلب کردن تسلیحات کشتار جمعی خطر فزاینده و سختی برای جهان هستند». این سخنان پس از آن بیان شد که جمهوری اسلامی برای حمله امریکا به طالبان در افغانستان کمک‌های شایانی کرده بود. جواد ظریف وزیر خارجه پیشین ایران شامگاه سه‌شنبه در یک جلسه مجازی، درباره محور شرارت سخن گفت و از موفقیتش در کنفرانس «بن» آلمان برای حاکمیت پسا طالبان در سال ۲۰۰۱.

ماجرا با حمله مرگبار و تروریستی القاعده به قلب نیویورک یعنی برج‌های دوقلو آغاز شد؛ حملاتی که جمهوری اسلامی با موضع‌گیری و محکوم کردن آن در کوتاه‌ترین زمان، اجازه نشانه رفتن تهران به عنوان همکار در عملیات تروریستی را به هیات حاکمه ایالات‌متحده نداد. اما لانه تروریست‌ها مشخص بود؛ افغانستانِ تحت سیطره طالبان.

ایالات‌متحده که برای افکار عمومی‌اش باید هر چه سریع‌تر یک واکنش فوری نشان می‌داد، به سرعت نخستین هدف برای انتقام و از بین بردن مغز متفکر تروریست‌های القاعده را انتخاب کرد؛ «افغانستان».

در این میان امریکا پس از گروگانگیری اعضای سفارت این کشور در تهران، که آبان ۱۳۵۸ صورت گرفت، رابطه سیاسی و دیپلماتیکش را با ایران قطع و تحریم‌هایی را هم علیه ایران وضع کرد. ماجرای معامله سلاح‌های موردنیاز ایران در طول جنگ که سال ۱۳۶۴ فاش شد و به ماجرای مک‌فارلین معروف شد نیز نتوانسته بود یخ بین دو کشور را آب کند. در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی هم تحریم‌هایی علیه صنعت نفت ایران از سوی کنگره و دولت ایالات‌متحده تصویب و اجرا شد که به «قانون داماتو» مشهور شد.

با این وجود امریکا قرار بود به همسایه شرقی ایران حمله نظامی کند؛ آنجا طالبان دارای قدرت زیادی بود و تقریبا کشور را در سیطره خود داشت. هنوز دو، سه سال از حمله این گروهک تروریستی به کنسولگری ایران در مزار شریف و شهید کردن ۱۰ دیپلمات و خبرنگار ایرانی نگذشته بود. ایران آن زمان نخواسته بود که بابت انتقام خون آنها، «وارد باتلاق» شود. محمد خاتمی، رییس جمهور وقت ایران در مصاحبه‌ای با «بی‌بی‌سی» گفته بود: «طالبان دشمن ما است. امریکا هم احساس می‌کرد طالبان دشمن ما است و سرنگونی طالبان در درجه اول تامین‌کننده منافع ایران بود.» حالا امریکا قرار بود به افغانستان لشکرکشی کند و با خرج خودش دشمنان ایران را هم از بین ببرد.

از سوی دیگر، در تحولات افغانستان، ایران بازیگری بود و هست که هیچ‌گاه نمی‌تواند نادیده گرفته شود؛ حالا اگر آن تحول، حمله نظامی باشد که قطعا باید ایران نه تنها مطلع باشد که باید در جریان امور نیز قرار می‌گرفت.

کانال پشتیبان

در منابع امریکایی آمده که پس از حملات مرگبار یازده سپتامبر ۲۰۰۱، دولت جرج بوش، برای ارتباط با ایران، یک «کانال پشتیبان» یا به عبارت دیگر «مسیر ثانویه و مخفی برای انتقال اطلاعات» تشکیل داد؛ هدف از این کانال کمک به روند «هماهنگی برای شکست دشمن مشترک در افغانستان» گفته شده است. «رایان کراکر» دیپلمات امریکایی که آن زمان معاون وزارت خارجه ایالات‌متحده در حوزه خاورمیانه بود، در خاطراتش نوشته: «یک هفته پس از حملات ۱۱ سپتامبر به پاریس و ژنو پرواز داشته تا با مقامات کشورهای مختلف از جمله مذاکره‌کنندگانی از ایران دیدار داشته باشد.» او روایت می‌کند: «شوک وارد شده بر امریکا باعث شده بود که واشنگتن با تمام شرکای محتمل و غیرمحتمل وارد معامله شده و برای جنگ علیه افغانستان آماده شود. من نیز به عنوان معاون وزیر خارجه در حوزه ایران، عراق و خلیج‌فارس رفته بودم تا با فرستادگانی از تهران گفت‌وگو کنم.»

او پیش از انقلاب ۱۳۵۷، در ایران خدمت می‌کرده و به همین دلیل فارسی را به خوبی صحبت می‌کند.

کراکر در بخش دیگری از نوشته‌هایش مدعی شده که «هیات ایران خواستار اشغال افغانستان از سوی امریکا» شده بود؛ او در ادامه ادعا کرده که «اما آنچه که برایم جالب‌تر از همه بود، اشتیاق آنان نسبت به اعزام نیروهای امریکا، همان «شیطان بزرگ» به حیاط خلوت ایران یعنی افغانستان بود.»

مذاکره هنگام طلوع خورشید از پشت آلپ

در روزهای بعد از حملات ۱۱ سپتامبر رایان کراکر با احتیاط به ژنو می‌رفت تا با گروهی از دیپلمات‌های ایرانی دیدار کند. او جمعه می‌رفته و یکشنبه برمی‌گشت تا کسی در دفترش متوجه این سفرها نشود. این دیپلمات امریکایی می‌گوید که برای دیدار و مذاکره با ایرانیان به ژنو رفته؛ مذاکراتی که به گفته او «محرمانه نبود»؛ چراکه هیات‌های ایرانی و امریکایی در «تالار مذاکرات سازمان ملل» و پشت یکی از میزهای آن سالن خالی گفت‌وگو می‌کردند. او روایت کرده که «مذاکرات درباره افغانستان ساعت‌ها طول کشید و به شب رسید. ما گفت‌وگوهای خود را در سوییت‌های هتل پی گرفتیم و تا صبح حرف‌های‌مان ادامه داشت... گاهی طلوع آفتاب از پشت کوه‌های آلپ را تماشا می‌کردیم.»

سال ۱۳۸۸، خبرگزاری ایرنا بخشی از خاطرات رایان کراکر را منتشر کرد که در آن آمده «اوایل اکتبر، یعنی تقریبا یک ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ما پشت میز یکی از سالن‌های کنفرانس سازمان ملل نشسته بودیم و در مورد ساختار پارلمان بعد از طالبان صحبت می‌کردیم. یکی از دیپلمات‌های ایرانی رفته‌رفته به تنگ آمد و سرانجام سرپا ایستاد و تقریبا با فریاد گفت که ما نباید در مورد -چه باید باشد- صحبت کنیم. تا زمانی که رژیم کنونی -در افغانستان- بر سر کار است، هیچ کدام از این حرف‌ها سودی ندارد. سپس او اتاق را ترک کرد. بمباران افغانستان توسط امریکا چند روز بعد آغاز شد.»

نُت چرا؛ نقشه را ببر!

اما خاطرات کراکر منحصر به اقدامات دیپلماتیک نبود؛ در بخشی از گزارش نیویورکر به نام «فرمانده در سایه» به نقل از او آمده که «برای کراکر واضح بود که ایرانی‌ها به قاسم سلیمانی گزارش می‌دهند و او را «حاج‌قاسم» صدا می‌کردند و آن زمان مشتاق بودند به امریکا کمک کنند تا دشمن مشترک‌شان طالبان را شکست دهند...

جک استراو، وزیر خارجه وقت بریتانیا در کتاب «کار، کار انگلیسی‌هاست» آورده است: «دیگر تردیدی نبود که قرار است ایران و امریکا در امور امنیتی با یکدیگر همکاری‌هایی داشته باشند و حتی عملیاتی برای جست‌وجو و نجات خلبان‌های گرفتار در خاک طالبان انجام شد. ایرانی‌ها اطلاعاتی ارزشمند تامین کردند، داوطلبانه برای جست‌وجو و نجات خلبان‌های سقوط کرده امریکایی ترتیب دادند و به عنوان واسطه بین ما و ائتلاف شمال افغانستان فعالیت داشتند. در عوض امریکا اطلاعات لازم برای یافتن و کشتن رهبران القاعده را که به ایران فرار کرده بودند را در اختیار تهران گذاشت.»

گاهی سلیمانی پیام‌هایی را برای کراکر می‌فرستاد اما از پیام کتبی اجتناب می‌کرد. کراکر می‌گوید: «حاجی قاسم» خیلی باهوش‌تر از این حرف‌ها بود. او هرگز دستخط برای امریکایی‌ها به جا نمی‌گذارد.»

در روایت‌هایی که از این مذاکرات وجود دارد و خبرگزاری فارس نیز آن را منتشر کرده، کراکر روایت کرده که «مذاکره‌کننده اصلی ایران نقشه‌ای به او داد که به صورت جزیی، وضعیت نیروهای طالبان را نشان می‌داد. کراکر که از اشراف اطلاعاتی نیروهای ایران حیرت زده شده بود به طرف ایرانی می‌گوید که آیا می‌توانم از این نقشه یادداشت برداری کنم؟ طرف ایرانی می‌گوید که تو می‌توانی نقشه را داشته باشی». کراکر مدعی است «نقشه اطلاعاتی که طرف امریکایی را متحیر کرد، متعلق به نیروی قدس سپاه بود که توسط نماینده دولت ایران به طرف امریکایی داده شد».

شاهد این بخش از سخنان کراکر، احتمالا این بخش از خاطرات جک استراو وزیر خارجه وقت بریتانیاست که در کتاب «کار، کار انگلیسی‌هاست» آورده است: «دیگر تردیدی نبود که قرار است ایران و امریکا در امور امنیتی با یکدیگر همکاری‌هایی داشته باشند و حتی عملیاتی برای جست‌وجو و نجات خلبان‌های گرفتار در خاک طالبان انجام شد. ایرانی‌ها اطلاعاتی ارزشمند تامین کردند، داوطلبانه برای جست‌وجو و نجات خلبان‌های سقوط کرده امریکایی ترتیب دادند و به عنوان واسطه بین ما و ائتلاف شمال افغانستان فعالیت داشتند. در عوض امریکا اطلاعات لازم برای یافتن و کشتن رهبران القاعده را که به ایران فرار کرده بودند را در اختیار تهران گذاشت.»

دیدار مقامات امنیتی ایرانی با امریکایی‌ها

«جک استراو» وزیر امور خارجه وقت بریتانیا که نزدیک‌ترین متحد امریکا به شمار می‌رفت، می‌نویسد: بعد از ۱۱ سپتامبر کالین پاول و بسیاری از آدم‌های دستگاه سیاسی امریکا بر این گمان بودند که برای هرگونه درگیری با طالبان و القاعده می‌باید همکاری ایران را هم جلب کنند. استراو به برنامه سفرش به تهران در دوم مهر ماه ۱۳۸۰ اشاره دارد و می‌گوید: قبل از سفر، «امریکایی‌ها مذاکراتی را در سطوح پایین با ایرانی‌ها آغاز کرده و رایان کراکر با برخی مقامات امنیتی ایران دیدار کرده بود.»

او تاکید کرده که «سفیر ما در تهران، همه مهره‌های حکومتی ایران را می‌شناخت و با تلاش پیگیر آنها و ارتباط سازنده با ایرانی‌ها، نیروهای ائتلاف توانستند در مذاکرات سازنده و البته محرمانه‌ای با یکدیگر نقشه موثری برای حمله به القاعده طراحی کنند.» او همچنین می‌گوید که در تهران و در محل سفارت بریتانیا برای نخستین‌بار، «عبدالله عبدالله» وزیر خارجه ائتلاف شمال افغانستان را ملاقات می‌کند.

آغاز حمله

۲۶ روز بعد از ۱۱ سپتامبر که می‌شد نیمه مهر ماه ۱۳۸۰، ایالات‌متحده حملات هوایی خود را به افغانستان آغاز کرد و مواضع طالبان را زیر آتش گرفت. روزها و شب‌هایی با همین وضعیت ادامه داشت و جامعه جهانی هم به فکر افغانستان، پس از طالبان بود. بابت همین بود که کنفرانسی در «بُن» آلمان که به «کنفرانس بن» معروف شد، برگزار کردند و بازیگران مهم افغانستان و گروه‌های اپوزیسیون طالبان زیر یک سقف جمع شدند. در این شرایط جامعه جهانی با امریکا همراه شده بود تا طالبان را سرنگون کند؛ از همین رو علاوه بر ائتلاف برای عملیات نظامی، در سطح دیپلماتیک هم برای آینده افغانستان و انتخاب جانشین طالبان در حاکمیت آینده این کشور، بازیگران به دنبال اجماع‌سازی و توافق بر سر یک گزینه بودند و تکلیف حکومت انتقالی روشن شود.

به موازات پیشرفت‌های نظامی، پیشرفت‌های دیپلماتیک نیز در حال جلو رفتن بود. نیمه‌های نوامبر ۲۰۰۱ کابل نهایتا سقوط کرد و اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۲۰۰۱ یعنی حدود آذر ماه ۱۳۸۰، کنفرانس بن تشکیل شد.

کنفرانس بن نخستین جایی بود که محمدجواد ظریف که آن روزها معاون حقوقی وزارت خارجه بود، به مذاکره‌کنندگان ایرانی پیوست و رییس تیم مذاکره‌کننده بود.

عبدالله عبدالله وزیر خارجه ائتلاف شمال در کنفرانس بن

جک استراو می‌گوید: «کنفرانس بن برای آینده سیاسی افغانستان نوشته یکی از مهم‌ترین همکاری‌هایی که ایران از پشت پرده ارایه داد، اصرار برای شفاف‌سازی در پیش‌نویس قانون اساسی افغانستان بود.»

یک ساعت رانندگی برای ملاقات با ایرانی‌ها

هیات امریکایی برای شرکت در کنفرانس بن، به ریاست جیمز دابینز، دیپلمات ارشد امریکایی و همراهی زلمای خلیل‌زاد به عنوان نماینده شورای امنیت ملی امریکا، با موافقت کالین پاول وزیر خارجه وقت، با هیات ایرانی مذاکراتی داشتند.

خلیل‌زاد در کتاب خاطراتش نوشته؛ دابینز شب پیش از کنفرانس تماسی از هیات ایرانی دریافت می‌کند که درخواست دیدار در هتل خود را داشته‌اند.

او می‌گوید: همراه دابینز، به سوی اقامتگاه ایرانیان یک ساعت رانندگی کردیم. محمدابراهیم طاهریان سفیر ایران نزد ائتلاف شما، به ما خوشامد گفت. طاهریان از اوضاع افغانستان خیلی آگاه بود. ایرانی‌ها کرزی را به عنوان رهبر دولت تایید کردند. جلسه مقدماتی با ایرانی‌ها فضا را برای روابط دوستانه و سازنده هیات‌های دو طرف در طول کنفرانس ایجاد کرد.

این کنفرانس برای یافتن فرد مدنظر به اختلاف خورد؛ یعنی نیروهای اپوزیسیون بر گزینه‌های خود پافشاری می‌کردند که نهایتا ظریف توانست «کار را درآورد» و حامد کرزی که آن زمان در مخفیگاهش در افغانستان بود، رییس دولت انتقالی شود.

دو روز پیش بود که ظریف خودش درباره کنفرانس «بن» گفت که «من نماینده ایران در کنفرانس بن بودم؛ اما بدون شهید سلیمانی نمی‌شد آن حضور فعال را در کنفرانس بن مربوط به افغانستان داشت».

ماجرای «کارین»

در همین اثنا و در شرایطی که ایران و امریکا همکاری‌های‌شان را در فضایی آرام در حال جلو بردن بودند، ناگهان انتشار یک خبر آغازی بر پایان این همکاری‌ها را کلید زد.

اوایل ژانویه ۲۰۰۲، نیروی دریایی اسراییل در دریای مدیترانه یک کشتی به نام «کارین» که حامل اسلحه بود را توقیف و اعلام کرد که این کشتی سلاح از جانب ایران برای یاسر عرفات فرستاده شده بود. اسراییلی‌ها می‌گفتند که ایران قصد داشته محموله را به دست فلسطینی‌ها برساند. جواد ظریف در کتاب آقای سفیر این موضوع را رد می‌کند و می‌گوید: این موضوع برای مانگران‌کننده و غیرقابل‌باور بود... ممکن است اسراییل این سلاح‌ها را از کشورهایی که ایران به آنها سلاح صادر می‌کند، تهیه کرده بود یا عوامل ناآگاه داخلی در این کار با آنها همکاری داشته‌اند. کاملا مشخص بود که این کار از قبل برنامه‌ریزی شده بوده است... بعد از این ماجرا برای نخستین‌بار از طریق سفارت سوییس به امریکا پیام فرستاد که از نظر ما این اقدام مشکوک است و شواهد نشان می‌دهد حقیقت ندارد. از آنها خواسته شده بود که اگر سندی در اختیار دارند برای ما بفرستند تا بررسی شود که هیچ‌گاه مدرکی یافت نشد.»

این داستان چه ناشی از «عوامل ناآگاه داخلی» باشد و چه ناشی از «سیاست پرچم اشتباه»، همکاری‌های ایران و امریکا را تحت تاثیر قرار داد؛ داستانی که به گفته جواد ظریف هیچ‌گاه قصه «کشتی کارین» را از یاد نخواهد برد.

محور شرارت؛ تیر خلاص

چند روز بعد از این ماجرا، تیر خلاص به همکاری‌های ایران و امریکا زده شد؛ همکاری‌هایی که به مذاق بسیاری خوش نیامده بود؛ استراو در کتابش نوشته: «افراد زیادی در حکومت اسراییل و دوستان نومحافظه‌کارشان در دولت بوش بودند که همکاری با ایران آشفته‌شان می‌کرد... اما موضع‌شان را از طریق پیش‌نویس نطق اولین سخنرانی جرج بوش بعد از تحلیفش در ژانویه ۲۰۰۲ مجددا اعلام کردند.»

منظور او، عبارت «محور شرارت» است؛ ۲۹ ژانویه

خاتمی به موسویان گفته بود که «من مطمئنم که بوش میخ آخر را به تابوت رابطه ایران و امریکا زد. من فکر می‌کنم بهبود روابط را، حداقل در دوران ریاست‌جمهوری من، باید از سر به در کرد.» موسویان درباره نقل‌قول از سردار سلیمانی نیز گفته بود که «بعد از یکی از جلسات شورای عالی امنیت ملی، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، با ابراز احساس ناگواری که نسبت به حرکت بوش، در پاسخ به کمک‌های پر ارزش ایران، به او دست داده بود، به من گفت، از همان آغاز من این شک را داشتم که تقاضای امریکا برای کمک تنها جنبه تاکتیکی داشته و هدف آنها یک همکاری درازمدت نیست.»

۲۰۰۲ یعنی در همان زمان‌هایی که جمهوری اسلامی و ایالات‌متحده درباره افغانستان مشغول همکاری بودند، جرج بوش در نخستین نطق پس از تحلیفش به عنوان رییس جمهوری، از ایران، عراق و کره‌شمالی به عنوان کشورهای «محور شرارت» نام برد.

این موضع بوش، خیلی‌ها را دچار شوک و بهت کرد؛ فقط ایرانی‌ها نبودند که از این عبارت شوکه و خشمگین بودند. مقامات امریکایی نیز خودشان متعجب بودند و مهم‌تر این بود که این عبارت قرار نبوده در متن سخنرانی گنجانده شود.

جک استراو می‌نویسد: «عبارت محور شرارت را یکی از نطق‌نویسان کاخ سفید در متن وارد کرده بود و وقتی نطق را در پنتاگون و وزارت کشور بررسی می‌کردند، هیچ‌کس اخطاری درباره‌اش نداده بود. اینکه چطور عبارات مذکور وارد نطق شد و ماند، یک راز است. سال ۲۰۱۵ با یکی از نطق‌نویسان مصاحبه می‌کردم، روی این موضوع تاکید کردم. دیوید فروم انتظار داشت که بالادستی‌ها نطقش را اصلاح و بازنویسی کنند، اما نکردند. نطق بوش مثل یک بمب بر سر تهران فرود آمد. آشکار بود که در طولانی‌مدت، محافظه‌کاران از نطق بوش سود می‌بردند.»

حسین موسویان معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت، درباره «محور شرارت» می‌گوید: «مذاکرات بین ایران و امریکا حتی بعد از کنفرانس بن نیز ادامه پیدا کرد. اما ناگهان، به معنای واقع کلمه، بمبی منفجر شد. پرزیدنت بوش تنها چند هفته بعد از کنفرانس بن همه ما را با قرار دادن ایران در «محور شرارت»، طی سخنان سالانه‌اش در ژانویه ۲۰۰۲، غرق حیرت کرد.»

ناامیدی دو مقام ارشد؛ خاتمی و سلیمانی

موسویان دو نقل‌قول از محمد خاتمی رییس جمهوری وقت و قاسم سلیمانی فرمانده وقت نیروی قدس سپاه دارد که هر دو از این اقدام بوش ناامیدانه سخن گفته بودند. خاتمی به موسویان گفته بود که «من مطمئنم که بوش میخ آخر را به تابوت رابطه ایران و امریکا زد. من فکر می‌کنم بهبود روابط را، حداقل در دوران ریاست‌جمهوری من، باید از سر به در کرد.»

موسویان درباره نقل‌قول از سردار سلیمانی نیز گفته بود که «بعد از یکی از جلسات شورای عالی امنیت ملی، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، با ابراز احساس ناگواری که نسبت به حرکت بوش، در پاسخ به کمک‌های پر ارزش ایران، به او دست داده بود، به من گفت، از همان آغاز من این شک را داشتم که تقاضای امریکا برای کمک تنها جنبه تاکتیکی داشته و هدف آنها یک همکاری درازمدت نیست.»

بعد از محور شرارت

با این وجود جیمز دابینز دیپلمات ارشد امریکایی در جلسه «استماع مقابل کمیته نظارت و اصلاحات دولت مجلس نمایندگان» در نوامبر ۲۰۰۷، می‌گوید که «دو ماه بعد از سخنرانی بوش در ژنو، یک ایرانی از من خواست در حاشیه یک نشست چندجانبه دیگر که درباره افغانستان داشتیم با من دیدار کند. آنها یک ژنرال ایرانی را به من معرفی کردند با یونیفرم کامل که فرمانده کمک‌های امنیتی‌شان به ائتلاف شمال در طول جنگ بود. ژنرال به من گفت ایران آمادگی دارد به برنامه ایجاد یک ارتش ملی جدید در افغانستان کمک کند.» مشخص نیست ژنرال ادعایی رابینز چه کسی بوده و از چه نهادی؛ اما وجود چنین ملاقاتی نیز دیده نشده که تکذیب شود.

همکاری در جنگ ۲۰۰۳

اما حمله به افغانستان تنها همکاری نظامی-دیپلماتیک ایران و امریکا نبود؛ بعد از آن هم قبل از جنگ ۲۰۰۳ امریکا علیه عراق و سرنگونی صدام، همان شرایط قبل از جنگ ۲۰۰۱ برقرار شد.

ایالات‌متحده مارس ۲۰۰۳ به عراق، یکی از کشورهای محور شرارت بوش، حمله نظامی کرد تا صدام را ساقط کند. اتفاقا این موضوع نیز مانند سقوط طالبان مورد اقبال ایران قرار می‌گرفت اما این‌بار دیگر ایران علاقه‌ای به استقرار نیروهای نظامی امریکایی در مرزهای غربی‌اش نداشت. همان مرزهای شرقی دیگر کافی بود. کنفرانس لندن، که دسامبر ۲۰۰۲ برگزار شد، گروه‌های اپوزیسیون صدام در آن گردهم آمدند. زلمای خلیل‌زاد که پس از افغانستان، از سوی بوش به ماموریت عراق فرستاده شده بود، می‌گوید با عبدالعزیز حکیم از شورای عالی انقلاب اسلامی عراق، بحثش می‌شود و او با بیانیه پایانی مخالفت می‌کرده است. نهایتا حکیم از جلسه بیرون می‌رود تا با تهران تماس بگیرد که به گفته خلیل‌زاد «او با وضعیت همکاری جویانه بیشتری بازگشت و به توافق راضی شد.» خلیل‌زاد می‌گوید: نیمه نخست ۲۰۰۳ که قاعدتا باید قبل از تاریخ حمله امریکا به عراق باشد، با ایرانیان مذاکراتی داشته است. در این مذاکرات که رایان کراکر نیز حضور داشته، جواد ظریف که آن زمان نماینده ایران نزد سازمان ملل بوده، ریاست هیات ایرانی را بر عهده داشته است. او به ظریف می‌گوید: «ایالات‌متحده بر خلاف اتهام‌های علنی... هیچ برنامه‌ای برای گسترش جنگ به ایران ندارد.»

حسرت خلیل‌زاد

ظریف در این مذاکرات از مخالفت ایران با اشغال عراق و لزوم تشکیل یک حکومت فراگیر و همچنین بعث‌زدایی در نیروهای امنیتی عراق صحبت می‌کند. خلیل‌زاد همچنین می‌گوید که از ظریف خواسته بود تا اگر هواپیماهای امریکایی وارد حریم هوایی ایران شدند، ایران آنها را مورد هدف قرار ندهد که ظریف هم قبول کرده بود. خلیل‌زاد می‌گوید که «کاش من هشدارهای ظریف در خصوص بی‌ثباتی در عراق را در دوره پساجنگ فراگرفت، جدی‌تر گرفته بودم.»

جک استراو نیز درباره تدارکات و هماهنگی‌های قبل از جنگ ۲۰۰۳ می‌نویسد: «در مقطعی از مراحل برنامه‌ریزی، بعد از آنکه ترکیه اعلام کرد اجازه عبور نیروهای ائتلاف از خاکش را نمی‌دهد، ایرانی‌ها تلویحا گفتند احتمال دارد با پرواز نیروهای بریتانیا (و نه امریکا) از راه حریم هوایی‌شان و از پایگاه ازبکستان موافقت کنند، اما این موضوع پیگیری نشد.»

«هوشیار زیباری» وزیر امور خارجه وقت عراق، به روزنامه الحیات می‌گوید: «امریکایی‌ها پیش از جنگ، با ایرانی‌ها در ژنو در سطح مسوولان چندین‌بار گفت‌وگو کردند. دو طرف درباره مسائل فنی عملیاتی، حریم‌های هوایی و مرز، تبادل‌نظر کردند. این دیدارها تا زمان جنگ و پس از سرنگونی صدام ادامه داشت اما پس از آن امریکایی‌ها ارتباط را قطع کردند.»

چرا قطع شد؟

البته قطع کردن رابطه‌ای که زیباری می‌گوید را خلیل‌زاد درباره آن می‌گوید پس از جلسه ماه مه ۲۰۰۳ با ظریف درباره تروریسم، یک کامیون بمب‌گذاری شده در ریاض در یک مجتمع منفجر شده که به کشته شدن ۸ امریکایی منجر می‌شود. این دیپلمات ارشد امریکایی مدعی شده بود که «وقتی سرنخ این حملات به القاعده در ایران رسید، مقامات تصمیم گرفتند که کانال ارتباط من با ایرانی‌ها را قطع کنند.»

فارغ از صحت و سقم ادعای خلیل‌زاد، همکاری چه در حوزه سیاسی و چه در حوزه نظامی و در هر سطحی که باشد، اهمیت و حساسیت بالایی دارد و در عین حال نیز مخالفانی دارد که شاید قدرت‌شان در تصمیم‌گیری‌ها افاقه نکند، اما برای تاثیرگذاری بر آنها، احتمالا افاقه کند.

Pishkhan.com

داستان

ایمان حامی‌خواه /مهر

طعم خوش آن نیمرو هنوز زیر زبانم هست

داس چاقو

حسن فریدی

سالی بیشتر از فوت پدر نگذشته بود که در زندگی من ناپدری پیدا شد. با آمدنش آسودگی خاطر و آرامش جان از دوران خوش کودکی رخت بربست! بر تنگدستی ما، اضطراب و دلهره هم افزوده شد. به همان اندازه که وجودش برای مادر لازم و ضروری بود، برای من دل‌آزار بود. بعدها فهمیدم که به ناچار باید سایه مردی بالای سر زن باشد؛ به خصوص که اگر آن زن جوان هم باشد؛ تا دیگران حرفی پشت سرش در نیاورند؛ اما من...؟ زندگی‌ام... با آمدن ناپدری رنج تازه‌ای به رنج‌های ما اضافه شد. او مرا مجبور می‌کرد کار کنم؛ البته قبل از آن هم کار می‌کردم. هم شاگرد بنا بودم، هم شیرینی‌فروشِ دوره‌گرد. از صحرا کاهو یا سبزی به شهر می‌آوردم و می‌فروختم، ولی دیگر هیولایی بالای سر نداشتم. ماه دوم زمستان بود. عصر جمعه، هوا نیمه‌ابری، ابرها آبستن، وزش باد آرام، قلبم پرتپش، سینی سوهان بر سر، داس چاقو(۱) در جیب چپم، به سوی چاکه(۲) حرکت کردم، از شوق فروش یک جای سوهان‌ها دلم قیلی ویلی می‌رفت! شتاب گام‌هایم را بیشتر می‌کردم اما یک لحظه، ترس از ناپدری ذهنم را رها نمی‌کرد. وحشتش میخکوبم می‌کرد اما می‌دانستم باید بروم و می‌رفتم. چاکه دره‌ای بود با چند پیچ تند. در پیچ وسطی، حلقه تنگ قمارباز‌ها تشکیل شده بود. آن روز «بیست و یک» بازی می‌کردند. بانکدار کیمیا، بانک بیست تومان. در حالی که تمامی سرمایه و سود من به پانزده ریال هم نمی‌رسید. ابول، نعمت، عباس خالدار و چند تای دیگر حلقه دایره را تشکیل داده بودند. وزش باد که از سمت جنوب بود، لشکر شکست‌خورده ابرها را جمع و جور می‌کرد. ابول نگاهی به آسمان انداخت و گفت: تاباران، شِلق لقی نشده(۳)، باید جمع کنیم.

عباس جوابش داد:

-ابول! چرا از این ابرهای سفید بی‌بخار می‌ترسی.

نعمت که در بازی هم نیشخندش محو نمی‌شد و به خیال خودش شاعر بود در آمد: نترس، از ابر سیاه و تنگ و تاریک؛ بترس از ابر سفید و نرم و باریک.

کیمیا که مشغول دادن ورق اول به نعمت بود با تعجب توپید:

-شعر و شوخی بسه، بخوان!

هر چقدر ابرها فشرده‌تر می‌شد، هوا هم رو به تاریکی می‌رفت و حلقه بازی هم تنگ‌تر می‌شد. کیمیا یکی یکی حریف‌ها را از میدان به در کرد. دیگر چیزی به پایان بازی نمانده بود که نم‌نم باران شروع شد. ته جیب همه که بیرون آمد، بازی تمام شد و کیمیا فاتح بی‌بدیل میدان بلند شد و سینه‌اش را جلو داد و مرا که با شورت سه ربع (۴) گوشه‌ای نشسته بودم، صدا زد:

-بیا اینجا ببینم بچه! چی می‌فروشی؟

بلند شدم سینی سوهان روی یک دست، داس چاقو را از جیب چپم بیرون آوردم که باهاش سوهان را تکه‌تکه کنم. پرسیدم:

-چقدر ببُرم؟

خندید و گفت: -بده چاقو تو ببینم. اسمت چیه؟

داس چاقو را به دست کیمیا دادم و گفتم: محمد.

براندازش کرد و گفت: خودمونیم، عجب چاقویی داری! چقدر هم خوش دسته. اونو به من نمیدی؟

-قابل شما را نداره آقا کیمیا.

داس چاقو را بهم پس داد: بذار جیبت. همه سوهان‌ها چقدر می‌شه؟

من با خوشحالی گفتم: پانزده ریال. خودش یک سوهان بزرگ برداشت. بعد همه افتادند به جان سوهان‌ها. کیمیا دست برد به جیبش و از بسته اسکناس‌ها، یک اسکناس دوتومانی نونواری در آورد، گذاشت کف دستم و گفت: تا باران دم اسبی (۵) نگرفته، بدو برو خونه. اسکناس دوتومانی را چار تا کردم، گذاشتم ته جیبم؛ و سینی را زدم زیر بغل. از شوق و ذوق با جست و خیز می‌پریدم. انگار پر پرواز در آورده بودم. تا رسیدم به خانه، شب شده بود. شب، شبی دیجور. سیاه و تاریک. ظلمت از شب می‌بارید. رعد و برق سنگین بود. برق، دل ظلمت را می‌شکافت و یک لحظه زمین را چون گویی آتشین می‌کرد. رعد و برق چنان شدید بود که یک آن نمی‌توانستی به آن چشم بدوزی. بی‌اختیار چشمت بسته می‌شد. مادرم که روی خرند گلی، دم در، منتظرم نشسته بود، همین که مرا دید، بلند شد و گفت: تا این وقت شب؟! سینی را همراه اسکناس دوتومانی به دستش دادم. چشم‌هاش از خوشحالی برق زد.

-دستت درد نکنه رولا!(۶)

دست در جیب راست بردم که چاقو را هم به مادرم بدهم که دیدم چاقو نیست؛ چاقویی که مال ناپدری بود. داس چاقویی که یادگاری پدرش بود. آستر جیب راستم که از دو روز پیش سوراخ شده بود کار خودش را کرده بود. مادرم که از تغییر حالاتم چیزهایی دستگیرش شده بود با نگرانی پرسید: چی شده محمد؟

-هیچی، چاقو نیست!

-نیست؟! حالا چه خاکی به سرمون بریزیم. جواب پدر تو چی بدم.

از شنیدن کلمه «پدر» ناراحت شدم و با کلافگی گفتم:

-اون پدر من نیست!

مادر، سراسیمه کف دستش را به دندان فشرد و با ترس و لرز گفت:

-حالا چه کار باید بکنم؟ خدایا خودت کمک کن!

من برای اولین بار در عمرم رو در روی مادر ایستادم:

-چته؟ چرا این‌طوری می‌کنی؟

-نمی‌دانی الان که اومد چه جهنمی بپا می‌کنه؟!

-خب بیاد! چکار می‌خواد بکنه؟ چرا اینقدر ازش می‌ترسی؟

این حرف‌ها را می‌زدم اما خودم بیشتر می‌ترسیدم.

طولی نکشید که ناپدری پیدا شد. همین که نگاهی به مادرم انداخت، انگار دم در کسی خبردارش کرده بود! صبح تا شب هیزم حمل کرده، خسته، کوفته و گرسنه بود اما باز توش و توان داشت که بغرد:

-بگو ببینم، چی شده زن؟

-چیزی نیست. دست و صورتت را بشور، تا واسه‌ات شام بیاورم.

-نه! اول بگو چی شده؟

-حالا شامت را بخور. کج‌خلقی نکن.

سگرمه‌های ناپدری تو هم رفت، صدایش بالا گرفت:

-باز این بچه چه غلطی کرده؟

من گوشه حیاط، کنار دیوار تنور چمباتمه نشسته، دست‌هایم را روی سینه گره زده بودم که ناپدری داد زد:

-اگر تو حرف نمی‌زنی، الان خودم ازش حرف می‌کشم.

و توپید: محمد! بلند شو بیا اینجا. نمی‌شنوی؟

بلند شدم که به طرف مادر و ناپدری بروم. مادرم خود را وسط انداخت و ملتمسانه خواهش کرد:

-ترا به خدا، کاری به کار بچه‌م نداشته باش.

-من نباید بدونم تو این خراب شده چی می‌گذره؟

-حالا خودت را ناراحت نکن.

-بالاخره می‌گویی چی شده، یا نه؟ کفرم را بالا نیار زن!

مادر که دید، بی‌فایده است. به آرامی گفت: والله... امروز... مثل هر روز که رفته بود سوهان بفروشد، چاقو از تو جیبش افتاده؛ البته بچه‌ام تقصیری نداره. تقصیر من گردن بریده بوده که فراموش کردم، آستر جیبش را بدوزم. طفلکی دیشب هم بهم گفت اما من...

-نمی‌خواد اینقدر سنگ این سر به هوای بی‌دست‌وپا را به سینه بزنی. اون چاقو یادگار پدرم بود.

-من بی‌عرضه نیستم!

دستش را بلند کرد؛ اما نزد. یعنی قبل از آنکه بر پهنای صورتم بنشیند، از در پریدم بیرون. در کوچه تنها ماندم. خسته. گرسنه. دل گیر، دلم هوای یک پیاله چای داغ کرده بود. باد بود. باران بود. رعد و برق بود. باران بی‌امان می‌بارید. بی‌وقفه بر در و دیوار می‌کوبید؛ شلاقی. توفان گرفته بود و من دنبال سرپناه می‌گشتم. ناپدری، خودش که هیچ، مادرم را هم نگذاشت دنبالم بیاید. زیر کنپی(۷) خانه‌مش صفر پناه گرفتم. خواست خدا بود که مادر صفر به حیاط آمده بود تا نگاهی به راه آب بیندازد که یک‌وقت نگرفته باشد. سری هم به دالان زده بود. صدای چق چق دندان‌هایم را شنیده بود که از شدت سرما به هم می‌خورند. در را باز کرد. انگار در رحمت به رویم باز شده بود. مرا به اتاق برد. منقل پر آتش را که پر از ریشه چوب باقلا بود جلویم گذاشت تا گرم شوم. بعد پیراهن و زیرشلوار بزرگی برایم آورد که جثه نحیفم در آنها گم می‌شد. گرم‌تر که شدم، دیدم دو تا تخم‌مرغ خانگی هم نیمرو کرده، آورده برام. با چه ولعی خوردمش. سال‌ها از آن روزگار گذشته اما هنوز طعم خوش نیمروی آن شب زیر زبانم هست.

پاورقی

۱-داس چاقو: نوعی چاقوی دوکاره
۲-چاکه: نام محلی قدیمی در خارج از شهر دزفول
۳-شلق لقی: باران تند با قطرات درشت
۴-شورت سه ربع: شلوارک
۵-دم اسبی: باران شدید با قطرات ریز
۶-رولا: فرزند
۷-کنپی: سایبان

یادداشت

یادداشتی بر «خیابان انقلاب، انتشارات امیر کبیر» مجموعه داستان نازی بیاناتی

نگاه زنانه، فقدان‌ها و پیچش‌ها

اسماعیل سالاری

«خیابان انقلاب، انتشارات امیر کبیر» اولین مجموعه‌داستان نازی بیاناتی است. کتاب شامل ۱۴ داستان کوتاه است و ۱۲۱ صفحه دارد. راویان بیشتر داستان‌های این مجموعه سوم‌شخص هستند که محدود به ذهن شخصیت‌های اصلی داستان می‌شوند، با این حال داستان‌هایی نیز با نظرگاه اول‌شخص در کتاب به چشم می‌خورد. داستان‌های این کتاب سبکی مینی‌مال دارند و روان و خوش‌خوان هستند. نثر کتاب شسته رفته و پاک است. نویسنده به موجزنویسی آگاه است و به‌ندرت در متن اطناب و تکرار دیده می‌شود. در اغلب داستان‌های این کتاب ظرافت‌های نگاه زنانه ما را شگفت‌زده می‌کند. وجه خوب این است که نویسنده در هیچ داستانی نمی‌کوشد ظرافتی را آشکار کند. گویی به فهم مخاطبش اعتماد دارد و همین امر ارزش روایت‌گری را بالا می‌برد و داستان‌هایی مدرن می‌سازد. در داستان اول مجموعه، کریستال آویخته از لوستر، راوی ما را به درون زندگی خصوصی دو زن از دو نسل می‌برد. ما می‌توانیم به شکلی ژرف تاثیر سرعت زندگی را بر روان مادر و دخترِ داستان احساس کنیم. کریستال در عنوان داستان یادآور زیبایی، ظرافت و البته شکنندگی است، اما وقتی روی لوستر آویزان می‌شود، مفهوم تعلیق و تعادل را نیز در خود جای می‌دهد. یک کریستالِ آویزان، همان‌اندازه که می‌تواند درخشان و شفاف باشد، می‌تواند آبستن سقوط ناگهانی و تکه‌تکه شدن باشد. این استعاره‌ایست که از روان شخصیت‌های این داستان تجلی می‌یابد. در داستان «کفش‌ها، کفش‌ها» می‌توانیم ظرافت دیگری را بی‌هیاهو دنبال کنیم. نویسنده، با کمترین نیاز به چینش اشیا و تنها با بهره‌بری از یک لنگه کفش، ترس پنهان و عمیق از تنهایی را در داستان پرورش می‌دهد و با همین لنگه کفش مفهوم انتظار را از نگاه ظریف زنانه بازمی‌سازد. در دو داستان «خیابان انقلاب، انتشارات امیر کبیر» و «۲-الف» مفهوم فُقدان با انتظار تنیده شده و به بروز عشق منجر می‌شود. عشق می‌تواند قدرتی به زن بدهد که هر روز سربالایی اوین را بالا برود و ثابت‌قدم و استوار، بذر امید را در دل زنده نگه دارد، تا روز ملاقات، در همان یک‌ربع دیدار، روزه بغضش را باز کند. در بسیاری از داستان‌های دیگر این مجموعه نیز عشق کارها می‌کند کارستان، اما مفهوم عشق در این کتاب تنها مربوط به زن به شوهر نیست. بیش از این حتی عشق خواهر و برادر جلوه‌گری می‌کند و در داستان‌هایی عشق مادر به فرزند. با اینکه عشق با نگاه ظریف زنانه، موضوع بکری برای داستان‌پردازی نیست، اما داستان‌های نازی بیاناتی کارکرد جدیدی بر شخصیت‌های زنان می‌افزاید. مساله، آن پیچشی است که نویسنده در پایان‌بندی برخی داستان‌ها ایجاد کرده تا ما را با وضعیتی نواز شخصیتی مستعمل رودررو کند. این پیچش در انتهای داستان «خانه عزیز» به شکل محکمی تیپ شخصیت را تبدیل به شخصیت خاص می‌کند. جایی که پیرزن، آگاهی آنی را بر عشق فرزند ترجیح می‌دهد و صحنه‌ای به یاد ماندنی، انسانی و داستانی در ذهن بر جای می‌گذارد. در داستان گورزاد نیز زن سنتی که «انفعال» بزرگ‌ترین ویژگی شخصیتی‌اش است، ناگهان برمی‌خیزد و مبدا تاریخ جدیدی در زندگی زناشویی می‌شود. این واقعه را می‌توان انقلاب درونی زنان سنتی نام داد. پس از این رو داستان‌ها نو هستند: نویسنده تحولی را در شخصیت‌های داستانی رقم می‌زند که در جغرافیای حقیقی به ندرت اتفاق می‌افتد. در داستان «مرتضای کودکی» ملیحه، خواهر بزرگ‌تر مرتضا، دست به کنشی می‌زند که تعریف جدیدی از اخلاق به دست می‌دهد: اخلاق داستانی! اخلاق داستانی نه در زمره اخلاق سنتی و دینی می‌گنجد و نه در دسته هنجارهای عرفی و طبقاتی. این اخلاقی است که در لایه‌ای زیرتر نفس می‌کشد و ما را به عمق روان شخصیت‌ها می‌برد. در دو داستان «مو سرخه» و «ملیحه کودکی» کنش زنانه به حد اعلای خود می‌رسد و ما با دختر و زنی روبه‌رو هستیم که در پیچش داستان گم می‌شوند. این گمگشتگی تعمدی شباهت به فریادی بلند دارد که فریادگرش ناپیداست: زنانی که می‌روند تا با فُقدان‌شان بر ما تاثیر بگذارند. در این داستان‌ها، یک مرگ یا فرار به نفع آگاهی جمعی صورت می‌گیرد. در این کتاب داستان‌های دیگری هم هستند که ارتباط محتوایی کمتری با دیگران دارند؛ با این حال حضور یا عدم حضور یک زن بر آنها نیز تاثیر می‌گذارد. مانند داستان‌های «چهارراه» و «ارزن برای گنجشک‌ها» و همچنین «موضوع انشا: تعطیلات عید را چگونه گذراندید؟» بازیگران اصلی این سه داستان، کودکان هستند که معصومانه دستخوش حوادث تلخ می‌شوند.

- خیابان انقلاب، انتشارات امیر کبیر
- نازی بیاناتی
- نشر حس آخر
- ۱۲۱ صفحه
- ۶۰ هزار تومان

نگاه

یادداشتی بر «خوابگردی» مجموعه داستان حسین مقدس

مرگ، زمان و ابدیت

معصومه حامی‌دوست

خوابگردی مجموعه داستانی است از حسین مقدس شامل سیزده داستان کوتاه: دایره‌ها، سرخ‌ها، خرگوش‌ها، پازل‌ها، حشرات، خطوط موازی، شب هیولا، ملاقات، فروشگاه، پروانه‌ها، سگ، بنفشه‌ها و برادرها. راوی داستان‌های این مجموعه، راویانی غیرقابل اعتماد برای روایتی تکه و پاره از حقیقتند. آنها در سایه ذکر جزییات به جست‌وجوی آدم‌هایی می‌پردازند که توی تاریکی و مه گم شده‌اند و زیر نور خیابان و درون اتاق‌ها همچون سایه‌هایی لرزان به نظر می‌آیند: «به آدم‌هایی فکر کرد که شب‌های کوتاه و بلند روی این صندلی و در این بندر دورافتاده نشسته و از پنجره بیرون را نگاه کرده بودند. از کجا آمده بودند و به کجا می‌رفتند؟ مقصد چندتای‌شان مثل او بود؟ آن پایین پر بود از نقطه‌های سیال زرد.» (دایره‌ها، ص ۸) فضای داستان‌ها کابوس‌وار و بی‌پایان است. شکستن زمان و بی‌مرزی خواب و بیداری از جمله نشانه‌های داستان‌های مدرن است که به تشریح وضعیت انسان معاصر می‌پردازد. هر داستان، روایت وهم‌گونه انسانی است از واقعیتی که منطق کابوس بر آن حاکم است و روایت از دست دادن‌ها در این فضای کابوس‌وار بازسازی می‌شود: «چشم‌هایش چه رنگی بود؟ موهایش؟ قرص صورتش؟ اگر کسی نشانی‌اش را می‌پرسید چه جواب می‌داد!...» (سرخ‌ها، ص ۱۷) «به عنکبوت‌ها فکر می‌کنم حتی چیزهای بی‌جان کاشی‌ها، دستگیره‌ها، دمپایی‌ها فکر اینکه خانه روزی گم و گور بشود پشتم را می‌لرزاند... آن همه آدم کجا رفتند؟ چی بر سرشان آمد، همین پرنده بالای سرتان امروز روی صفحه هوا نقش و نگار می‌کشد که فردا پاک شود... تا حالا چندتا نارنج از همین درخت پیر افتاده روی زمین تالاپ تالاپ یعنی ممکن است همین افتادن‌شان جایی ضبط و ربط شود.» (خطوط موازی، ص ۶۷) هراس از زمان، دقایق و لحظات، گم‌شدن‌ها و از دست دادن‌ها در فضاهای تاریک و مه گرفته، لرزان، مواج و سیال داستان‌ها، راوی را به حقیقت بزرگ می‌رساند که اغلب چهره مرگی است که در انتهای دالان‌های درهم پیچیده به چشم می‌خورد. «همسایه راضی شده بود. مرموز. آدم دلش می‌خواهد بیشتر کسی را که در تاریکی نشسته ببیند. رابطه چشم‌ها، بینی، لب‌ها، گوش‌ها حتی لاله گوش‌ها... اما این یکی چرا جور نمی‌شود؟ چندین بار دیدمش. هربار از پشت. طوری که آن معما مرتب به ذهنم خار بزند.» (پازل‌ها، ص ۴۲) شمایل سیاه و براق کلاغ، هجوم حشرات در خواب بیداری‌ها، رخنه مار سیاه ولزج با چشم‌های هراسان، سایه‌سگی سیاه همچون قیر، همه اینها در کنار کابوس‌ها و رویاهایی که آدم‌ها به شکل جمعی تجربه می‌کنند، زبانی استعاری برای بیان تجربه‌ای است که راوی با زبان متعارف قادر به بیان آن نیست. علاوه بر این برای درک و بیان این تجربه سهمگین، سخت محتاج هنر و کهن‌الگوها هستیم. به همین خاطر شخصیت‌ها را می‌بینیم که جابه‌جا از هنر نوشتن، نقاشی، داستانگویی، موسیقی و عکاسی استفاده یا حتی به جای خالی آن در زندگی خود اشاره می‌کنند: «کاش نویسنده و شاعر بودم و می‌توانستم برجستگی‌ها و طراوت آن همه کوه و علف را بنویسم... کاش نقاش بودم و می‌توانستم تصویری از آن برهوت بی‌صدای پر از رمز و راز را بکشم.» (خرگوش‌ها، ص ۳۶) وجود کهن‌الگوهای اساطیری در مرکز طرح‌ها و تصاویر داستانی، ساختاری ازلی به روایت‌ها می‌دهد: «فکر می‌کردم که در هر کس نشانه‌ای هست که هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند. مثل برق نگاه یا گودی چانه یا چه می‌دانم زنگ صدا و از این چیزها...» (ملاقات، ص ۹۷) این جست‌وجوها با زمان در ارتباط است: «گفت راستش می‌ترسم. دختر گفت از چی؟ گفت از زمان. پرسید: از چی؟ زمان. ز، میم، الف، نون.» (سرخ‌ها، ص ۲۲) در حقیقت مرگ در تقارن با اسطوره‌ها و کهن‌الگوهای مندرج در داستان قرار می‌گیرد و اسطوره‌هایی همچون حضور سیمرغ، هیولا [...] یا تصویر مار خفته بر دفینه و کتابی که همه اسرار عالم را در خود دارد، در دو محور مرگ و ابدیت در حرکتند. از این رو مکان‌های داستانی بدل به فضاهایی نمادین برای نیروهای متضاد تاریکی و روشنایی، سفیدی و سیاهی، هستی و عدم می‌شوند و با داشتن روشنایی کوچکی در دل خود بنمایه مرگ و جاودانگی همزمان در داستانند. چنانکه در داستان فروشگاه می‌خوانیم: «ساکت و آشفته بودند. بیرون تاریک بود. زن گفت: آدم باور نمی‌کنه فروشگاه نبود که یه دنیا بود. مرد گفت: حرف نزن، هیچی نگو! کمی که دور شدند از آینه به شبح فروشگاه نگاه کرد که در آسمان پشت سرش مثل غولی سیاه، غرق در نور و روشنایی می‌درخشید.» (فروشگاه، ص ۱۱۰)

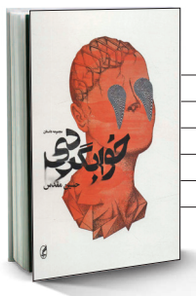
- خوابگردی
- حسین مقدس
- نشر آگه
- ۱۴۸ صفحه
- ۷۵ هزار تومان

نشر

نشر آفتابکاران کتابی از فاطمه بهرامی منتشر کرد

رمانی درباره هشت سال جنگ

کتاب «سیاه‌سالی» نوشته فاطمه بهرامی توسط نشر آفتابکاران منتشر و راهی بازار نشر شد. به گزارش مهر، کتاب «سیاه‌سالی» نوشته فاطمه بهرامی به تازگی توسط نشر آفتابکاران منتشر و روانه بازار نشر شده است. این رمان نگاهی به جنگِ هشت ساله ایران و عراق از زاویه‌ای ورای اسطوره‌پردازی و حماسه‌سرایی دارد. «سیاه‌سالی» روایت رنج، خشم، ترس، آوارگی، اندوه و ناامیدی افرادی است که در این کتاب نه به خاطر ابر انسان و قهرمان بودن که به مثابه افراد عادی یک جامعه قربانی جنگ شده‌اند و از طرفی افراد دیگری هم هستند که از همین جنگ نردبانی ساخته‌اند برای رسیدن به منافع و امیال سیاسی خود، چه در آن زمان و چه سال‌ها پس از آن. شیرین که راوی بخش اول و آخر رمان است، به خاطر گرفتاری با بحران‌های زندگی‌اش به تنهایی رنج می‌کشد. قدرت حل مساله و توانایی مقابله با مشکلات را از دست داده و مدام خاطرات گذشته را در ذهن مرور می‌کند. هنوز تعلقات عاطفی و احساسی از گذشته دارد که نمی‌تواند از قید و بندش رها شود، به همین خاطر تصمیم می‌گیرد به زادگاهش باز گردد و زندگی‌اش را به آن آدم‌ها پیوند بزند و نهایتا در بخش آخر داستان در می‌یابد که بین واقعیت و تصوری که از گذشته داشته، تفاوت بسیار است. بهرامی نویسنده این کتاب درباره مراحل نگارش آن می‌گوید: ابتدا شخصیت‌های داستان را اولویت‌بندی کردم. برای من «شیرین» اصلی‌ترین اولویت بود که دو بخش داستان از زبان او روایت می‌شود؛ بنابراین ابتدا به او پرداختم و بعد به «ثریا» و «نادر» که بخش‌های دیگر رمان از زبان آنها روایت شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «ماشین ظرفشویی را پر می‌کنم از ظرف‌های کثیف. دو شاخه‌اش را وصل می‌کنم به پریز و روشنش می‌کنم. دو دکمه آخر را همزمان فشار می‌دهم تا قفل کودکش فعال شود و از دست‌های شیطان علی در امان بماند. قابلمه را می‌گذارم توی سینک ظرفشویی و توش آب داغ می‌ریزم تا ته دیگ سوخته‌اش خیس بخورد. به ساعت دیواری آشپزخانه نگاه می‌کنم. چیزی به دو نمانده. کمرم درد می‌کند. از صبح توی این آشپزخانه کوفتی سرپا هستم. هیچ چیز به اندازه غیبت بتول اذیتم نمی‌کند. به این زن وابسته شده‌ام. سال‌هاست که در این خانه کار می‌کند. توی این دنیا تنها کسی است که همه حرف‌هایم را بی‌چون و چرا می‌پذیرد. همیشه گوش به فرمانم است و تلاش می‌کند، راضی‌ام کند. حاضرم بهش پول بیشتری بدهم به شرطی که مرخصی نرود اما می‌رود. مثل امروز و فردا که مرخصی است. شیرین هم که یک دفعه گذاشت و رفت. حاجی می‌پرسد کارش چه بود که با این عجله رفت و من نمی‌دانم در مورد حماقت رفتنش چه بگویم تنش می‌خارد برای گرفتاری به این خل‌بازی‌هاش عادت کردم.»

- سیاه‌سالی
- فاطمه بهرامی
- نشر آفتابکاران
- ۱۲۷ صفحه
- ۷۵ هزار تومان

رویداد

نمایشگاه آثار محسن کرمی در گالری مژده

نمایشگاهی از آثار محسن کرمی با عنوان «تهی و سرشار» از فردا در گالری مژده برپا می‌شود. به گزارش «اعتماد» به نقل از روابط عمومی «تهی و سرشار» عنوان هشتمین نمایشگاه انفرادی محسن کرمی است که از جمعه ۱۹ خرداد ماه در گالری مژده در معرض دید قرار می‌گیرد. این نمایشگاه؛ عمده مطالعات و کار محسن کرمی مبتنی بر فلسفه و هنر تطبیقی ایران، هند و شرق دور استوار است. او در زمینه مطالعات ایرانی، پژوهش‌هایی در زمینه مهرآیینی و اندیشه سهروردی داشته و در روش‌شناسی گرایش‌های پدیدارشناختی و هرمنوتیک دارد که به اتکای همین تمرکز، به بررسی زیباشناسی هنر ایران می‌پردازد. کرمی آثارش را با بداهه‌نگاری‌هایی منحصر به فرد و با نگاهی تطبیقی به هنر خوشنویسی و هنرهای تصویری ایران و شرق دور خلق می‌کند و در نمایشگاه تازه‌اش با نام «تهی و سرشار» ۲۲ اثر را که متاثر از همین فضا هستند به نمایش گذاشته است. محسن کرمی متولد ۱۳۶۴ آمل است. او کارشناس ارشد رشته گرافیک و دانشجوی دکترای هنرهای اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس است و به مدت ۱۰ سال در دانشگاه‌ها و موسسات مختلف به تدریس دروس هنر پرداخته است. هشتمین نمایشگاه انفرادی محسن کرمی از ۱۹ تا ۳۰ خرداد ماه در گالری مژده میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. گالری مژده در سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم شرقی، پلاک ۲۷ واقع شده است. گالری مژده شنبه‌ها تعطیل است.

بازتاب

ناترازی‌های اقتصادی حاصل اقدامات این دولت نیست

در پی درج گزارشی درباره برنامه هفتم توسعه در روزنامه اعتماد، روابط عمومی سازمان برنامه و بودجه پاسخی به دفتر روزنامه ارسال کرده که عینا منتشر می‌شود:

برادر ارجمند؛ جناب آقای بهزادی
مدیرمسوول محترم روزنامه اعتماد
با سلام و احترام؛

گزارشی با عنوان «وقتی اجرا نمی‌کنیم چرا برنامه می‌نویسیم؟» مورخ ۱۴۰۲/۳/۱ در آن روزنامه منتشر شده؛ مقتضی است بر اساس ماده ۲۳ قانون مطبوعات و به منظور رفع ابهام و روشن‌شدن افکار عمومی، دستور فرمایید این پاسخ در همان صفحه با همان فونت و اندازه و با تیتر ذیل در اسرع‌وقت در آن روزنامه منتشر شود.

برنامه‌ریزی در ایران بعد از تصویب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، نشان‌دهنده اعتقاد به تبیین اهداف و چشم‌اندازهاست که در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه (ابلاغی مقام معظم رهبری) اهدافی مانند رشد اقتصادی، تورم، نرخ بیکاری و... درج شده است. البته برنامه براساس واقعیت‌های اقتصادی کشور، شرایط اقتصاد جهانی و چگونگی تعامل سیاسی و اقتصادی کشور با آن، تهیه می‌شود و برنامه هفتم در شرایطی تدوین شده است که با وجود توفیق دولت در کم‌اثر کردن تحریم‌ها، همچنان محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از تحریم‌های ظالمانه غرب علیه مردم ایران وجود دارد.

همچنین باید توجه داشت که برنامه هفتم، برنامه‌ای مساله‌محور و مردم‌پایه است و هدف‌گذاری برنامه براساس اسناد بالادستی برنامه از جمله سیاست‌های کلی برنامه هفتم و سیاست‌های کلی نظام انجام شده است. با توجه به الزام پایبندی به این سیاست‌ها، متغیرها و شاخص‌های اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و نرخ تورم هدف‌گذاری شده‌اند و بر مبنای این اهداف، سایر الزامات سیاستی و اهداف متناظر با آنها تبیین شده‌اند. از این‌رو، با وجود اقدامات دولت‌های گذشته، باید پذیرفت که مشکلات و مسائل موجود از جمله ناترازی‌های اقتصادی، حاصل اقدامات دولت سیزدهم نیست و میراث باقی‌مانده از ساختار اقتصادی است.

ذکر این توضیح لازم است که سیاست‌ها و اقدامات دولت سیزدهم در بستر موجود اجرایی می‌شود و تحقق اهداف برنامه هفتم در گرو محقق شدن الزامات کمی و سیاستی مشخص شده در برنامه هفتم توسعه است.

خودرو

کشنده فاو در بورس کالا عرضه می‌شود

کشنده FAW CA۴۱۸۰ روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد با قیمت پایه ۳میلیارد و ۴۸۰میلیون تومان در بورس کالا عرضه می‌شود. سررسید قرارداد خرید سلف این کشنده ۲۳مرداد ۱۴۰۲ است.

خریداران برای انجام این معاملات باید کد بورسی داشته باشند. دریافت کد بورسی از طریق ثبت‌نام در سامانه سجام و انجام مراحل قانونی این فرآیند امکان‌پذیر است. لذا توصیه می‌شود خریداران چند روز کاری را برای این امور اختصاص دهند. در این معاملات اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز به خرید و اعلام قیمت هستند.

کشنده CA۴۱۸۰ مجهز به یک موتور ۶ سیلندر خطی، ۲۴ سوپاپ، با ظرفیت ۱۱۰۴۰ سی‌سی توربوشارژر ساخت شرکت Wuxi با سطح آلایندگی یورو ۴ و یک جعبه دنده ۱۶ سرعته MT برند ZF است. حداکثر قدرت تولید شده توسط این موتور معادل ۴۲۰ اسب بخار و حداکثر نیروی گشتاوری آن ۱۹۰۰ نیوتن متر است و این نیرو امکان حمل وزنی معادل ۴۲ تن را مهیا می‌سازد. این کشنده در کنار تمامی امکانات رفاهی و امنیتی خود مجهز به یخچال و دوربین ثبت وقایع نیز است. سیباموتور یکی از شرکت‌های تجاری گروه بهمن و نماینده انحصاری FAW در ایران است. وزارت صنعت، معدن و تجارت این شرکت را از نظر ارایه خدمات فروش و پس از فروش حایز رتبه برتر ارزیابی کرده است.

ویژه

بورسیه تحصیلی همراه اول برای نخبگان رشته‌های برق و کامپیوتر در دانشگاه تهران

همراه اول در راستای حمایت از دانشجویان نخبه و بااستعداد در مقطع کارشناسی ارشد، بورسیه تحصیلی ارایه می‌دهد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، بورسیه تحصیلی همراه اول ویژه «مقطع کارشناسی ارشد» در رشته مهندسی برق با گرایش‌های «مخابرات سیستم» و «شبکه‌های مخابراتی» و رشته مهندسی کامپیوتر با گرایش‌های «هوش مصنوعی» و «نرم‌افزار» در دانشگاه تهران است که با هدف حمایت از دانشجویان نخبه و با استعداد اعطا می‌شود. از جمله مزایای این طرح می‌توان به دریافت حقوق تا سقف ۲۰ میلیون تومان در ماه متناسب با زمان فعالیت در همراه اول، تخصیص هزینه خرید لپ‌تاپ، تبلت و گوشی هوشمند از ۲۵ میلیون تومان تا ۷۵ میلیون تومان متناسب با رتبه کنکور کارشناسی ارشد اشاره کرد. امکان استخدام در همراه اول برای رتبه‌های زیر ۱۰ نیز براساس این طرح فراهم است. همچنین افرادی که موفق به دریافت این بورسیه شوند، این امکان را خواهند داشت تا پایان‌نامه و دستاوردهای تحصیلی خود را با حمایت شرکت همراه اول تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان انجام دهند.

شرکت در کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی حوزه ICT و تجربه حضور در پروژه‌های ملی و تحقیق و توسعه همراه اول، بخش دیگری از مزیت‌های این بورسیه تحصیلی محسوب می‌شود. متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این بورسیه تحصیلی می‌توانند به آدرس hamrah.academy/blog/mci-scholarship مراجعه کنند.

مسکن

با مصوبه جدید مجلس صورت می گیرد

ورود دولت به قیمت‌گذاری املاک مسکونی

یک کارشناس مسکن: اصلا شدنی نیست

روز گذشته اقبال شاکری، عضو کمیسیون عمران مجلس از مکلف شدن دولت برای قیمت‌گذاری واحدهای مسکونی شهری و روستایی خبر داد و اظهار کرد: براساس مصوبه هفته گذشته مجلس، دولت موظف است با استفاده از فناوری‌های جدید و ابزارهای مربوطه قیمت‌گذاری پلاک‌های مسکونی شهری و روستایی را انجام دهد و قیمت‌گذاری هم به اطلاع عموم برسد و امیدواریم دولت هر سال این کار را انجام دهد. وی تاکید کرد: بر این اساس دولت موظف است قیمت‌های فروش مسکن را برای محدوده‌های شهری و روستایی اعلام کند. علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت هم اخیرا از سه اقدام تعیین سقف افزایش اجاره‌بها مسکن، نظارت بر مشاوران املاک و اخذ مالیات مکرر از معاملات مسکن به عنوان برنامه‌های دولت برای کنترل بازار مسکن خبر داده بود.

اوایل دهه ۹۰ و در دولت دهم نیز موضوع بلوک‌بندی قیمت مسکن برای کنترل بازار مطرح شد که به سرانجام مشخصی نرسید. برنامه‌ای که هدف آن جلوگیری از افزایش قیمت در بازار خرید و فروش مسکن اعلام شده بود، اما آیا اجرای برنامه قیمت‌گذاری املاک مسکونی توسط دولت می‌تواند از افزایش قیمت جلوگیری کند؟

نرخ‌گذاری دستوری برای مسکن امکان‌پذیر نیست

بیت‌الله ستاریان، کارشناس اقتصاد مسکن در این باره معتقد است اینکه اجرای برنامه قیمت‌گذاری املاک مسکونی شهری و روستایی از سوی دولت می‌تواند از افزایش قیمت جلوگیری کند باید گفت که این کار اصلا امکان‌پذیر نیست.

این کارشناس اقتصاد مسکن با بیان این پرسش که دولت با چه امکاناتی می‌خواهد قیمت‌گذاری مسکن را انجام دهد؟ گفت: ورود دولت به بخش نرخ‌گذاری مسکن محال است؛ چراکه قیمت یک ملک در یک ساختمان یا در یک بلوک با هم متفاوت است و هر واحد به دلایل مختلف قیمت متفاوتی هم دارد پس چطور امکان دارد که دولت بتواند این نرخ‌گذاری را انجام دهد. بیت‌الله ستاریان با بیان اینکه باید دید مبنای این قیمت‌گذاری چیست، افزود: این طرح هم مانند برخی از طرح‌های گذشته دولت غیرقابل اجرا و نشدنی است و هر گونه اقدامی هم در این راستا برای دولت بسیار پرهزینه و پردردسر است.

افزایش تصدی‌گری دولت مانع رشد اقتصادی می‌شود

این کارشناس اقتصاد مسکن تصریح کرد: به جای آنکه دولت در پی کاهش تصدی‌گری خود در بازارهای مختلف باشد این‌بار خواستار افزایش تصدی‌گری در حوزه مسکن هم شده است و اصلا مشخص نیست پشت این گونه طرح‌ها چه گروهی با چه نوع تفکری وجود دارند که دولت را برای اجرای این طرح‌ها تشویق می‌کنند.

ستاریان با بیان اینکه ارایه این گونه طرح‌ها تنها منجر به تخریب دولت می‌شود، خاطرنشان کرد: اینکه بخواهند برای بیش از ۲۱ میلیون واحد مسکونی در کشور نرخ‌گذاری کنند و هر سال هم قیمت‌ها را براساس نرخ تورم تغییر دهند اصلا شدنی نیست ضمن آنکه مردم این نوع رفتار دولت را دخالت در معاملات‌شان قلمداد می‌کنند.

این کارشناس اقتصاد مسکن در خصوص امکان قیمت‌گذاری مسکن در شهرهای جدید نیز تصریح کرد: ممکن است در مراحل اولیه دولت بتواند قیمت مسکن را در شهرهای جدید تعیین کند اما در مراحل بعدی باز هم مردم هر قدر بخواهند قیمت‌ها را برای خرید و فروش تعیین می‌کنند و اجرای این طرح اصلا شدنی نیست. در نهایت اگر دولت بر این قضیه پافشاری داشته باشد قیمت اعلامی از سوی دولت با قیمت مالک متفاوت خواهد بود و پرداختی هم براساس قیمتی خواهد بود که مالکان ارایه می‌دهند.

فراتر از اقتصاد دولتی رفته‌ایم

ستاریان در ادامه گفت: مبنای بنیانگذاری اقتصاد کشور براساس اقتصاد دولتی است که امروز با این نوع طرح‌ها از این مکتب هم فراتر رفته‌ایم و تمامی این استدلال‌ها هم راه به جایی نخواهد برد و نهایتا فشار این طرح‌ها باز هم روی دوش مردم خواهد بود.

این کارشناس اقتصاد مسکن خاطرنشان کرد: دولت با تصدی‌گری در اقتصاد فاجعه به وجود آورده و بعد از ۴۴ سال باز هم می‌خواهد این مدل از تصدی‌گری را ادامه دهد و نه تنها در پی کم کردن آن نیست می‌خواهد باز هم تصدی‌گری‌اش را افزایش دهد.

ستاریان تصریح کرد: همواره کارشناسان همفکر ما تاکید داشته‌اند که اقتصاد بسته برای اداره کشور جواب نمی‌دهد و مناسب هم نیست اما برای اینکه دولت ثابت کند این مدل اقتصادی هم می‌تواند موفق باشد اقتصاددان‌های همسوی تفکر خود را برای حمایت از خودش مقابل ما قرار می‌دهد تا از آنها و اقدامات‌شان دفاع کنند.

کارنامه اقتصادی کشور پس از ۴۴ سال مشخص شده است

این کارشناس اقتصاد مسکن گفت: امروز پس از ۴۴ سال کارنامه اقتصادی کشور مشخص است و همه هم از نتایج آن مطلع هستند و همه ناکارآمدی‌ها هم معلوم شده است. اگر قرار باشد بحث‌های علمی هم در این خصوص انجام شود دیگر بی‌فایده است، چراکه با ادامه این رویه وضعیت اقتصادی باز هم بدتر می‌شود.

ستاریان افزود: در هیچ جای دنیا دولت به قیمت‌گذاری در حوزه اجاره و خرید و فروش ملک وارد نمی‌شود و به نظر می‌رسد همه افرادی هم که استدلال می‌کنند باید به نرخ‌گذاری در بازار مسکن وارد شد شاید بتوانند تنها در بخش مسکن اجتماعی ورود کنند که در کشورهای با اقتصاد باز هم این مدل رواج دارد و دولت برای افرادی که مشکل خرید مسکن دارند چند هزار مسکن می‌سازد و به صورت مسکن اجاره اجتماعی در اختیار این افراد قرار می‌دهد و مجلس و دولت هم برای این نوع از مسکن قانون می‌گذارند و اصلا وارد بازار مسکن کل کشور هم نمی‌شوند و برای مردم تعیین تکلیف نمی‌کنند.

مردم قوانین دست و پاگیر را دور می‌زنند

این کارشناس اقتصاد مسکن خاطرنشان کرد: تمامی قوانینی که در حوزه مسکن در این کشورها دیده می‌شود در بخش مسکن اجتماعی است که شهرداری‌ها و دولت‌ها به آن ورود می‌کنند و برای دهک‌هایی از جامعه است که توان خرید مسکن ندارند.

ستاریان گفت: در هیچ کشوری در معامله بین دو شخص دولت ورود نمی‌کند و اصلا چنین قانونی در مورد مسکن تعریف نشده است اما متاسفانه می‌بینیم که آقایان با الگوبرداری از قانون مسکن اجتماعی کشورهای دیگر می‌خواهند این قانون را برای کل کشور اجرا کنند این در حالی است که این موضوع اصلا شدنی نیست.

او افزود: ضمن آنکه اگر افراد برای اجاره یا خرید ملک بخواهند اقدام کنند در هر بخشی که ببینند قانون برای‌شان خیلی دست و پاگیر شده شک نکنید که آن را دور می‌زنند لذا خیز دولت برای بهره‌گیری از چنین ابزارهایی برای حل مشکل گرانی مسکن اصلا منطقی نیست کما اینکه این نوع از طرح‌ها در بخش اخذ مالیات از خانه‌های خالی برای عرضه بیشتر ملک به بازار یا تعیین سقف اجاره‌بهای مسکن در شهرها و کلان‌شهرها هم به بن‌بست خوردند.

Pishkhan.com

تجارت

مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی کرد

صادرات ایران قبل و بعد از تحریم

مرکز پژوهش‌های مجلس با تفکیک دو دوره زمانی قبل (۱۳۸۹-۱۳۷۹) و پس از تحریم (۱۴۰۰-۱۳۹۰)، اثرگذاری تغییر نرخ ارز طی دو بازه زمانی مذکور بر صادرات گروه‌های کالایی مختلف را بررسی کرده است. داده‌های آماری نشان می‌دهد که اثر افزایش نرخ ارز حقیقی بر صادرات تمامی گروه‌های تعرفه یکسان نبوده است. بر این مبنا هر چند مطابق انتظار افزایش نرخ ارز حقیقی افزایش صادرات برخی گروه‌های تعرفه را در پی داشته، اما در رابطه با برخی دیگر از گروه‌های تعرفه‌ای میزان صادرات کاهش یافته است. در سال‌های اخیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی بیش از هر موضوع دیگری عملکرد اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار داده است. در این زمینه، علاوه بر تحریم‌های تجاری و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات، تحریم‌های مالی نیز با جلوگیری از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری، بخش تجارت خارجی کشور را متاثر ساخته است. بر این اساس، افزایش تحریم‌ها هزینه مبادلات تجاری کشور را افزایش داده است. در عمده سال‌های قبل از تشدید تحریم، سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، سیاست اصلی اتخاذ شده در رابطه با وضعیت بازار ارز کشور بوده است. سیاستی که با توجه به رشد بالای نقدینگی در کشور به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده است. پس از تشدید تحریم‌ها به تدریج قدرت بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز کاهش یافته و نرخ ارز حقیقی در دوره زمانی پس از تحریم به طور متوسط افزایش یافته است. بر مبنای ادبیات موجود در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر صادرات، انتظار می‌رود که افزایش نرخ ارز حقیقی، افزایش صادرات را در پی داشته باشد. بر این اساس، صادرات در گروه‌های حیوانات زنده، محصولات نباتی، محصولات صنایع غذایی، محصولات معدنی، صنایع شیمیایی، مواد پلاستیکی، پوست خام و چرم، مواد نساجی، سنگ و کفش پس از افزایش نرخ ارز حقیقی، افزایش یافته است. در این میان، گروه‌های کفش، محصولات معدنی و مواد پلاستیکی به ترتیب با ۲۵۰، ۲۳۹ و ۱۸۶ درصد رشد، سه گروه کالایی بوده‌اند که بیشترین رشد را پس از تحریم و افزایش نرخ ارز حقیقی تجربه کرده‌اند. در مقابل صادرات در گروه‌های چربی‌ها و روغن حیوانی، چوب و اشیای چوبی، خمیر چوب یا سایر مواد الیافی، مروارید و سنگ‌های گرانبها، فلزات معمولی، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، وسایل نقلیه، دستگاه‌های اپتیک و عکاسی و گروه اشیای هنری و کلکسیون از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که به‌رغم افزایش نرخ ارز حقیقی با کاهش صادرات روبه‌رو شده‌اند. گروه‌های اشیا هنری و کلکسیون، دستگاه‌های اپتیک و عکاسی و گروه ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی به ترتیب با ۹۸.۱، ۹۵.۱ و ۹۱ درصد کاهش، بیشترین نرخ کاهش را در بین گروه‌های صادراتی داشته‌اند. بنابراین با وجود افزایش نرخ ارز حقیقی صادرات در بیشتر گروه‌های تعرفه‌ای کاهش یافته یا افزایش قابل توجهی نداشته است. چنین نتیجه‌ای این امر را متذکر می‌شود که افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره‌مندی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت‌پذیری محصولات تجاری کشور به شکل منفی اثرگذار هستند. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسانات و نااطمینانی همراه بوده که این موضوع خود به عنوان یک عامل اساسی منفی بخش تجارت خارجی و به‌ویژه صادرات کشور را متاثر کرده است. نتایج بررسی بازوی پژوهشی مجلس نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه به‌طور ویژه از برنامه چهارم توسعه، سیاست‌گذاری ارزی در راستای ارتقای بازرگانی خارجی مدنظر بوده است، اما در مرحله اجرا همواره سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی با هدف کنترل انتظارات تورمی، مبنای عملکرد سیاست‌گذاران در زمینه اتخاذ سیاست‌های ارزی قرار گرفته است. سیاستی که با توجه به بی‌انضباطی نقدینگی و غیرمتناسب بودن آن با ظرفیت تولید در کشور، کاهش نرخ ارز حقیقی را در پی داشته و موجب شده تا تراز تجاری کشور کسری مستمر را تجربه کند.

شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان

آگهی مناقصه شماره ۰۸-۱۴۰۲

نوبت دوم

- مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان
- نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای
- موضوع مناقصه: موضوع مناقصه عبارت است از خرید انواع کابل خودنگهدار به شرح جدول ذیل (تحویل در انبار فروشنده)

ردیف	شرح کالا	واحد	تعداد
۱	کابل خودنگهدار ۲۵+۲۵+۳۵+۳۵×۳	متر	۱۰۰،۰۰۰
۲	کابل خودنگهدار ۲۵+۲۵+۵۰+۵۰×۳	متر	۱۰۰،۰۰۰

زمان، مهلت، مبلغ و نحوه دریافت اسناد مناقصه:
متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ لغایت ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ به سامانه الکترونیکی تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
اطلاعات تماس مناقصه گزار:
تلفن ۳۱۱۳۷۳۴۰-۰۵۴ و ۳۱۱۳۷۳۴۸ فکس ۳۱۱۳۷۰۵۰-۰۵۴ پیام کوتاه ۹۳۰۷۲۸۰۲۰۰
پست الکترونیک: sbepdc@gmail.com وب: www.sbepdc.ir
مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین ارجاع فرایند کار ۸،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که به یکی از روشهای اعلام شده در آیین نامه تضمین شرکت‌های توزیع می بایست ارائه گردد.
زمان و محل تحویل تضمین شرکت در فرایند کار: پیشنهاددهندگان می بایست ضمن بارگذاری تصاویر کلیه مدارک پاکات (الف، ب و ج) در سامانه الکترونیکی دولت تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ نسبت به ارسال اصل مدارک مطابق شرایط درج شده در اسناد مناقصه در پاکات لاک و مهر شده تا مهلت تعیین شده فوق به دبیرخانه شرکت آدرس نشانی زاهدان، خیابان دانشگاه حدفاصل دانشگاه ۳۷ و ۳۹ شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان اقدام نمایند. لازم به ذکر است تمامی فرایند مناقصه از طریق سامانه تدارکات دولت صورت می پذیرد.
تاریخ و محل بازگشایی پاکات: پیشنهادات ارائه شده در سامانه تدارکات دولت در ساعت ۱۳:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ در سالن کنفرانس شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان گشایش خواهد شد.
در ضمن مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات دولت، می بایست به سایت یاد شده مراجعه و نسبت به ثبت نام و دریافت امضای الکترونیکی اقدام نمایند جهت اطلاعات بیشتر در این خصوص می توانید با شماره تلفن ۱۴۵۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.
مدت قرارداد: ۳ ماه
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت معاملات صنعت برق به نشانی Tender.tavanir.org.ir یا سایت شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان به نشانی www.sbepdc.ir همچنین پایگاه ملی مناقصات به آدرس www.iets.mporg.ir مراجعه فرمایند. بدیهی است این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. «سایر اطلاعات و جزییات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است».
به پیشنهاداتی که فاقد سپرده یا امضا، مشروط و مخدوش و سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
در ضمن ارائه گواهینامه احراز حداقل استاندارد اجباری بابت کالاهای موضوع مناقصه از شرکت توانیر الزامی است.
تبصره: ارائه گواهینامه احراز حداقل استاندارد اجباری کابل های سایز بالاتر قابل تعمیم به کابل های سایزهای پایین تر می باشد.

امور تدارکات و قراردادها
شرکت توزیع نیروی برق سیستان و بلوچستان

مفقودی

برگ سبز وسیله نقلیه سواری کوئیک R به رنگ سفید - قرمز سال ساخت ۱۳۹۹ به شماره موتور M159074152 و شماره شناسایی NAPX212AAL1013823 پلاک انتظامی ۵۷۷ ی ۹۹ ایران ۳۵ به نام محمد حسن طباطبائی با کدملی ۱۳۷۲۹۴۲۱۵۷ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

برگ سبز وسیله نقلیه سواری سمند تیپ ۷ به رنگ خاکستری - متالیک سال ساخت ۱۳۸۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۶۱۲۵۸ و شماره شاسی ۱۴۵۵۲۹۰۳ پلاک انتظامی ۷۲۴ س ۷۶ ایران ۸۴ به نام وحید بخشی فرگی با کدملی ۲۴۹۱۷۶۰۹۸۳ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

تولید

گزارش تازه «شامخ» از اردیبهشت ۱۴۰۲ نشان می‌دهد

رونق فعالیت‌های تولیدی در دوران نوسانات قیمتی

طی ماه‌های اخیر بسیاری از شرکت‌ها با کمبود نیروی کار ماهر روبه‌رو شده‌اند

گروه اقتصادی

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، گزارش تازه‌ای از شاخص موسوم به مدیران خرید اقتصاد و بخش صنعت را بر اساس نظرسنجی از فعالان و بنگاه‌های اقتصادی منتشر کرده که نشان می‌دهد بعد از رکود شدید ماه گذشته که بیشترین مقدار ۴۴ ماهه اخیر بوده، فعالیت‌ها در اکثر شرکت‌ها بعد از تعطیلی طولانی مدت فروردین بار دیگر به روال قبل برگشته است.

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد چیست؟

در طرح شاخص مدیران خرید (شامخ)، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود به ۱۲ پرسش پاسخ دهند. مقدار تولید محصولات، میزان سفارشات جدید، سرعت انجام و تحویل سفارش، موجودی مواد اولیه، میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی، قیمت خرید مواد اولیه، موجودی محصول نهایی در انبار، میزان صادرات کالا، قیمت محصولات تولید شده، مصرف حامل‌های انرژی، میزان فروش محصولات و همچنین انتظارات تولید در ماه آینده محورهای سوالات ۱۲ گانه است.

هر سوال در این نظرسنجی جواب سه گزینه‌ای بسیار ساده‌ای دارد: نسبت به ماه قبل «بهتر شده است» یعنی عدد ۱۰۰؛ نسبت به ماه قبل «تغییر نکرده است» عدد ۵۰؛ نسبت به ماه قبل «کاهش یافته است» عدد صفر. بنابراین، شامخ بالای ۵۰ یا زیر آن می‌گوید که به‌طور متوسط اوضاع بهتر یا بدتر شده است، اما اینکه چقدر بهتر یا بدتر شده را نمی‌توان فهمید. به عبارت دیگر، عدد شامخ «میزان بهبود» را نشان نمی‌دهد و فقط و فقط روند بهبود یا تضعیف را نشان می‌دهد.

چالش‌های فعالان اقتصادی در ماه دوم سال

نخستین چالشی که فعالان اقتصادی به آن اشاره کرده‌اند، بی‌ثباتی شدید در بازار ارز، عدم تخصیص ارز توسط بانک مرکزی و عدم تبدیل حواله ریالی به ارزی توسط بانک مرکزی است که به گفته آنها، اکثر صنایع را در تامین مواد اولیه مورد نیاز دچار مشکل کرده و بسیاری مواد مورد نیاز خود را با ارز آزاد تهیه کرده‌اند که منجر به افزایش هزینه تولید شده است. علاوه بر این پول بلوکه شده جهت دریافت ارزی که تخصیص داده نشده، بسیاری از تولیدکنندگان را متضرر کرده است. طی ماه‌های اخیر بسیاری از شرکت‌ها با کمبود نیروی کار ماهر روبه‌رو شده‌اند و به دلیل عدم تمایل به کار نیروی متخصص، ناچار به جایگزین کردن نیروی کار جدید و مبتدی با نیروهای آموزش‌دیده و ماهر هستند. به گفته فعالان کسب و کارها، آغاز قطعی‌های برق در شروع فصل گرما و کاهش سهمیه استفاده از برق، شرکت‌های تولیدی را با معضل مجدد تعطیلی خطوط تولید روبه‌رو کرده است. این موضوع در صنایع شیمیایی، کانی غیرفلزی و... بیشتر دیده شده است. در بخش صنایع فلزی، شرکت‌ها با کمبود تجهیزات و مواد اولیه به دلیل قیمت‌های بسیار بالا روبه‌رو هستند و برخی شرکت‌های این بخش که طرف قرارداد با وزارت نیرو هستند با مشکل عدم پرداخت مطالبات ریالی توسط توانیر روبه‌رو هستند. فعالان کسب و کار می‌گویند بسیاری از شرکت‌ها همچنان با معضل افزایش شدید قیمت مواد اولیه و رکود در بازار روبه‌رو هستند و در صنایع نفت، گاز و پالایشگاهی، صنایع نساجی به دلیل تغییر دایمی قوانین و مقررات و قیمت‌ها، محاسبات و برنامه‌ریزی شرکت‌ها به شدت غیرقابل پیش‌بینی شده است.

بازگشت فعالیت‌های تولیدی به روال اردیبهشت

در اردیبهشت‌ماه طبق روال هر سال بعد از تعطیلات، اکثر زیرشاخص‌ها با شدت بیشتری افزایش می‌یابند، اما از آنجا که در فروردین‌ماه شرکت‌ها به دلیل نااطمینانی قیمتی و عدم تخصیص ارز مورد نیاز برای تامین مواد اولیه با تعطیلی طولانی‌تری در مقایسه با سال‌های قبل روبه‌رو بودند، با از سرگیری فعالیت‌ها در اکثر شرکت‌ها در اردیبهشت شاخص با شدت بیشتری در مقایسه با سال‌های قبل افزایش داشته است. با این حال شرکت‌ها همچنان با مشکلات عدم تخصیص ارز، تغییر دایمی قوانین و مقررات و نوسانات و افزایش شدید قیمت‌ها روبه‌رو هستند. بررسی مولفه‌های شاخص مدیران خرید (PMI) که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران آن را با عنوان شامخ منتشر می‌کند، حاکی از این است که در اردیبهشت‌ماه، با ثبت رقم ۵۷.۳۰ برای شامخ کل، همه مولفه‌های اصلی شامخ بالاتر از ۵۰ ثبت شده‌اند و مطابق انتظارات ماه گذشته در این ماه شاخص افزایش داشته است؛ به خصوص که امسال به‌دلیل تعطیلات طولانی‌تری که شرکت‌ها در مقایسه با سال‌های قبل داشتند، افزایش شاخص با شدت بیشتری همراه بوده است. شاخص میزان فعالیت‌های کسب‌وکار در اردیبهشت‌ماه (۶۰.۹۶) مطابق روال اردیبهشت هر سال افزایش داشته و از آنجا که شاخص در ماه گذشته افت شدیدی را ثبت کرده بود، در این ماه با شروع مجدد فعالیت در اکثر شرکت‌ها بیشترین مقدار ۴۴ دوره خود را (غیر از یک دوره) ثبت کرده است. فعالیت‌ها در هر سه بخش با افزایش شاخص همراه بوده و بخش صنعت بیشترین افزایش را در مقایسه با سایر بخش‌ها ثبت کرده است. شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در اردیبهشت‌ماه (۵۷.۱۵) طی ۴۴ ماه اخیر دومین بیشترین مقدار خود را از شهریور ۱۴۰۰ داشته است. شاخص موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده (۵۸.۰۸) بیشترین مقدار خود طی ۴۴ دوره را ثبت کرده است. شرکت‌ها که طی ماه‌های اخیر به علت عدم تخصیص ارز و نوسانات قیمتی به شدت در تامین مواد اولیه با مشکل روبه‌رو بوده‌اند در این ماه اکثرا ارز مورد نیاز خود را از طریق بازار آزاد تامین کرده‌اند. شاخص موجودی محصول نهایی در انبار (۴۹.۳۰) به بیشترین مقدار ۵ ماه اخیر رسیده است. این شاخص فقط در بخش صنعت افزایش داشته و در بخش کشاورزی و خدمات و ساختمان با کاهش بیشتری همراه بوده است. شاخص میزان صادرات کالا و خدمات در اردیبهشت (۵۱.۸۶) بعد از افت شدیدی که در فروردین‌ماه داشت با آغاز به کار شرکت‌ها دومین و بیشترین مقدار خود را ثبت کرده است. این شاخص در هر سه رشته فعالیت بالای ۵۰ ثبت شده است.

اثر نابسامانی نرخ ارز در بخش صنعت

طبق روال دوره‌ای در اردیبهشت‌ماه همه رشته فعالیت‌های بخش صنعت با افزایش شاخص روبه‌رو بوده‌اند. اما در این دوره بنا بر نظر فعالان اقتصادی، تعطیلی گسترده بخش صنعت در فروردین‌ماه ناشی از نابسامانی قیمتی بازار ارز و همچنین عدم تخصیص ارز مورد نیاز مواد اولیه شرکت‌ها از سوی بانک مرکزی بوده است. با بازگشایی مجدد شرکت‌ها، افزایش شاخص با شدت بیشتری در مقایسه با اردیبهشت سال‌های قبل روبه‌رو بوده است و اکثر زیر شاخص‌های اصلی بیشترین مقدار خود را ثبت کرده‌اند. اما همچنان به علت جهش قیمتی و تغییرات دایمی قوانین و مقررات، تولیدکنندگان با ریسک اقتصادی بالا به فعالیت ادامه می‌دهند و چشم‌انداز و برنامه‌ریزی در افق کوتاه‌مدت نیز وجود ندارد. شاخص قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم خریداری شده (۸۳.۶۷) همچنان به شدت افزایشی است هر چند شدت افزایش در مقایسه با ماه قبل اندکی کمتر است. شاخص میزان فروش کالاها و خدمات (۶۴.۰۹) که در فروردین یکی از کمترین مقادیر خود را ثبت کرده بود در اردیبهشت‌ماه با از سرگیری فعالیت‌ها و سفارشات بیشترین مقدار سری ۴۴ دوره را به ثبت رساند. شاخص انتظارات در ارتباط با میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده (۶۵.۱۷) نشان می‌دهد که شیب انتظارات خوش‌بینانه برای ماه آینده در مقایسه با فروردین‌ماه کمتر شده است. در اردیبهشت‌ماه مطابق انتظارات ماه گذشته فعالیت کسب‌وکارها افزایش داشته و همان‌طور که پیش‌بینی شده بود به دلیل تعطیلی طولانی‌تر در فروردین‌ماه، میزان افزایش شامخ در اردیبهشت با شدت بیشتری همراه بوده است.

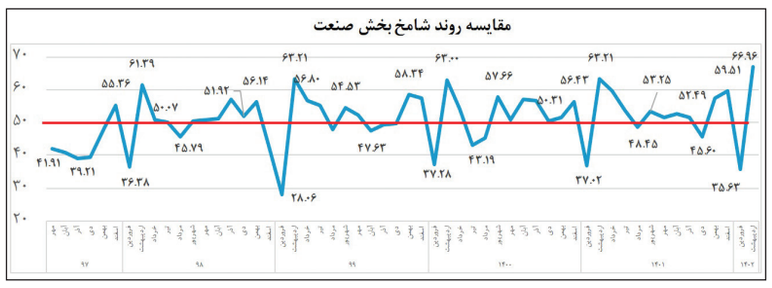

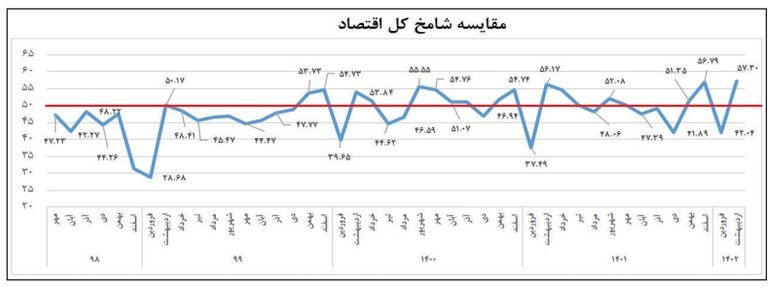

گزارش

چشم مردم روستاهای قشم در انتظار آب خشک شد

زهره مولوی | تصورش هم سخت است، هر روز که از خواب بیدار می‌شوی و تا شب که می‌خوابی چشمت به آب‌های بیکران خلیج فارس بیفتد و از اینکه در این سرزمین پرافتخار زندگی کنی بر خود ببالی؛ اما به آب خوردن دسترسی نداشته باشی. قصه تلخ و غیرقبل تصوری که مردم بسیاری از روستاهای قشم سال‌هاست با آن زندگی می‌کنند. حدود ۹۰ درصد مردم روستاهای بزرگ‌ترین جزیره باستانی ایران یعنی قشم، سالیان سال است که در آرزوی دسترسی دایمی به آب شیرین، لب تشنه‌اند و تا به حال به هر شکلی که بوده صدای‌شان را به گوش مسوولان رسانده‌اند. آنها در جایی زندگی می‌کنند که گاهی در تابستان باید گرمای حدود ۵۰ درجه را در هوای شرجی جزیره تحمل کنند. خواسته زیادی هم ندارند، فقط آب خوردن می‌خواهند. «محمد ختو» رییس شورای روستای «تمگز» به نمایندگی از این روستا و روستاهای «چاهوشرقی»، «چاهوغربی»، «عایشه‌آباد»، «سرریگ»، «دولاب»، «کنارسیاه»، «درکو»، «مرادی»، «گوری»، «باسعیدو»، «کانی» و «دوستکو»، خواستار تشکیل فوری «ستاد خشکسالی استان هرمزگان» در این جزیره است، تا شاید مشکل قدیمی آب جزیره قشم حل شود. جزیره‌ای که ۳۰ روستایش با جمعیتی حدود ۱۵ هزار نفر، بیش از یک دهه است همچنان به وعده‌های مسوولان در خصوص احداث آب‌شیرین‌کن دل خوش کرده‌اند و هنوز با تانکر باید آب مصرفی خود را تهیه کنند. به گفته وی، در حال حاضر ۱۴ روستای غرب جزیره هر سه ماه یک‌بار به آب شیرین دسترسی پیدا می‌کنند. مردم محروم این روستاها مخزن نگهداری آب برای سه ماه را ندارند، به همین دلیل آبی که می‌توانند ذخیره کنند کفاف ۲۰ روز آنها را می‌دهد. بنابراین تا زمان آبگیری بعدی مجبورند آب شور را با تانکر، آن‌هم به قیمت هر متر مکعب ۱۰۰ هزار تومان بخرند؛ آبی که خوردن آن واقعا سخت است. برخی از اهالی تهیدست این روستاها مجبورند با پای پیاده و گاری و وسایل دستی دیگر از چاه و آب‌انبارها، آب مصرفی خود را تامین کنند؛ آن‌هم آبی که معلوم نیست تا چه حد سالم و بهداشتی است. این موضوع در کنار مشکل دسترسی نداشتن به گاز لوله‌کشی و حتی کپسول گاز و اجبار در آشپزی و تهیه آب گرم روی آتش هیزم، واقعا جان مردم نجیب این روستاها که هم وطن‌شان را دوست دارند و هم نظام جمهوری اسلامی را به جانشان رسانده است. در حال حاضر، اداره آب و فاضلاب جزیره حدود ۱۳ هزار متر مکعب آب شیرین از شرکت تولید آب و برق «مپنا» خریداری می‌کند در حالی که نیاز مردم لب‌تشنه روستاهای قشم، حداقل ۲۰ هزار متر مکعب است. «مهدی دوستی» استاندار هرمزگان مهرماه ۱۴۰۱ پس از جلسه فوق‌العاده شورای اداری قشم گفته بود: «در قشم به خاطر اختلافات میان سرزمین اصلی و مناطق آزاد مشکلات انباشته‌ای شکل گرفته است. دسترسی به آب‌شیرین، از جمله مطالبات قدیمی مردم است. بخش عمده‌ای از این جزیره دچار تنش آبی است، به‌طوری که آب‌رسانی هفته‌ای دو تا سه بار انجام می‌شود. اما تا ۹ ماه آینده سایت آب‌شیرین‌کن روستای «تورگان» قشم فعال می‌شود. این سایت روزانه چهار هزار و ۵۰۰ متر مکعب آب شرب تولید می‌کند و ۲۳ هزار و ۸۰۰ نفر به این آب دسترسی خواهند داشت.» حالا وعده ۹ ماهه آقای استاندار به پایان رسیده، اما مردم روستاهای قشم هنوز چشم‌شان به آب‌شیرین این سایت روشن نشده است. پیش از این نیز بارها و بارها مسوولان استان هرمزگان و جزیره قشم از جمله «امین قصمی» مدیرعامل و «خلیل یکتاپرست» قائم‌مقام شرکت آب و فاضلاب هرمزگان، «محمد محمدحسینی» فرماندار و «حجت‌الاسلام غلامرضا حاجبی» امام جمعه قشم و... از قریب‌الوقوع بودن پایان رنج بی‌آبی مردم این جزیره خبر داده بودند. اما روزهای گرم و سوزان تابستان قشم در راه است ولی هنوز هزار وعده خوبان یکی وفا نکرده!

نظر

چرا ایران با پروژه «داپ» ترکیه مقابله نمی‌کند؟

سدسازی‌های ترکیه روی سرشاخه رودخانه‌های اصلی که از ایران و آذربایجان و ارمنستان می‌گذرند باعث چالش‌های محیط زیستی و اقتصادی عظیمی خواهد شد. محمد درویش، فعال محیط زیست، درباره علت عدم مقابله ایران با ترکیه در ماجرای سدسازی گفت: من فکر می‌کنم که دلیل این مساله وابستگی شدید ایران به ترانزیت ترکیه با توجه به تحریم‌هاست. ایران نگران این است که اعتراض به دولت ترکیه باعث شود مشکلات اقتصادی پیدا کند و این مساله سبب شده است آن‌طور که باید از حقوقش دفاع نکند؛ به‌خصوص در ماجرای دجله و فرات ایران خیلی کوتاه آمد. آن موقع نگرانی دیگر این بود که ترکیه به عربستان نزدیک شود، اما آن نگرانی برطرف شده است. به گزارش «انتخاب» وی افزود: اما الان پروژه داپ که دست‌کم نود درصد سرشاخه‌های ارس را دارد خطرات خیلی بیشتری ایجاد کرده است. آذربایجان و ارمنستان نیز قربانی سدسازی ترکیه هستند و ایران می‌تواند به عنوان یک منفعت مشترک، اتحادی علیه ترکیه با ارمنستان و آذربایجان ایجاد کند. من اخیرا بازدیدی از رودخانه ارس داشته‌ام و دیدم که به صورت محسوس دبی آب کاهش پیدا کرده است. اگر این سدسازی‌ها ادامه یابد شمال غربی ایران دچار مشکل می‌شود. در جمهوری آذربایجان نیز این فاجعه در حال وقوع است. ایران باید تحرکات جدی‌تری انجام دهد که بلای افغانستان و طالبان بر سر آذربایجان نیاید. درویش در ادامه نسبت به چالش‌های محیط زیستی و اقتصادی برای شمال غرب ایران افزود: اگر سد میل را رفته باشید روزی که من رفتم ۳۵ متر مکعب آب سمت ایران و آذربایجان می‌رفت برای اینکه آب شرب و کشاورزی را در هر دو کشور تامین کند، این در حالی است که این رقم در گذشته خیلی بیشتر بود. اگر این میزان آب کاهش یابد آب شرب مردم دچار مشکل می‌شود. کشت و صنعت مغان نیز با میلیاردها سرمایه‌گذاری از بین می‌رود و موج بیکاری تشدید پیدا می‌کند. این فعال محیط زیست سپس درباره رفتارهای دیپلماتیک برای عبور از این بحران اشاره کرد: جمهوری آذربایجان روابط خوبی با ترکیه دارد و ایران می‌تواند از این منفذ استفاده کند و با کمک آذربایجان به ترکیه فشار بیاورد. الان ارمنستان و ایران رابطه خوبی با ترکیه ندارند، اما جمهوری آذربایجان رابطه خوبی با ترکیه دارد، اما قربانی این ماجرا است. الان باید ایران برای مقابله با این رفتارهای ترکیه اقدام کند تا حقابه ارس تامین شود. درویش در پایان گفت: ترکیه چند پروژه همزمان را اجرا می‌کند؛ اخیرا یک سد را روی رودخانه یوسفعلی زد و این بلا را سر گرجستان آورد. این پروژه داپ نیز شامل ۱۲۰ سد روی ارس است. ترکیه این توان را دارد که ۱۱ برابر آورد ارس مخزن بزند و می‌تواند اجازه ندهد که یک لیتر آب وارد ایران و آذربایجان شود. ترکیه این قدرت را دارد.

ادامه از صفحه اول

اسلحه، اینترنت و تحریف یک حق عمومی

عموما در دو حیطه گردش آزاد اطلاعات و همین‌طور کسب و کار مردم دارای کارایی‌های متعددی است. به عبارتی اگر حتی قانون هم در این زمینه اقدام به ایجاد طبقه‌بندی در دسترسی‌های مختلف و افزایش محدودیت‌ها کند، این قانون به سبب مغایرت و عدم تطابق با عرف عمومی جامعه مشروعیت لازم را ندارد. یعنی مساله مانند آن است که دسترسی به آب و برق و گاز و نان را در سطح جامعه طبقه‌بندی کنیم و بدون توجه به نیازهای واقعی مردم، به هر طبقه امکان متفاوتی از دسترسی به این امکانات اولیه بدهیم. آقای بهادری جهرمی به عنوان یک حقوقدان حتما باید مطلع باشند که در اسناد بین‌المللی و همین‌طور حقوق اساسی بسیاری از کشورها، اینترنت آزاد به عنوان یک حق اساسی عمومی و در رده نیازهای اولیه شهروندان شناسایی شده. مضافا اینکه به عنوان سخنگوی دولت هم باید به خاطر داشته باشند که آقای رییسی هم سال ۱۴۰۰ اعتراف کرد که اینترنت برای مردم مانند آب و گاز و برق است. بر پایه استدلال سخنگوی دولت می‌توان هر نوع حق عمومی را در جامعه طبقه‌بندی و مردم را از نظر نوع دسترسی به آن حق به درجات مختلف تقسیم کرد و این چیزی نیست جز ایجاد رانت طبقاتی. رانتی که هر چند در لوا و ظاهر قانون هم بسته‌بندی شود باز هم چیزی از مذمت آن کاسته نخواهد شد. به اعتبار همین نوع استدلال می‌شود بسیاری از امکانات و حقوق عمومی جامعه، از حق دسترسی به تسهیلات و زیرساخت‌ها گرفته تا حق استفاده از موقعیت‌های اجتماعی را طبقه‌بندی کرد. مثلا می‌شود گفت همان‌طور که همه مردم حق حضور در پادگان نظامی را ندارند پس می‌توان حق دسترسی به مکان‌های عمومی مثل مترو یا پارک را هم برای جامعه طبقه‌بندی کرد. اینترنت طبقاتی از منظر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان مصداق نقض بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است که «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» را وظیفه دولت می‌داند. برای اینکه متوجه باشیم که اینترنت یکی از مصادیق این «امکانات» عمومی است و اسلحه، خیر. نیاز به دانش حقوقی خاصی نیست. ضمن اینکه بسیاری بر این باور هستند که اصول ۲۵ و ۷۹ قانون اساسی هم در جریان طبقاتی کردن اینترنت و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی نقض می‌شود. از منظری دیگر با توجه به اشتغال حدود ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان تنها در اینستاگرام و ارتزاق آنها از این طریق، محدود کردن دسترسی این افراد به پلتفرم یادشده حداقل نقض اصل ۲۸ قانون اساسی است که گفته: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.» بر پایه این استدلال‌ها باید پرسید سخنگوی حقوقدان دولت چطور ابزاری را که طبق تمام قواعد حقوقی و واقعیت زندگی اجتماعی مردم بخشی جدایی‌ناپذیر از امکانات عمومی اشتغال، تحصیل، پژوهش و آزادی بیان است با اسلحه مقایسه کرده و به دنبال تشبیه قواعد آنها به یکدیگر است؟ آیا این جز بدان دلیل است که ایشان و دولت متبوع‌شان خطر اینترنت و اسلحه گرم را در یک سطح می‌بینند و از این دو به یک اندازه بیم دارند؟

در انتظار آزادسازی منابع ارزی

اما بازار کالاها تا زمانی که اطمینان کافی از جریان ورود ارز وجود نداشته باشد و تا زمانی که تحریم‌ها به صورت کامل رفع نشود و فروش نفت به شرایط عادی برنگردد به همین شکل باقی می‌ماند و واکنش خاصی وجود نخواهد داشت. در مجموع آزادسازی این منابع ارزی برای اقتصاد با یک تاثیر فوری همراه است و تاثیر کوتاه‌مدت آن در انتظار رفع تحریم‌ها است. این دلارهای آزادشده نهایتا یک یا دو ماه در روند افزایش قیمت ارز و طلا توقف ایجاد می‌کند و تا زمانی که مشکلات تحریمی باقی باشد و جریان فروش نفت همچنان محدود بماند عملا همین رویه که تاکنون بوده ادامه خواهد داشت.

حمل و نقل

مجوز پرواز ۶ ایرلاین به اهواز، شیراز و مشهد لغو شد

پاس گل سازمان هواپیمایی به دلالان

سازمان هواپیمایی کشوری در اقدامی عجیب مجوز پرواز ۶ شرکت هواپیمایی در مسیرهای تهران به مشهد، اهواز و شیراز را از تاریخ ۲۱ خرداد لغو کرده است. معاون هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری با ارسال نامه‌های جداگانه‌ای به هواپیمایی آتا، فلای پرشیا، کیش‌ایر، کارون و سپهران مجوز پروازی این شرکت‌ها را در برخی مسیرهای داخلی از ۲۱ خردادماه تا اطلاع ثانوی باطل کرده. بر این اساس مجوز پروازهای هواپیمایی آتا در مسیر تهران-مشهد، فلای پرشیا در مسیر تهران-شیراز، هواپیمایی کیش در مسیر تهران-اهواز، کارون در مسیر تهران-شیراز و سپهران در مسیر تهران-مشهد به دلیل گرانفروشی باطل خواهد شد. همچنین سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرده که پیرو اخطار قبلی در اردیبهشت ماه امسال و بررسی مجدد سیستم‌های نمایش، توزیع و فروش بلیت هوایی، بلیت شرکت هواپیمایی زاگرس همچنان بالاتر از نرخ تعیین شده در نرخنامه ابلاغی این سازمان به شرکت‌های هواپیمایی به فروش رسیده و تمامی مجوزهای پروازی مسیر تهران ـ اهواز آن شرکت را از روز یکشنبه ۲۱ خردادماه تا اطلاع ثانوی باطل کرده است. این در حالی است که این ایرلاین‌ها بلیت مسیرهای مذکور برای بعد از تاریخ مذکور را فروخته‌اند و لغو مجوز پروازها مسافرین این شرکت‌ها را دچار سرگردانی می‌کند. با توجه به اینکه به دلیل افزایش تقاضای سفرهای هوایی دوره انتظار برای دریافت بلیت در مسیرهای پرتردد و به ویژه مسیرهای مذکور طولانی است، این اقدام سازمان هواپیمایی کشوری منجر به کاهش عرضه صندلی هواپیما و طولانی‌تر شدن دوره انتظار دریافت بلیت خواهد شد ضمن اینکه باعث افزایش بازار سیاه بلیت و رونق دلالی می‌شود.

از سوی دیگر در یک اقدام سوال‌برانگیز فقط لغو پروازهای شرکت هواپیمایی زاگرس به مقصد اهواز در صدر خبرهای نیمروزی صداوسیما قرار گرفته و ساعاتی بعد، خبرگزاری تسنیم اسامی برخی دیگر از ایرلاین‌های جریمه شده را منتشر کرد.

در ماده ۱۶۱ قانون برنامه پنجم توسعه و تنفیذ آن در ماده ۵۳ برنامه ششم توسعه آمده است: آزادسازی نرخ بلیت هواپیما و شبکه پروازی اجرایی شده که به استناد مصوبه ستاد تنظیم بازار وزارت راه و شهرسازی با دخالت غیرقانونی و حتی حذف سازمان هواپیمایی کشوری در تصمیم‌گیری‌ها و بدون نظر شورای عالی هواپیمایی تصمیم غیرقانونی خود را به سازمان هواپیمایی کشوری تحمیل کرده است. اتفاقی که در نهایت ایرلاین‌ها را دچار خسارت جبران‌ناپذیری کرده است؛ زیرا از ۳۵۰ فروند هواپیمای ثبت شده کمتر از ۱۰۰ فروند فعال واقعی است و عرضه بلیت نیز به شدت محدود شده است. رانت گرانفروشی و پارتی‌بازی برای به دست آوردن بلیت هواپیما نتیجه دخالت وزارت راه و شهرسازی است. حتی در صورت ابطال قانون، شورای عالی هواپیمایی باید نرخ بلیت را تعیین کند که گفته می‌شود با قیمت‌گذاری دستوری، این شورا نیز خنثی شده است. حالا سازمان هواپیمایی کشوری در اقدامی عجیب و طبق ادعای خود برای رعایت مصالح مردم با دستور صریح وزیر راه برای بیش از ۸ شرکت هواپیمایی ممنوعیت و محدودیت ایجاد کرده است.

مشخص نیست چرا سازمان هواپیمایی کشوری با ابطال مجوز پرواز شرکت‌های هواپیمایی هزاران نفر از مردم را که در این گرمای طاقت‌فرسا و جاده‌های خطرناک بلیت هواپیما خریداری کرده‌اند، با تصمیم شخص وزیر محروم شده‌اند.

شگرد جدید بعضی شرکت‌های هواپیمایی برای گرانفروشی

در حالی سازمان هواپیمایی، ۶ ایرلاین را به دلیل گرانفروشی نقره‌داغ کرد که برخی ایرلاین‌ها شگرد جدیدی را برای دور زدن سازمان و دریافت پول بیشتر در دستور کار قرار داده‌اند.

خبرگزاری نزدیک به دولت «تسنیم» در این باره نوشته است: هواپیمایی ایران ایرتور با ارسال پیامکی به مسافران پرواز مشهد-تهران روز ۲۶ خردادماه ساعت ۱۹:۳۰ اعلام کرده که این پرواز با تعجیل بیش از ۱۵ ساعته انجام خواهد شد! یکی از مسافران این پرواز گفته است: بنده برای پرواز شماره ۹۶۷ مشهد-تهران ایران ایرتور مبلغ یک میلیون و ۱۸ هزار تومان پرداخت کرده‌ام. این در حالی است که هواپیمایی ایرتور با ارسال پیامکی از تعجیل انجام این پرواز در ساعت ۴ بامداد روز ۲۶ خرداد خبر داده است.

در تماس با شرکت هواپیمایی گفته شد، می‌توانیم بلیت را بدون اخذ جریمه مسترد کنیم، این در حالی است که برای خرید بلیت در همان روز باید ۵۰۰ هزار تومان بیشتر پرداخت کنیم. دلیل این تعجیل را جویا شدم که پاسخ مشخصی برای این پرسش به ما داده نشد.

از شواهد و قرائن پیداست شرکت‌های هواپیمایی با ترفند تعجیل در انجام پروازها به دنبال کسب سود بیشتر و فروش بلیت بالاتر از نرخ‌های مصوب سازمان هواپیمایی هستند.

Pishkhan.com

جوابیه

پاسخ شرکت مهندسی و توسعه نفت به گزارش «شلیک به قلب هورالعظیم»

به گزارش روابط عمومی شرکت مهندسی و توسعه نفت، با توجه به انتشار خبری در روزنامه اعتماد در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ با عنوان «شلیک به قلب هورالعظیم» شرکت مهندسی و توسعه نفت جوابیه‌ای در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ به شرح ذیل آماده نموده، لذا با عنایت به ماده ۲۳ قانون مطبوعات، مشروح جوابیه فوق در راستای تنویر افکار عمومی و نگارنده خبر ارایه می‌گردد.

لذا با عنایت به حجم بالای گزارش یادشده، سعی گردیده تا جوابیه ذیل به صورت مورد به مورد به تمامی موضوعات اشاره نماید.

در متن خبر و بخش‌های زیادی از گزارش منتشرشده، محور تحلیلی خبر بر طرح توسعه و بهره‌برداری میدان نفتی سهراب در جغرافیای شمالی تالاب هورالعظیم و در مجاورت خط مرزی بین کشورهای ایران و عراق متمرکز گردیده و متاسفانه شاهد اطلاعات نادرست و ناقصی می‌باشیم، به نحوی که حفاری ۳۵ حلقه چاه نفت و احداث ۲۵ محوطه سرچاهی در میانه محیط تالابی به صراحت عنوان می‌گردد. در صورتی که واقعیت چیز دیگری است!

۱- میدان نفتی سهراب بعد از حفر دو حلقه چاه اکتشافی در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ در برنامه توسعه بالادستی وزارت نفت قرار گرفت. در سال‌های بعد، توسعه تکمیلی و بهره‌برداری از این میدان در قالب قراردادهای توسعه‌ای مورد توجه شرکت‌های خارجی قرار گرفت و برنامه اجرایی توسعه با ارجحیت گزینه فنی- اقتصادی بهینه و نگاه حداقلی به حفاظت محیط تالابی از سوی شرکت‌های خارجی پیشنهاد گردید. اما با اعمال تحریم‌های مضاعف و ظالمانه بین‌المللی به صنعت ملی نفت و گاز کشور، طرح توسعه و بهره‌برداری از میدان نفتی سهراب با تاکید بر کمینگی اثرات سوء زیست محیطی بر بدنه تالاب هورالعظیم مورد بازبینی در صنعت نفت قرار گرفت و نهایتاً برنامه کلی توسعه و بهره‌برداری از این میدان با حفاری مجموعاً ۲۰ حلقه چاه جدید در ۶ محوطه سرچاهی و با بهره‌گیری از توان فناورانه داخلی حفاری‌های جهت‌دار و کاهش حداکثری استحصال از اراضی تالابی و بدون احداث جاده‌های دسترسی جدید و صرفاً با تعریض گذرگاه مرزی موجود (شمالی- جنوبی) و جاده موسوم به امام رضا(ع) (غربی- شرقی) خلاصه گردید و گزارش امکان‌سنجی و بررسی اولیه طرح نیز به متولیان حفاظت محیط زیست ارایه گردید. در مرحله بعد، طراحی مفهومی و مهندسی پایه طرح با تکیه بر اصل کاهش اثرات سوء زیست‌محیطی همزمان و وابسته به مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) طرح صورت پذیرفت که از این حیث در بین طرح‌های توسعه نفت و گاز کشور منحصر به فرد و ممتاز می‌باشد.

۲- توسعه عملیات اجرایی دو حلقه چاه در میدان نفتی سهراب با اخذ مجوز از سازمان محیط زیست آغاز گردیده است، ولی نویسنده با تاکید بر گزارش در دست بررسی توسعه ۱۸ چاه آتی طرح سهراب به مخاطب چنین القا کرده است که مجوزی در خصوص طرح توسعه سهراب صادر نشده است و شرکت نفت با مسوولیت‌ناپذیری و گردن‌کشی در مقابل قانون و سازمان حفاظت محیط زیست در حال توسعه میدان می‌باشد. لذا آغاز طرح بدون کسب مجوز قویا تکذیب می‌گردد.

۳- گزارش نهایی مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی استفاده از فناوری نوین حفاری جهت‌دار (S شکل)، عدم احداث واحدهای فرآورش مرکزی و فرعی، عدم احداث مشعل ثابت گازهای همراه نفت در محدوده منطقه حفاظت‌شده، بهره‌گیری از تکنولوژی پمپ‌های چندفازی انتقال نفت خام و احداث تلمبه‌خانه در خارج از محدوده منطقه حفاظت‌شده، پیش‌بینی احداث خط لوله انتقال نفت در خارج از منطقه حفاظت‌شده زیست‌محیطی تنها بخشی از اصول مقرر شده در طراحی توسعه و بهره‌برداری از این میدان می‌باشد که به‌رغم تحمیل هزینه‌های بیشتر در طراحی، ساخت و نصب و بهره‌برداری از تاسیسات صرفا با رویکرد همساز با حفاظت محیط زیست و کاهش اثرات سوء در محیط تالابی مدنظر قرار گرفته است.

۴- همچنین در این گزارش، وجود آب برای طرح‌های توسعه‌ای مانند طرح سهراب به عنوان عامل بالارفتن هزینه‌ها ذکر شده است این در حالی است که در این طرح به دلیل رعایت اصل حفظ و حراست تالاب و استفاده از حاشیه تالاب برای احداث چاه جدید به جای ورود به مرکز تالاب، خشکاندن تالاب هیچ منفعت و تسهیلی را برای توسعه میدان به همراه ندارد. این در حالی است که در سایر طرح‌های غرب کارون نیز ارتفاع پد چاه‌ها بر اساس رقوم ارتفاعی آب در صدسال گذشته تعیین شده و لذا به جز موارد رخداد سیل نظیر سیل سال ۱۳۹۸، وجود آب هیچ مشکل یا هزینه جدیدی برای توسعه و تولید نفت ایجاد نمی‌کند.

۵- همان گونه که در متن اشاره شده است مشکل اصلی هورالعظیم خشکسالی‌های متوالی و کاهش منابع آبی و در نتیجه عدم تامین حقابه تالاب است. متاسفانه؛ هم‌زمانی خشکی بخشی از تالاب با فعالیت‌های توسعه‌ای در منطقه غرب کارون باعث سوءاستفاده برخی جریان‌ها جهت نسبت‌دادن خشک شدن تالاب به صنعت نفت شده است، این در حالی است که بهترین شاهد برای اثبات عدم وجود رابطه علت و معلولی بین عملیات نفت و خشکی تالاب، خشک شدن دریاچه ارومیه، گاوخونی، زاینده‌رود، هیرمند و بسیاری دیگر از رودخانه‌ها و چشمه‌ها در مناطقی است که صنعت نفت حضور و فعالیتی ندارد.

۶- به گواه و مستند به تصاویر تاریخی و ماهواره‌ای از منطقه حفاظت‌شده تالاب هورالعظیم و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده، تغییرات اقلیمی کلان و خرد در این منطقه از ابتدای دهه ۸۰ میلادی (دهه ۶۰ شمسی) آغاز شده است به‌نحوی که سال‌های خشک و کم‌باران مستمر در سه دهه اخیر، پدیده‌های غیرقابل پیش‌بینی اقلیمی و مدیریت منابع آبی تامین‌کننده آب تالاب در بالادست آن موجب کاهش کیفیت و تغییر توان اکولوژیکی این منطقه حساس زیست‌محیطی شده است، در همین راستا و به اذعان مسوولان ذیربط در سازمان حفاظت محیط زیست و دیگر نهادهای نظارتی، عدم تأمین حقابه تالاب، عدم مشارکت کشور همسایه در برنامه‌های مشارکتی احیای تالاب، مصرف بی‌رویه منابع آبی تالاب در مصارف کشاورزی بومی منطقه، عدم مدیریت صحیح در نگه‌داشت آب تالاب در پایین‌دست از علل قابل توجه و مزید بر علل اقلیمی یاد شده در کاهش کیفیت زیستگاهی این منطقه می‌باشند. این موضوع ضمن آنکه کاملا کارشناسی است، اگر توسط اینگونه مطالب مورد تشکیک قرار نگیرد، به سادگی توسط عموم قابل درک است.

۷- شایان ذکر است، کلیه طرح‌های توسعه میادین مشترک نفتی در منطقه مورد بحث مشمول انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) بوده که مطالعات مبسوط آن در قالب گردآوری مطالعات پایه زیست‌محیطی (EBS) و انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی توسعه (EIA) منجر به اخذ مجوزهای لازم از سازمان حفاظت محیط زیست شده است و به منظور پایش مستمر عملکرد زیست‌محیطی در منطقه، هسته‌های نظارتی زیست‌محیطی با مشارکت متولیان استانی حفاظت محیط زیست تشکیل و در منطقه مستقر گردیده‌اند.

۸- در بخش‌هایی از گزارش، از قول مدیر اسبق اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان نقل شده است که گزینه برداشت نفت با استفاده از حفاری مورب توسط شرکت نفت رد شده است. این در حالی است که طرح سهراب، حفاری مورب را به‌رغم هزینه بالای آن جهت حفاظت حداکثری از تالاب پذیرفته و از طریق آن نیاز به ورود به مرکز تالاب و هرگونه تخریب در آن منطقه را کاملا مرتفع نموده است.

۹- در بخش دیگری از خبر، به قانون «حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور» اشاره شده است که مطابق آن هرگونه بهره‌برداری و اقدامی که منجر به تخریب و آلودگی غیرقابل جبران شود ممنوع است و از آن برای اثبات قانون گریزی نفت استفاده شده است. اما اشاره‌ای نشده است که قانون، مرجع تعیین تخریب غیرقابل جبران را سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرده است و این سازمان مجوز توسعه دو حلقه چاه را به دلیل رعایت الزامات و راهکارهای متعدد توسط صنعت نفت جهت حفاظت حداکثری از تالاب و عدم ایجاد تخریب غیرقابل جبران صادر کرده است.

۱۰- تقریبا حدود یک‌سوم مطالب خبر به نقل از افرادی است که هیچ‌گونه ارتباط کاری با شرکت مهندسی و توسعه نفت و طرح‌های توسعه‌ای در منطقه غرب کارون نداشته‌اند و لذا اطلاعات آنها کاملا غلط یا ناقص می‌باشد. اشاره به جاده‌های دسترسی، خاکریزی و خاک‌برداری در تالاب، تخلیه پسماند و پساب و کنده‌های حفاری در تالاب، ساخت کارخانه در وسط تالاب هورالعظیم از مواردی است که در طرح‌های شرکت مهندسی و توسعه نفت و به ویژه طرح سهراب قویا تکذیب می‌گردد.

۱۱- در ادامه نیز، آتش‌زدن نیزارها و تخلیه پسماند در تالاب به شرکت نفت نسبت داده شده است. این در حالی است که سوختن نیزارهای موجود در هور، هیچ‌گونه منفعت یا تسهیلی در امور توسعه و تولید ایجاد نمی‌کند و شرکت مهندسی و توسعه نفت، هر ساله عملیات‌های متعدد جهت خاموش کردن نیزارها دارد و تاکنون از کلیه امکانات خود برای اطفاء این حریق‌ها استفاده کرده است. سوزاندن نیزارها عمدتا ناشی از خشک‌شدن تالاب و در نتیجه کمبود مواد غذایی، توسط بومیان منطقه با انگیزه رشد ساقه‌های تازه‌تر و نیز تامین غذای گاومیش‌ها انجام می‌شود.

۱۲- در قسمت دیگری از گزارش ادعا شده است؛ کشور عراق پس از عوض شدن حکومت بعثی، بخش عراقی تالاب را در کنوانسیون رامسر ثبت کرده است، ولی متاسفانه هیچگونه اشاره‌ای به خشک شدن آن قسمت تالاب که دوسوم آن را تشکیل می‌دهد، توسط کشور عراق نشده و توضیحی داده نشده که کشور عراق، تمرکز خود را بر تولید نفت از میادین مشترک با ایران گذاشته است.

۱۳- در متن خبر به عقب‌نشینی اداره کل حفاظت محیط زیست در مقابل نفت اشاره شده است، این در حالی است که اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان برای ارایه مجوز اجرای طرح‌های توسعه‌ای کاملا مطابق قانون و مقررات و با سختگیری فراتر از نیاز اقدام نموده است، به نحوی که سختگیری‌های این سازمان، عملیات توسعه در غرب کارون را با چالش جدی روبرو نموده است و در سوی مقابل مرز، کشور عراق به سادگی و با توان شرکت‌های قدرتمند خارجی و بدون تحمل هیچگونه تحریمی در حال برداشت نفت با سرعت تمام از میادین مشترک می‌باشد.

۱۴- برخلاف این خبر که پرداخت هرگونه خسارت، اجاره یا جریمه‌ای را توسط شرکت نفت انکار یا کوچک‌نمایی کرده است، علاوه بر پرداخت جرایم عوارض آلایندگی و هزینه‌های سنگین برای اجرای طرح‌های مسوولیت اجتماعی و اجرای اقدامات جبرانی زیست‌محیطی برای منطقه در دستور کار صنعت نفت قرار داشته و دارد که میدان سهراب نیز از این موضوع مستثنی نمی‌باشد.

۱۵- لازم به ذکر است «پیگیری خبرنگار اعتماد جهت پاسخگویی شرکت متن در خصوص طرح سهراب» حداقل از جانب این اداره قویا تکذیب می‌گردد.

این امور آمادگی دارد در خصوص کلیه موضوعات محیط زیستی طرح توضیحات و گزارشات لازم را به افکار عمومی ارایه نماید.

۱۶- در پایان می‌بایست اشاره نمود، توسعه میادین مشترک نفتی بین کشورهای ایران و عراق که از اولویت‌های استراتژیک اقتصاد کلان کشور در قوانین برنامه‌های متوالی توسعه چهارم، پنجم و ششم از اواسط دهه ۸۰ آغاز گردید به مثابه پنجره‌ای رو به توسعه روزافزون صنعت نفت و گاز کشور و منتج به پیدایش تمدن جدید نفتی در میادین غرب کارون گردیده است و این دستاورد عظیم ملی با همت کارکنان زحمتکش صنعت نفت و همراهی دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های حاکمیتی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست محقق شده است و به همین دلیل می‌بایست ضمن ارج نهادن به تلاش‌های شبانه‌روزی این عزیزان، رعایت انصاف و مهم‌تر از آن مستندات بر اساس واقعیت در اینگونه متون و گزارشات لحاظ گردد.

کارگری

الهه پورحسین/باشگاه خبرنگاران جوان

مهمانداران قطارهای مسافربری وابسته به «رجا» برای مطالبات صنفی به سازمان بازرسی شکایت بردند

قطار اعتراض مهمانداران

گروه اجتماعی

جمعی از مهمانداران قطارهای مسافربری زیرمجموعه شرکت رجا، در اعتراض به پایمال شدن حقوق صنفی خود، با تشکیل کارزاری خطاب به رییس سازمان بازرسی کل کشور خواستار رسیدگی دستگاه قضایی به خواسته‌های‌شان شدند.

در متن این کارزار که ۸ خرداد امسال و با عنوان «اعتراض به تبعیض و بی‌عدالتی در حق مهمانداران قطار شرکت رجا» ایجاد شده و تا ۷ تیر ماه مهلت جمع‌آوری امضا دارد و تا ظهر دیروز هم بیش از ۱۴۰۰ نفر به این کارزار ملحق شده‌اند، آمده است: «ما کارکنان قطار شرکت حمل‌ونقل ریلی رجا به وضعیت موجود شکایت داریم. با توجه به اینکه شغل مهمانداری، سرمهماندار، آشپزی و خدمات سیر با دوره‌های آموزشی و تخصصی می‌باشد، ولی متاسفانه سال‌هاست که شرکت‌های پیمانکاری زیرمجموعه شرکت رجا لیست کارگران ساده را به بیمه تامین اجتماعی ارسال می‌نمایند و همچنین با توجه به اینکه طرح طبقه‌بندی مشاغل به تصویب هیات دولت رسیده و ابلاغ گردیده، هیچ اقدامی در شرکت رجا صورت نگرفته و حداقل حقوق بعد از سال‌ها سابقه در سازمان به کارکنان پرداخت می‌شود. دیگر توانایی یک زندگی معمولی را نداریم.»

همزمان با ایجاد این کارزار، پویش دیگری هم با عنوان «درخواست احقاق حقوق عادلانه و امنیت شغلی و بررسی سختی کار مهماندار قطار» در فضای مجازی شکل گرفته بود و امضاکنندگان، خطاب به رییس دفتر رهبری، رییس مجلس، رییس سازمان بازرسی کل کشور، مدیرعامل شستا، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و وزیر تعاون، مطالباتی از جمله پایان دادن به روند غیرقانونی عقد قراردادهای سفید امضا و برقراری امنیت شغلی برای ۲۵۰۰ مهماندار قطارهای مسافربری تحت مسوولیت پیمانکاران همکار با شرکت رجا را مطرح کرده بودند اما این پویش متوقف شد.

کارزاری که مهمانداران قطارهای مسافربری خطاب به رییس سازمان بازرسی کل کشور ایجاد کرده‌اند، دومین مطالبه‌گری این قشر از کارگران از مسیر قضایی است. مرداد ۱۴۰۰، صدها مهماندار با امضای نامه‌ای خطاب به مسوولان سازمان بازرسی کل کشور، خواستار رسیدگی به مشکلات و مطالبات صنفی خود شدند. این نامه حدود ۱۴ ماه بعد از تعدیل و بلاتکلیفی شغلی بیش از ۱۰۰۰ مهمانداری که به دنبال شیوع کرونا و اجرای دستورالعمل‌های ابلاغی ستاد ملی مبارزه با کرونا و کاهش سفرهای ریلی، شغل خود را از دست دادند نوشته شد.

در متن این نامه آمده بود: «اغلب پرسنل مشغول در شرکت‌های پیمانکاری و راهبری که تعداد آنها قریب به دوهزار نفر است، با سوابق کار بالای ۱۰، ۱۵ و ۲۰ سال، همچنان با قراردادهای یک‌ماهه، دو ماهه و سه‌ماهه و بعضا سفید امضا، کار می‌کنند و امنیت شغلی خیلی پایین است و پرسنل، مدام از سوی کارفرمایان تهدید به بیکار شدن و اخراج می‌شوند. بیمه اغلب پرسنل با سمت کارگر صفر و با حداقل حقوق پایه رد شده و هیچ‌گونه سمت در لیست‌های بیمه درج نمی‌شود در صورتی که پرسنلی که با قطارها اعزام می‌شوند با سمت‌هایی از قبیل مهماندار، سرمهماندار، خدمات سیر، آشپز، پذیرایی، مامور فنی و مامور برق و رییس قطار و ... هستند. طرح طبقه‌بندی مشاغل در همه شرکت‌های راهبری قطارهای مسافربری اجرا نشده و به اغلب پرسنل، فقط پایه حقوق و حداقل حقوق کارگر ساده صفر را پرداخت می‌کنند و به سوابق و مدارک، تحصیلات، تجارب، مهارت و سمت پرسنل هیچ‌گونه توجهی نشده و حتی هیچ‌گونه پایه سنواتی به پرسنل داده نمی‌شود. بعد از شیوع بیماری نفسگیر کرونا که تعدادی از همکاران، تعدیل و بیکار شدند و حتی بعضی‌ها نتوانستند بیمه بیکاری هم بگیرند، شرکت‌های پیمانکاری با شرایط همان قرارداد قبلی با حداقل نیرو همچنان ادامه می‌دهند و استراحت اغلب نیروها کم شده و فشار کار هم زیاد و مضاعف شده ولی درنهایت، دریافتی‌ها کمتر و استراحت هم از استاندارد کمتر شده است. به عنوان مثال، یکی از شرکت‌ها، نیروها را بدون استراحت و به اجبار، به سیر اعزام می‌کند بدون اینکه در حق و حقوق آنها تغییری ایجاد کند. همچنین نیروها به مدت دوماه عیدی و سه سال سنوات و یک ماه حق بهره‌وری شروع به کار را طلبکار هستند....»

یک دهه اعتراض بعد از خصوصی‌سازی حمل‌ونقل ریلی

بررسی «اعتماد» بر اخبار اعتراضات صنفی مهمانداران قطارهای مسافربری نشان می‌دهد که پس از تاسیس شرکت قطارهای مسافری رجا (آبان ۱۳۷۵) و واگذاری حمل‌ونقل مسافری به بخش خصوصی، از ابتدای دهه ۱۳۹۰ و پس از آنکه خدمات مهمانداری قطارهای مسافربری به شرکت‌های پیمانکاری سپرده شد (از اسفند ۱۳۸۸ و به دنبال تصویب آیین‌نامه تاسیس و فعالیت شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی در آبان سال ۱۳۸۹) اعتراضات صنفی این قشر از کارگران که تحت مسوولیت پیمانکاران رده سوم (ارکان ثالث) هستند هم‌رو به افزایش بوده و البته محور اصلی اعتراضات بیش از ۲ هزار مهماندار قطارهای مسافربری تحت تملک شرکت رجا، بر معوقات مزدی و بیمه‌ای متمرکز شده که به نظر می‌رسد باید ریشه این اعتراضات را در مدل عجیب برون‌سپاری حمل مسافر توسط کارفرمای اصلی (شرکت رجا) به خرده پیمانکاران مرتبط دانست به این معنا که پیمانکاران ارکان ثالث که از طریق شرکت در مناقصه‌ها و با قراردادهای کوتاه‌مدت مشغول به همکاری با شرکت رجا شده‌اند، چنان بابت تاخیر یا توقف تسویه معادل ریالی تعهدات خود نگرانند که از هرگونه اعتراض و مطالبه‌گری از پیمانکار مادر خودداری می‌کنند و بنابراین، از آنجا که با وجود فعالیت ۴ شرکت دارای ناوگان ملکی و با قراردادهای مالکیت طولانی‌مدت، بیش از نیمی از ناوگان مسافری ریلی، همچنان متعلق به شرکت رجاست، پیمانکاران طرف قرارداد با کارفرمای ثانی (شرکت رجا) به جای سهم‌خواهی، تا پایان قرارداد همکاری سکوت اختیار می‌کند و به همین دلیل، طی دهه اخیر، اغلب مهمانداران که کارگر پیمانکاری شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی طرف قرارداد با شرکت رجا هستند، همواره اعلام کرده‌اند که با هر بار اعتراض صنفی برای دریافت مطالبات، به اخراج و تعدیل و بیکاری تهدید شده‌اند چون اعتراضات این قشر، خطر بالقوه قطع همکاری رجا با پیمانکار ارکان ثالث محسوب می‌شود.

■ تیر ۱۳۹۵ خبری درباره معوقات ۳ ماهه مزد مهمانداران خط ریلی گرگان به تهران منتشر شد. معترضان می‌گفتند بهانه پیمانکار برای پرداخت نکردن حقوق کارگران، کمبود نقدینگی بوده و در جواب معترضان اعلام شده: «اگر نمی‌توانید با این شرایط کار کنید، می‌توانید مجموعه را ترک کنید.» حدود یک ماه بعد از انتشار این خبر و مرداد همان سال، سیمین میزانی؛ مدیرکل اعزام و خدمات راهبری شرکت رجا، ادعای پرداخت و به‌روزرسانی دستمزد ۱۹۰۰ مهمانداری این شرکت را مطرح و اعلام کرد: «با وجود برون‌سپاری خدمات ریلی به پیمانکاران، شرکت رجا سعی کرده با تسریع در پرداخت‌ها، معوقات مزدی کارگران پیمانکاری پرداخت شود. کادر فنی قطارها دستمزد خرداد خود را دریافت کرده‌اند و به زودی مطالبات مزدی تیرماه آنها نیز پرداخت خواهد شد.»

■ فروردین ۱۳۹۷ صدها مهماندار که نیروی پیمانکاری بیش از ۵ شرکت طرف قرارداد با شرکت رجا بودند اعلام کردند که معوقات مزدی ۳ ماهه از بهمن ۱۳۹۶ دارند.

■ تیر ۱۳۹۷ جمعی از مهمانداران و ماموران فنی پشتیبانی شرکت رجا با برگزاری یک تجمع اعتراضی مقابل دفتر مدیریت این شرکت، خواهان دریافت معوقات ۴ ماهه مزدی خود شدند.

■ مرداد ۱۳۹۷ مهمانداران یکی از شرکت‌های پیمانکاری در محور گرگان به زاهدان از معوقات ۳ماهه مزد خبر دادند و بابت نحوه تمدید قراردادها اعتراض کردند.

■ تیرماه ۱۳۹۸ و به دنبال تعدیل ۶ نفر از مهمانداران به بهانه پایان قرارداد شغلی، تعدادی از مهمانداران قطار تهران به خرمشهر، در محوطه ایستگاه اندیمشک در اعتراض به اخراج همکاران خود و همچنین معوقات مزدی تجمع کردند.

■ تیر ۱۳۹۹ خبری درباره اخراج بیش از ۳۴۰ مهماندار در ۴ شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با شرکت رجا منتشر شد.

■ خرداد ۱۴۰۰، تعدادی از مهمانداران خط ریلی بندرعباس به شیراز از تعویق ۳ ماهه مطالبات مزدی و سنوات سال ۱۳۹۸ و حق بیمه خود خبر دادند و گفتند استدلال پیمانکار برای این تعویق، کمبود نقدینگی بوده در حالی که طبق ادعای مسوولان شرکت رجا، پرداخت صورت‌وضعیت‌های این پیمانکار کاملا منظم و بدون تعویق بوده است.

■ اسفند ۱۴۰۰ مهمانداران در یک تجمع اعتراضی به دلیل معوقات ۴ ماهه حقوق، به مدت چند ساعت دست از کار کشیدند.

■ دی‌ماه ۱۴۰۱ تعدادی از مهمانداران که نیروهای پیمانکاری شرکت‌های ارکان ثالث و طرف قرارداد با رجا بودند، در اعتراضات صنفی خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همسان‌سازی حقوق و مزایا شدند.

■ بهمن ۱۴۰۱، تعدادی از مهمانداران قطار تهران به تبریز و لرستان به اهواز، در اعتراض به تعویق پرداخت مزایای رفاهی و مناسبتی خود گفتند پیمانکار علت تعویق پرداخت‌ها را کمبود نقدینگی عنوان کرده است.

اعتراض مهمانداران خط تهران- خرمشهر/مرداد ۱۳۹۸

مرز قانونمندی و قانون‌شکنی

م.ت یکی از مهمانداران شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی طرف قرارداد با رجا بود که خرداد پارسال به دنبال اعتراضات صنفی اخراج شد. م.ت در گفت‌وگو با «اعتماد» در شرح اخراجش توسط مسوولان شرکت رجا می‌گوید: «اسفند ۱۴۰۰، بعد از اینکه پرداخت نشدن حقوق‌مان به ۴ ماه رسید، تجمع و تعطیلی چند ساعته برگزار کردیم. خرداد پارسال، شرکت رجا قطارهای مسیر اهواز را به بهانه اینکه ۳۰ سال از عمر این قطارها گذشته و فرسوده شده، از خط خارج کرد. ما نسبت به این اقدام شرکت رجا معترض شدیم و نامه‌ای به وزیر راه وقت (مرحوم رستم قاسمی) نوشتیم و خواستار فعالیت مجدد این خطوط شدیم. به دنبال نامه‌نگاری مهمانداران با وزیر راه، وزیر دستور کتبی برای بازگشت این قطارها داد. مسوولان شرکت رجا هم بعد از دریافت این دستور وزیر، من و ۱۴ نفر از مهمانداران را احضار و اعلام کردند که ما اغتشاشگر هستیم و با این اقدامات باعث برهم زدن نظم و اختلال در فعالیت قطارها شده‌ایم و ما را اخراج کردند در حالی که تنها دلیل ما برای این کار، تامین معاش خانواده‌های‌مان بود.»

م.ت بعد از اخراج از شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با شرکت رجا، به مدت سه ماه بیکار بود و سپس در یکی از ۴ شرکت حمل‌ونقل ریلی ملکی مشغول به کار شد. م.ت می‌گوید اگرچه در یافتی مهمانداران شاغل در این شرکت‌ها کمتر از دریافتی همکاران‌شان در شرکت‌های پیمانکاری زیرمجموعه رجا است، اما قانونمندتر عمل می‌کنند و امنیت شغلی مهمانداران بالاتر است.

«آخرین دریافتی من بابت حقوق خردادماه، با ۱۴ سال سابقه کار و با دو حق اولاد، ۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بوده در حالی که همکارم در شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با رجا، بابت ۷ اعزام در مسیر اهواز، ۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت کرده است. حسن وضعیت ما این است که حقوق‌مان را سر وقت می‌گیریم در حالی که همکاران ما در شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد با رجا چند ماه معوقه دارند. ما که کارگر شرکت‌های ملکی هستیم، قراردادهایی با آغاز و پایان کار مشخص امضا می‌کنیم در حالی که در شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد با رجا، هنوز قراردادهای سفید امضا با اعتبار نامشخص جلوی همکاران‌مان می‌گذارند و پیمانکار حق فسخ یکطرفه دارد علاوه بر اینکه در قرارداد سفید امضا، کارفرما می‌تواند به هر میزان که خواست و بدون هیچ‌گونه اعلام قبلی، اضافه‌کاری و نوبت‌کاری و شب‌کاری به کارگر خود تحمیل کند.»

م.ت مطلع است که شرکت رجا بابت هر مهماندار به پیمانکاران طرف قراردادش که در مناقصه‌های کوتاه‌مدت برنده شده‌اند، ماهانه ۲۵ میلیون تومان می‌پردازد و می‌گوید که ادعای تمام پیمانکاران بابت بی‌پولی و کمبود نقدینگی برای پرداخت به موقع حقوق و مزایای مهمانداران، بی‌مورد و غیرواقعی است.

م.ت می‌گوید به دنبال تغییرات مدیریتی در شرکت رجا، هم پرونده طرح طبقه‌بندی مشاغل بسته شده و هم اطلاق سخت و زیان‌آوری به شغل مهمانداری قطار. «سه سال قبل خطاب به سازمان تامین اجتماعی نامه نوشتیم و درخواست اعمال مزایای سخت و زیان‌آوری دادیم. یک ماه قبل، بازرسی از سازمان تامین اجتماعی به بازدید مهمانداران آمد و اعلام کرد که سخت و زیان‌آوری فقط برای مهمانداران فعال در سالن‌های اول و آخر هر قطار اعمال خواهد شد.»

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش-۱

عکس تزیینی است/ایسنا

بررسی‌های «اعتماد» نشان می‌دهد که از میان چهار زن و دختری که در خرداد ماه جاری جان باختند یکی را برادرش کشته و دیگری را شوهرش به دلایلی نامشخص خفه کرده است

گزارش تلخ

بهاره شبانکارئیان

هشتم الی سیزدهم خرداد ماه جاری، چهار زن و دختر قربانی کودک همسری و مسائل خانوادگی شده‌اند. این در حالی است که بررسی‌های «اعتماد» نشان می‌دهد؛ از ابتدای سال جاری تاکنون «۱۰ زن و دختر» به این بهانه جان‌شان را از دست داده‌اند. این زنان و دختران قربانی، اکثرا اهل روستاهای «کردستان و آذربایجان غربی» بودند. بررسی‌های بیشتر «اعتماد» نشان می‌دهد که قتل زنان و دختران در این استان‌ها به دلیل اختلافات خانوادگی، ازدواج‌های اجباری، کودک همسری، تعصبات و... رخ می‌دهد. در برخی موارد هم دختران کم سن و سال برای اینکه از تن دادن به ازدواج‌های اجباری فرار کنند، اقدام به خودکشی می‌کنند. طبق اخبار رسمی منتشر شده «شکیلا.غ»؛ ۱۵ ساله اهل کرمانشاه یکی از همین دخترانی است که به دلیل فشارهای خانواده در جهت ازدواج اجباری، ۱۱ خرداد ماه جاری دست به خودکشی زد. دو روز بعد؛ ۱۳ خرداد نیز فرمانده نیروی انتظامی استان ایلام خبر داد که پدری ۶۸ ساله دختر ۳۸ ساله خود را به دلیل «اختلافات خانوادگی» با «ضربات آجر» به قتل رساند. تاکنون در مورد این قتل وحشتناک جزییات بیشتری منتشر نشده و پیگیری‌های «اعتماد» از منابع محلی نیز بی‌نتیجه مانده است. حالا «اعتماد» با پیگیری‌هایی که در مورد خبر مربوط به این چهار زن و دختر انجام داده، توانسته به جزییاتی در مورد قتل «پرستو.ش» و «روژین.ع» دست پیدا کند. لازم به ذکر است که این دو فقره قتل به فاصله یک روز در استان کردستان رخ داده است.

زن کشی اول: روستای «میرکی»

«شب حادثه تا ساعت ۱۲ بامداد مهمان داشتند. پدر و مادر شوهر پرستو خانه‌شان بودند. بعد از اینکه آنها رفتند، «پیام.ش»؛ شوهر او تا ۴ صبح پرستو را کتک زد و بعد هم طنابی دور گردنش انداخت و او را خفه کرد.» اینها را یکی از بستگان نزدیک «پرستو.ش» به «اعتماد» می‌گوید. «پرستو.ش»؛ زنی هجده ساله، ساکن روستای «میرکی» شهرستان دهگلان واقع در استان کردستان بود که روز ۸ خرداد ماه جاری پس از «ضرب و شتم» شدید از سوی همسرش به دلایلی نامشخص «حلق‌آویز» و به قتل رسید. یکی از منابع خبری و محلی در مورد قتل این زن هجده ساله به «اعتماد» توضیح می‌دهد: «شوهر این زن اعتیاد به مواد مخدر از نوع [...] داشت. پدر پرستو او را ۱۲ سالگی شوهر داد. پدرش معتاد بود. چند روز بعد از مراسم خواستگاری، مادر پرستو بر اثر بیماری فوت کرد. این زن قربانی کودک همسری شد.» در ادامه زنی که از بستگان نزدیک پرستو است به «اعتماد» می‌گوید: «پدر پرستو، او را در سنین پایین به پسر یکی از دوستان نزدیکش داد. شوهر پرستو هم چون می‌دانست پدر همسر او معتاد است، پرستو را اذیت می‌کرد و به او می‌گفت؛ تو پدرت معتاد است، پس هیچ جا را نداری که بروی. برای همین هر بلایی که می‌خواست سر این زن درآورد. پرستو ۱۲ سالگی به عقد شوهرش درآمد. چند روز بعد از عقد هم یک دفعه درد سراغ مادر پرستو آمد و منجر به مرگش شد. یک ماه صبر کردند که از فوت مادر پرستو بگذرد تا او به خانه شوهرش برود. شوهرش بددل بود. اصلا نمی‌گذاشت پرستو جایی برود. پیام اکثر مواقع خانه بود و می‌گفت؛ نمی‌توانم خانواده‌ام را تنها بگذارم. سر بهانه‌های کوچک پرستو را کتک می‌زد. حدود یک ماه پیش پدر پرستو به خانه آنها رفت و گفت؛ اگر شوهرت اذیتت می‌کند، مجبور نیستی زندگی کنی. پرستو هم در جواب به پدرش گفته بود که اگر تو نگران من هستی، من هم نگران بچه‌ام هستم. تا اینکه شب حادثه فرا رسید.» او در ادامه توضیح می‌دهد: «آن شب تا ساعت ۱۲ بامداد پدرشوهر و مادرشوهر پرستو خانه‌شان مهمان بودند. وقتی رفتند نمی‌دانیم چه مساله‌ای پیش آمد که تا ساعت ۴ صبح او را کتک زد و آخر هم طنابی دور گردن پرستو انداخت و او را خفه کرد. اینها را شوهر پرستو در اداره آگاهی تعریف کرده است. به تازگی هم گفته که مقصر است و باید اعدامش کنند.»

زن کشی دوم: روستای «آخکند»

«روژین.ع» دختری ۱۷ ساله اهل روستای «آخکند» شهرستان دیواندره در استان کردستان که روز ۹ خرداد ماه جاری توسط برادرش با ضربات شدید «تبر» کشته شد. منابع محلی پس از این حادثه از دستگیری برادر این دختر نوجوان به همراه پدرش خبر دادند. یکی از فعالان اجتماعی دیواندره در مورد جزییات این حادثه وحشتناک به «اعتماد» می‌گوید: «حدود یک سال پیش روژین به همراه پسری در ماشین تصادف می‌کنند. ماجرا به گوش خانواده این دختر می‌رسد و پدرش او را از خانه بیرون می‌کند. این دختر هم این یک سال را در بهزیستی سنندج سپری می‌کند تا اینکه چند وقت پیش پدرش به آنجا می‌رود و دخترش را به خانه بازمی‌گرداند. وقتی روژین به روستای محل زندگی‌شان برمی‌گردد، حرف و حدیث‌ها شروع می‌شود. اهالی روستا، اقوام و بستگان این دختر پشت سر او می‌گفتند که خانواده‌اش بی‌غیرت هستند... تا اینکه روز حادثه برادر روژین با یک تبر کوچک، ما به کردی به این وسیله «تیرشته» می‌گوییم، خواهرش را به قتل رساند. همان روز هم برادر و پدر این دختر دستگیر شدند.»

از ابتدای سال جاری ۱۰ زن و دختر قربانی مسائل خانوادگی یا کودک همسری شده‌اند

■ **۲۵ فروردین ۱۴۰۲:** «مریم.س» زن ۳۴ ساله اهل دهستان الوند در شهرستان خوی واقع در آذربایجان غربی توسط پدر و برادرانش به دلیل اینکه عکس‌ها و فیلم‌های او توسط یک مرد در فضای مجازی منتشر شده بود به قتل رسید. پس از این اتفاق برادران و پدر او مدعی شدند که مریم خودکشی کرده است.

■ **۲۷ فروردین ۱۴۰۲:** «دنیا.ر» دختر ۱۹ ساله اهل روستای دادرفش کرمانشاه با انگیزه خانوادگی توسط یکی از اقوام‌شان به قتل رسید. هر چند برخی اهالی مدعی شدند که دنیا خودکشی کرده است.

■ **۲۹ فروردین ۱۴۰۲:** «شبنم.ن» دختر نوجوان ۱۶ ساله اهل روستای قزل بلاغ بخش سارال شهرستان دیواندره پس از گذشت یک هفته از مراسم عقدش به دلایل نامشخصی به زندگی خود پایان داد.

■ **۹ اردیبهشت ۱۴۰۲:** زنی ۳۴ ساله در محله جهانگیری شهرستان اراک با انگیزه خانوادگی توسط همسرش با ضربات چاقو به قتل رسید. در این ماجرا خواهرزاده مقتول نیز به قتل رسید.

■ **۹ اردیبهشت ۱۴۰۲:** «شیروان.ه» زن ۲۴ ساله اهل صفاییه شهرستان خوی با انگیزه خانوادگی به دست پدرش به قتل رسید. در جریان این حادثه پسر عموی شیروان نیز به دلیل ارتباطی که با شیروان داشت، کشته شد.

■ **۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲:** «غزال.م» اهل روستای راژان از توابع ارومیه توسط همسر سابق خود مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به قتل رسید.

■ **۸ خرداد ۱۴۰۲:** «پرستو.ش» ۱۸ ساله، ساکن روستای میرکی در شهرستان دهگلان واقع در استان کردستان پس از ضرب و شتم شدید از سوی همسرش به دلایلی نامشخص حلق‌آویز و به قتل رسید.

■ **۹ خرداد ۱۴۰۲:** «روژین.ع» دختری ۱۷ ساله اهل روستای «آخکند» شهرستان دیواندره در استان کردستان با انگیزه خانوادگی توسط برادرش با تبر کشته شد.

■ **۱۱ خرداد ۱۴۰۲:** «شکیلا.غ» ۱۵ ساله اهل کرمانشاه به دلیل فشارهای خانواده در جهت ازدواج اجباری دست به خودکشی زد.

■ **۱۳ خرداد ۱۴۰۲:** دختری ۳۸ ساله اهل ایلام توسط پدرش به دلیل اختلافات خانوادگی با ضربات آجر به قتل رساند.

گزارش-۲

سیل نابهنگام در خراسان شمالی، آذربایجان و سیستان و بلوچستان

به گفته دهیار روستای استاد اگر دیوار ساحلی را نصفه رها نمی‌کردند، آب وارد روستا نمی‌شد

گروه حادثه | طی ماه جاری (خرداد) شاهد وقوع سیلاب در برخی شهرستان‌ها هستیم. به‌طوری که سازمان هواشناسی روز دوشنبه پانزدهم خرداد ماه جاری هشدار سطح نارنجی برای ۱۲ استان از جمله نواحی تهران، البرز، قزوین، اردبیل، شمال شرق آذربایجان شرقی، دامنه و ارتفاعات گیلان، مازندران، غرب گلستان و مرکز، غرب و جنوب غربی کرمان صادر و زمان پایان آن را روز سه‌شنبه شانزدهم خرداد اعلام کرد. اداره کل مدیریت بحران استانداری مازندران نیز با انتشار اخطاریه‌ای از احتمال بارش سیل‌آسای باران در مناطق کوهستانی خبر داد و از مردم خواست در حریم رودخانه‌ها توقف نکنند. این در حالی است که ۶ خرداد ماه، بارش شدید باران در روستاهای «استاد، خسرویه و چوکانلو» شهرستان فاروج موجب جاری شدن سیل شد. در این حادثه دو نفر کشته و چندین نفر نیز مصدوم شدند. چند روز پس از این واقعه نیز روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ماه ۲۵ روستای شهرستان «بیله‌سوار مغان» در اردبیل گرفتار بارش‌های سیل‌آسا شدند. «صاحبعلی اصغری»، فرماندار بیله‌سوار درباره وقوع سیلاب در این منطقه اعلام کرد که بر اثر این رخداد جریان گاز روستای بیگ باغلو و جریان برق روستای اکبرداوود قطع شد و در این میان سطح خسارت‌های سیل در روستاهای اکبرداود، مرادلو، اودلو، گونپاپاق، قره‌قاسملو و گوگ‌تپه که در مسیر سیل قرار داشتند، بیشتر از سایر مناطق بوده است. همچنین ۱۵ خرداد در شهرستان راسک واقع در سیستان و بلوچستان بارش باران و طغیان رودخانه باعث واژگونی و غرق شدن ده‌ها خودرو شد...

چندین خانه به‌طور کامل تخریب شده است

«عظیم گوهری»، دهیار روستای استاد در شهرستان فاروج در مورد علت وقوع سیل در این روستا به «اعتماد» می‌گوید: «چند سال پیش در این روستا دیوار ساحلی کشیدند، اما دیوار را نصفه رها کردند. اگر دیوار را به صورت کامل درست کرده بودند، هنگام وقوع سیل، آب داخل روستا نمی‌شد، چون این دیوار کامل نشد روستا با خسارت مالی زیادی مواجه شد. یک نفر از روستای ما کشته شد و یک نفر هم در روستای دیگر این شهرستان بر اثر سیل جان باخت. در روستای استاد، چند خانوار خانه‌های‌شان به طور کامل ویران شده است. خانه خود من هم جزو خانه‌هایی است که به‌طور کامل تخریب شده. از بنیاد مسکن برای بازدید از روستا آمدند و قول وام ۲۰۰ میلیون تومانی دادند، ولی با ۲۰۰ میلیون تومان چگونه می‌توان خانه ساخت؟» یکی از اهالی نیز درباره روز حادثه به «اعتماد» توضیح می‌دهد که آن روز حدود بیست دقیقه باران بارید. بعد یک دفعه آب از قسمت بالادستی رودخانه وارد روستا شد. اکثر وسایل اهالی بر اثر سیلاب از بین رفتند.

هشدار بارش‌های ناگهانی و سیلاب‌های محتمل خرداد ۱۴۰۲

«مهدی زارع»، زمین‌شناس در مورد بارش‌های شدید باران در ماه جاری به «اعتماد» می‌گوید: «در نیمه خرداد ۱۴۰۲ هواشناسی اعلام کرد که بارش شدید باران احتمالا موجب سیلاب در نواحی کوهستانی با احتمال سقوط سنگ می‌شود. فعالیت سامانه بارشی تا روز جمعه ادامه خواهد داشت و در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه بارش باران با شدت کمتر نسبت به سه‌شنبه در اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان، زنجان، قزوین، البرز، تهران، قم، اصفهان، کرمان، ارتفاعات و دامنه نیمه جنوبی سیستان و بلوچستان، یزد، شمال فارس، نیمه شمالی سمنان، خراسان شمالی، مرکزی و همدان پیش‌بینی شده است. روز جمعه رگبار باران نقاطی از خراسان شمالی، خراسان رضوی، سمنان، ارتفاعات کرمان، اصفهان و یزد را در بر می‌گیرد. وقوع رگبار باران، رعدوبرق، صاعقه، وزش باد شدید موقتی، در نواحی مستعد خیزش گردوخاک و احتمال تگرگ برای شمال استان‌های سمنان، زنجان، آذربایجان شرقی، اصفهان و دامنه و ارتفاعات در استان گیلان، طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه برای استان‌های سیستان و بلوچستان، گیلان، مازندران، گلستان و ارتفاعات و دامنه نیمه جنوبی و نیمه شمالی سمنان، قم، شمال اصفهان، آذربایجان شرقی، شمال آذربایجان غربی پیش‌بینی شده است.»

او در ادامه به سیلاب سال گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: «در هفته اول مرداد ۱۴۰۱ در جنوب ایران و سپس رشته کوه‌های البرز به دنبال بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب‌های ناگهانی تعداد زیادی کشته و مفقودی برجای گذاشت. سیلاب شهرستان استهبان و اطراف آن در جنوب استان فارس را درگیر کرد، ۲۱ نفر کشته و دو نفر مفقود شدند. ماشین‌ها در آب‌ها بالا آمدند و در رودخانه رودبال گرفتار شدند. استهبان در ۱۷۴ کیلومتری شرق مرکز استان شیراز است. این فاجعه در آخر هفته تابستان و در ایام تعطیلات اتفاق افتاد. زمانی که خانواده‌ها به مناطق خنک‌تری مانند حاشیه رودخانه‌ها، حاشیه دریاچه‌ها و دره‌ها رفته بودند. تعدادی از مردم محلی و گردشگران (از سایر مناطق) که به حاشیه رودخانه رفته بودند و در بستر رودخانه حضور داشتند به دلیل بالا آمدن سطح آب گرفتار سیل شدند. ایران در دهه‌های اخیر به ویژه به دلیل تغییرات اقلیمی گرفتار دوره‌های شدیدتر و مکرر خشکسالی و البته سیلاب‌های ناگهانی و مکرر شده است. پدیده‌ای که با بارش باران سیل‌آسا بر زمین داغ ونفوذناپذیر به‌دلیل خشکسالی‌های طولانی مخرب‌تر می‌شود. در فروردین ۱۳۹۸ نیز طغیان‌های شدید و سراسری ۷۸ کشته برجای گذاشت و خسارتی به بار آورد که در مجموع حدود ۷ میلیارد دلار برآورد شد. تغییرات اقلیمی باعث تشدید آب و هوای شدید از جمله خشکسالی و همچنین پتانسیل افزایش شدت توفان‌های بارانی می‌شود. ایران نیز مانند سایر کشورهای همسایه، سال‌ها از خشکی مزمن و موج گرما رنج می‌برد و انتظار می‌رود این وضعیت بدتر شود. دریاچه ارومیه در شمال غرب ایران به تدریج و از سال ۱۳۷۶ به دلیل ترکیبی از خشکسالی طولانی مدت و پمپاژ شدید آب زیرزمینی برای کشاورزی و سدسازی شروع به کوچک شدن کرد به نحوی که عملا در سال ۱۴۰۱ در حدود ۹۸ درصد خشک شد. چنین تداومی از خشکسالی و سیلاب به مهاجرت گسترده ساکنان نواحی مختلف ایران می‌انجامد و نمونه‌هایی از این مهاجرت‌های گروهی در جمعیت یک میلیون نفری سیستانی‌های مهاجر به گلستان در دهه‌های سی و چهل شمسی دیده می‌شود. تداوم گرم شدن زمین و بیشتر شدن میزان گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر موجب تداوم تبعات تغییر اقلیم در نواحی مختلف زمین به ویژه در محدود ایران ماست. باید از این پس منتظر توالی‌های شدیدتری از خشکسالی و بارش سیلاب‌های ناگهانی بیشتر در جاهای مختلف ایران باشیم و برای آن آماده شویم.»

نگاهی به سیلاب مرداد ۱۴۰۱

مرداد ماه سال گذشته بارش‌های سیل‌آسا شروع شد و چندین استان را سیلاب فرا گرفت و بیش از صد نفر کشته شدند. بیشترین میزان خسارت نیز مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، تهران، فارس، کرمان، هرمزگان، قم، سمنان، مازندران، یزد، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، گلستان، اصفهان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و مرکزی بود، اما سه استان دچار آسیب جدی و تلفات شد. بیشترین تلفات مربوط به تهران بود. آن هم با ۴۳ کشته. سپس فارس با ۲۴ کشته بیشترین قربانی را داشت.

■ ۳۱ تیر حوالی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه در استهبان استان فارس در کیلومترها بالادست رودخانه طغیان ایجاد شد و گردشگران و افرادی که در حریم رودخانه در پایین‌دست بودند ناگهان با سیل مواجه شدند. در این حادثه، سیل تعدادی خودرو را با خود برد و ۲۳ نفر جان خود را از دست دادند.

■ ۶ مرداد ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه بامداد بر اثر بارش شدید و ناگهانی باران سیل در دره امامزاده داوود تهران باعث جاری شدن حجم زیادی آب و گل و لای به سوی پایین‌دست شد، این سیلاب با ساختمان امامزاده برخورد کرد و باعث مرگ ۸ نفر و مصدوم شدن ۹ نفر شد. بنای امامزاده داوود نیز در این حادثه دچار آسیب جدی شد.

■ در نتیجه جاری شدن سیل در استان چهارمحال و بختیاری خسارات گسترده‌ای به اموال عمومی و شخصی شهروندان وارد کرد. همچنین سیل در روستای بارده، موجب تخریب بیش از ۲۵۰ خانه شد.

اخبار

سارقان بخشی از مجسمه برنزی میدان سیدخندان را دزدیدند

«مرد نشسته روی پل» را سر بریدند

سریال ادامه‌دار سرقت از مجسمه‌های شهری که پیش‌تر خبرساز شده بود پس از وقفه‌ای طولانی وارد قسمت دیگری شده و در تازه‌ترین خبر بخشی از اثر حجمی «نشسته روی پل» نصب شده در پایتخت به سرقت برده شد. بر اساس گزارش «ایسنا»، اثر «نشسته روی پل» به علت نوع متریالش که از جنس برنز است، از ارزش مادی بالایی برخوردار است که همین امر اثر را به سوژه مناسبی برای سارقان بدل می‌سازد. با این حال گویا از این مجسمه که روی مسیل خیابان شهید مجتبایی (سیمرغ) در سیدخندان نصب شده بود، حفاظت خاصی صورت نمی‌گرفت و همین امر کار را برای سارقان راحت ساخته بود. ماجرای سرقت این اثر بنا بر تایید سازمان زیباسازی شهری، این گونه است که چند روز پیش سر این مجسمه از تن جدا می‌شود و بعدا بر اساس نامه‌نگاری‌هایی که صورت می‌گیرد، قرار بر پیگیری ماجرای سرقت بخشی از اثر می‌شود که در همین راستا شهرداری منطقه این مجسمه را از محل نصب جابه‌جا می‌کند. شبنم محمدی‌زاده، خالق این اثر درباره سرقت اثر خود به ایسنا گفته است: «اخیرا از طریق دوستان مطلع شدم که مجسمه تخریب شده است. از علت و انگیزه این اتفاق اطلاعی ندارم و تحلیل خاصی هم نمی‌توانم ارایه دهم تا توسط سازمان زیباسازی تحقیقات لازم انجام بپذیرد و علت آن روشن شود.» این هنرمند همچنین درباره مجسمه «نشسته روی پل» توضیح می‌دهد: «این اثر که منتخب فراخوان سازمان زیباسازی در سال ۱۳۸۷ است، به سفارش سازمان زیباسازی شهرداری تهران ساخته شده است.»

نجات قاتل دختر جوان از چوبه دار

خانواده دختری جوان که ۸ سال قبل قربانی خشم مرد آشنایی شده بود، به شرط دریافت دیه از قصاص گذشتند تا این مبلغ را صرف کمک به ایتام و نیازمندان کنند. تحقیقات در این پرونده جنایی، از عصر روز ۲۹ بهمن سال ۹۴ شروع شد. آن روز کارگران شهرداری هنگام نظافت در خیابان کردستان جنوبی، چشم‌شان به یک کیسه زباله مشکی افتاد که نوار پیچ و بسته‌بندی شده بود. آنها به محض بازکردن آن با بخشی از جسد یک زن روبه‌رو شدند و با گزارش ماجرا به پلیس، تحقیقات تیم جنایی برای کشف معمای این جنایت شروع شد. کارآگاهان از روی ناخن‌های زن جوان که کاشته شده و طرح خاصی روی آن حک شده بود، به پرس و جواز چندین آرایشگاه زنانه پرداختند و توانستند آرایشگاهی که این طرح خاص را روی ناخن مقتول حک کرده بود، شناسایی کنند. به این ترتیب هویت مقتول شناسایی و مشخص شد که او دختری ۳۶ ساله به نام سمانه است که خانواده‌اش گزارش ناپدید شدن او را به پلیس اعلام کرده بودند. کارآگاهان در ادامه به مرد آشنایی که سیروس نام داشت، مشکوک شدند و او را به اداره پلیس احضار کردند. هرچند این مرد ۴۴ ساله خود را بی‌گناه می‌دانست اما سرانجام در بازجویی‌ها راز این جنایت هولناکی که مرتکب شده بود را فاش کرد. او گفت که ۱۸ سال پیش با سمانه آشنا شده و قصد ازدواج با او را داشته است اما هر بار که می‌خواستند به عقد هم درآیند شرایط مهیا نشده است. سیروس گفت: صبح روز حادثه با سمانه قرار گذاشتم که به خرید برویم. آن روز با هم به طباخی رفتیم و کله‌پاچه خوردیم. بعد از آن در خیابان‌ها گشت می‌زدیم و صحبت می‌کردیم که وقتی صحبت از گذشته شد، ناگهان بحث‌مان شد. چون اسم مادرم را که آوردم، او به مادرم فحش داد و من عصبی شدم. آنقدر عصبی شدم که همان‌طور که داخل ماشین بودیم، در گوشه‌ای توقف کردم، دستانم را روی دهان سمانه گذاشتم تا دیگر ادامه ندهد اما یک دفعه به خودم آمدم و دیدم صورتش کبود شده است. او گفت: پس از قتل خیلی ترسیده بودم و نمی‌دانستم باید چه کنم، به سمت آپارتمانی که در ایوانکی داشتم، رفتم و او را به داخل خانه‌ام بردم و در آنجا برای آنکه جنازه را رها کنم و کسی مرا نبیند مجبور شدم دست و پایش را ببرم. من دست و پا را در یک نایلون و سر و تنش را در نایلون دیگری گذاشتم و بسته‌بندی کردم. پس از آن هر دو نایلون را در سطل آشغال رها کردم اما نمی‌دانم چرا فقط یک نایلون پیدا شده است. این مرد پس از بازسازی صحنه جنایت، با قرار قانونی روانه زندان شد و مدتی بعد در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. در جلسه دادگاه پدر و مادر مقتول، خواستار قصاص قاتل دخترشان شدند و قضات در پایان جلسه حکم قصاص قاتل را صادر کردند. اگرچه عامل جنایت به حکم اعتراض کرد و پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما قضات عالیرتبه مهر تایید بر رای زدند و پرونده برای انجام مقدمات اجرای آن به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. همه‌چیز مهیا بود تا عامل این جنایت پای چوبه دار برود و حکم قصاصش اجرا شود. از سوی دیگر به تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران خبر رسید که مرد محکوم به قصاص در زندان رفتارهای مناسبی دارد و همه از او راضی هستند. او از جرمی که مرتکب شده به‌شدت پشیمان بود و می‌گفت عذاب وجدان رهایش نمی‌کند. او در جلسه صلح و سازش گفت: من در زندگی‌ام کوچک‌ترین خلافی نکرده‌ام. حتی لب به سیگار و قلیان هم نمی‌زنم. شاید باور نکنید اما در رانندگی هم حواسم بود تا خلاف نکنم و ۱۳ سال بود که همه خلافی ماشین‌هایم صفر می‌شد. نمی‌دانم چه شد که دستانم به خون سمانه آلوده شد. من واقعا در آن سه ساعت خودم نبودم. اول از خدا بعد از خانواده سمانه و در آخر از خانواده خودم می‌خواهم که مرا ببخشند. تلاش‌ها برای نجات مرد محکوم به قصاص سرانجام نتیجه داد و اولیای دم به شرط دریافت دیه، قاتل را بخشیدند تا پول دیه را صرف امور خیریه کنند. آنها به‌خاطر آرامش روح دخترشان تصمیم گرفتند تا به ایتام و نیازمندان کمک کنند. به این ترتیب با بخشش اولیای دم، مرد اعدامی بعد از گذشت ۸ سال از جنایت، از مجازات مرگ رهایی یافت.

پشخوان
Pishkhan.com

اعتماد
info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و بنیانگذار: الیاس حضرتی
- مدیرمسوول: بهروز بهزادی
- مدیر عامل: علی حضرتی
- معاون اجرایی: حجت طهماسبی
- مشاور مدیر مسوول: محمد حضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

■ اذان ظهر: ۱۲/۰۳ ■ غروب آفتاب: ۱۹/۱۹ ■ اذان مغرب: ۱۹/۴۰ ■ اذان صبح فردا: ۳/۰۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۴/۴۸

مجله روز

جهان کتاب

شماره ۳۹۸ مجله جهان کتاب ویژه فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۲ به تازگی منتشر شده و روی پیشخوان مطبوعات آمده است.

در این شماره از مجله مطالبی با عناوینی همچون انگشتر جادو به قلم پرویز دوایی، پلنگ اهلی به قلم لیلا میرباقری، جدالی بر جدل‌ها به قلم ایرج پارسی‌نژاد، ز آغاز کار خود ببین انجام کار خویشتن به قلم مجید جلیسه، زیستن در دوران فروپاشی به قلم طلیعه خادمیان، بندگی خودخواسته: یک مرد و دو کتاب به قلم رباب خمیس، حلقه‌ای گم شده در زنجیره صد سال داستان‌نویسی ایران به قلم حسن میرعابدینی، بد زخم که زخم رمان زد نخورد به قلم مرضیه کهرانی، شب بی پایان، صاحب منصب بی‌قرار به قلم کاوه بیات منتشر شده است. همچنین از دیگر مطالب این شماره از مجله می‌توان به عناوینی همچون از مبارزه مسلحانه تا انقلاب به قلم حسین محبی، ورای ابهام و ریاکاری: اسنادی از ملی شدن صنعت نفت ایران به قلم مجید رهبانی، تاریخ ویرایش در ایران: کلیله و دمنه از دیدگاه تدوین و ویرایش به قلم عبدالحسین آذرنگ و فاطمه حمصیان کاشان، راهنمای دستور خط عربی در فارسی به قلم سیدمحمدحسین میرفخرایی، انواع ویرایش متن در ویرایش ادبی روسی(۲) ترجمه مریم سامعی، نگاهی به چاپ‌های مهم اشعار باباطاهر به قلم علیرضا خلیل‌پور، ا. هنری، گانگهوفر، الیوت، سپهری، ایروانی و تفتی (شناختی ادبی از سفر مغان به اورشلیم و بیت‌اللحم) به قلم کامیار عابدی اشاره کرد.

در حوالی ادبیات

توی اینترنت فیلم نگاه نکن

اسدالله امرایی

«به پشت دراز کشیده بودم، دست‌ها روی شکم، پاها جمع به طرف شکم. از وقتی یادم است این توانایی را داشتم که خودم بشوم پناهگاه خودم. حلزونی که می‌خزد توی لاک خودش، عنکبوتی که در خودش می‌پیچد و گلوله‌ای می‌شود. قرارداشتن توی جعبه خوشایند نبود، سخت نبود، اما خوشایند نبود... بعد لحظه‌ای هم فکر کردم واقعا به دونیمه اره شده‌ام، نه جسمی، بیشتر ذهنی.» رمان «خانه» نوشته یودیت هرمان با ترجمه سیدمحمود حسینی‌زاد با خرید کپی‌رایت در نشر افق منتشر شد. یودیت هرمان نویسنده آلمانی متولد سال ۱۹۷۰ است. آقای حسینی‌زاد، پیشتاز این داستان بلند «آلیس»، رمان «اول عاشقی» و مجموعه‌داستان‌های «این‌سوی رودخانه ادر» و «لتی‌پارک» را از یودیت هرمان ترجمه کرده که با همین ترتیبات و قرارداد در نشر افق منتشر شده است. خانه آخرین کتابی است که یودیت هرمان نوشته و درباره آدم‌هایی است که در پی رسیدن به وطنی آشنا هستند و تلاش دارند از جهان کهنه به نو گذر کنند. قهرمان داستان زنی بی‌نام در دهه پنجم زندگی است که در شهری ساحلی و دورافتاده در شمال آلمان زندگی می‌کند. از شوهرش طلاق گرفته اما ارتباط خود را با شوهر و دخترش حفظ کرده. مدتی در کافه‌ای فصلی کار می‌کند که برادربزرگش مالک آن است. عاقله زنی است که از تنهایی می‌هراسد. هراسی که به تعبیر خودش حاصل تنهایی است. پشت در اتاق خوابش چفت و بست می‌گذارد اما همان را هم تحقیرکننده و اسباب خجالت می‌داند. چند قوطی اسپری فلفل سفارش داده، یک کلت گازی بدون فشنگ هم گرفته باز هراسش کم نمی‌شود. «می‌گویم، بارون می‌آد. باید رخت‌ها روی بند رو بیارم تو. به یادت هستم، اوتیس. آنقدر توی اینترنت فیلم نگاه نکن. دوباره کتاب بخون، مثل قبل‌ها. یک کتاب ساده بخون.

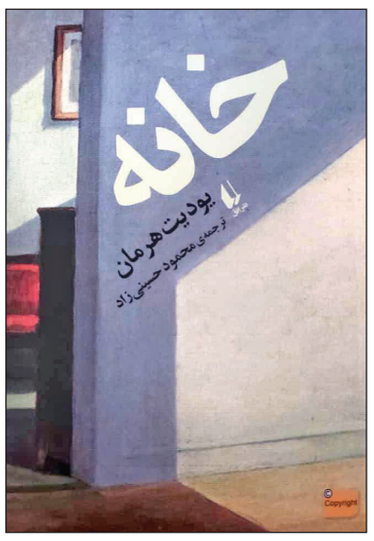

ویکتوریای هامسون رو بخونش. مواظب خودت باش. بعد گوشی را می‌گذاریم. دلم می‌خواست برایش تعریف می‌کردم که خاطره آن جعبه شعبده‌باز زنده شده، قابل لمس مثل یک جسم. نه فقط یاد آن جعبه افتاده بودم که یک‌باره همه‌چیز یادم آمده بود: درپوش پر از خراش و زدگی جعبه، روکش بالش زیر دریچه برای سرم، تاقچه موزاییکی جلوی پنجره با صدف‌ها و گوش‌ماهی‌های رویش، مزه آیس‌تی، بوی زن، بویی تند، بوی فلفل و سرکه. خودم را به یاد آورده بودم. لباسی را که توی جعبه تنم بود، پیرهنی‌بندی تا سر زانو، آبی با خال‌های سفید. موهایم، صاف، کوتاه، قهوه‌ای. با این‌همه، این‌خاطره خاطره‌ای از زنی بیگانه بود، از کسی که من اصلا نمی‌شناختم، هیچ‌وقت ندیده بودمش. کی بود. از کجا می‌آمد و بعد از آنکه کشتی آئورا بدون او لنگر کشیده بود، آن زن به کجا رفته بود و اصلا برای چی آن زن این کار را کرده بود، چرا توی آن جعبه دراز کشیده بود و اجازه داده بود به دو نیمه‌اش کنند. چقدر دلم می‌خواست بگویم، چقدر دلم می‌خواست زمزمه کنم، اوتیس. اوتیس. چرا اون زن از هیچ‌چی نترسیده بود.

تیتر مصور | درخت

لوکاس

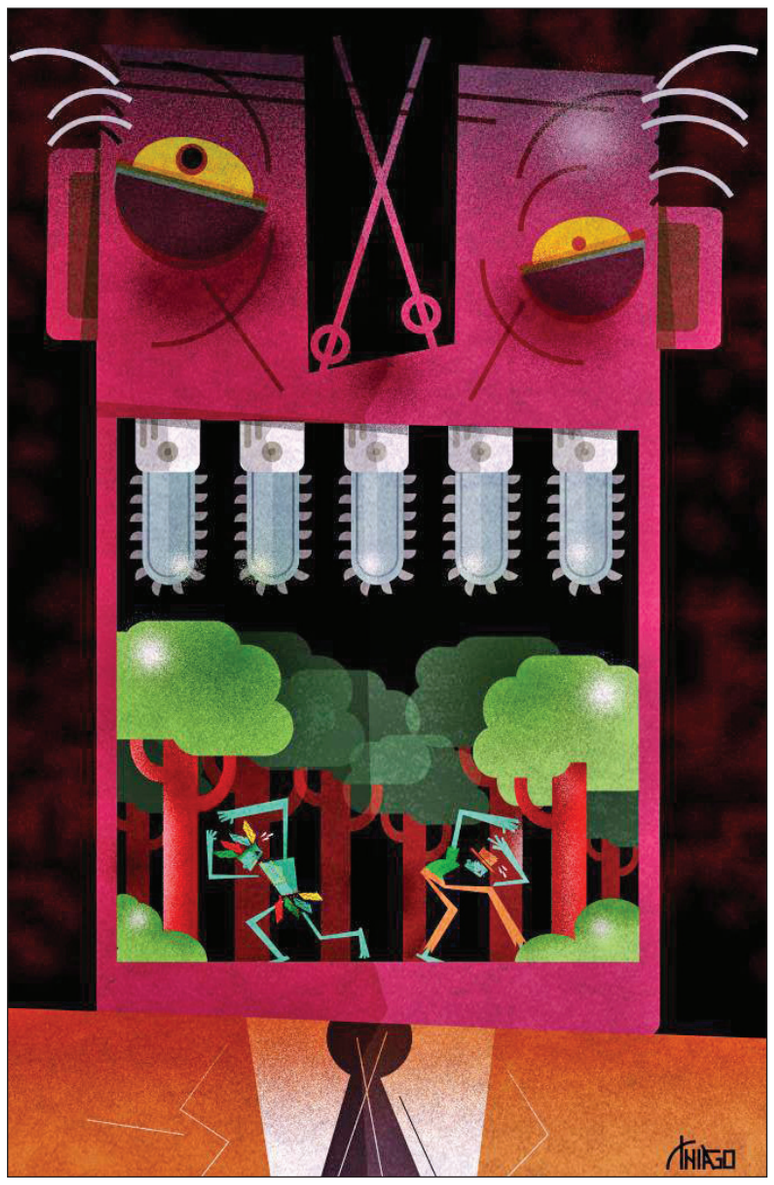

شوکران‌نوش

دل

در دلم آرام تصور مکن
وز مژه‌ام خواب توقع مدار
گر گله از ماست شکایت بگوی
ور گنه از توست غرامت بیار
بر سر پا عذر نباشد قبول
تاننشینی ننشیند غبار
دل چه محل دارد و دینار چیست
مدعیم گر نکنم جان نثار

سعدی

روشنایی‌های شب

گربه پشت پنجره

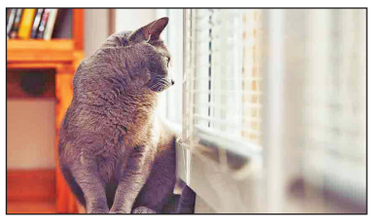

حسن لطفی

در روزگار کرونا یکی از سرگرمی‌هام ایستادن پشت پنجره و نگاه به گربه‌هایی بود که از روی دیوار خانه مارد می‌شدند. گاهی وقت‌ها چندتایی روی بام توالت توی حیاط می‌ایستادند و با هم بازی می‌کردند. یک‌بار هم گربه ماده‌ای بچه‌های کوچکش را به‌دندان گرفته و پی لقمه نانی با خودش اینطرف و آنطرف می‌برد. خیلی هم حواسش به آنها بود. کافی بود از پشت پنجره بیرون بیایی و بخواهی به حریم آنها نزدیک شوی. چنان صدایی از خودش در می‌آورد که مو به تن آدم سیخ می‌شد. کرونا که فروکش کرد سرگرمی ایستادن پشت پنجره هم تمام شد، اما چند روز قبل صدای عجیب گربه‌ای دوباره کشاندم پشت پنجره. صدایی که تا آنروز نشنیده بودم. چیزی شبیه ناله آدمی دردمند بود. از پشت پنجره که نگاه کردم، شاخه‌های قد کشیده پر برگ یاس که روی بام توالت پخش شده است نمی‌گذاشت گربه نالان را ببینم. ناچار وارد حیاط شدم و انگار که بخواهم به گربه بفهمانم برای کمک آمده‌ام پیشی پیشی کنان به سمتش رفتم. با هر صدای من، گربه عکس‌العمل نشان می‌داد و انگار با ناله و زاری چیزی می‌گفت. وقتی به‌دیوار نزدیک شدم گربه از لای شاخه و برگ‌ها بیرون آمد و رو به من صداهایی از حنجره‌اش بیرون داد. او با زبان خودش چیزهایی می‌گفت که من نمی‌فهمیدم. اما برای آنکه کاری کرده باشم روی لبه دیوار برایش غذا و آب گذاشتم. گرسنه بود اما دردش نان و آب نبود. دیگر نمی‌دانستم چه کنم. برگشتم پشت پنجره و سعی کردم از لای شاخه‌ها ببینمش. ظهر که همسرم به خانه برگشت موضوع گربه را براش تعریف کردم. کنجکاو شد و گربه را زیرنظر گرفت. صدای گربه که بلند شد، انگار چیزی به ذهنش رسیده باشد گفت: گمان کنم گیر افتاده! شاید هم مادرش تنهاش گذاشته! با تعجب نگاهش کردم. با خودم گفتم زن‌ها بهتر از مردها درد شناسند، خصوصا درد تنهایی و محدودیت را خوب می‌شناسند. عصر آن روز گربه را رها کردیم تا برود. وقتی رفت از اینکه نفهمیده بودم با ناله‌هاش چه می‌گوید دلگیر بودم. همسرم برای آنکه دلداریم بدهد گفت: ای بابا ناراحتی نداره، خیلی از آدها متوجه ناله هم‌نوعشان نمیشن آنوقت تو از نفهمیدن زبان گربه ناراحتی! شاید اگر آن لحظه شما هم آنجا بودید مثل من به گوینده این جمله می‌گفتید: آدمی که ناله هم‌نوعش را نشنود و زبانش را نفهمد آدم نیست! خصوصا اگر مسوول یا مدیر باشد.

پرسه در شهر

روی پیاده‌روهای میدان فردوسی تا چهارراه انقلاب

مرجان یشایایی

اگر بگوییم تهران شهری زیباست که در میان دود و ازدحام جمعیت از ریخت افتاده، شاید حرف بیراهی نباشد. به همین دلیل، اگر مجالی پیدا شود که در نبود آمدوشد پیاده و سواره گشتی در تهران بزنیم، حتما خاطره دلچسبی برای‌مان رقم می‌خورد. گوشه و کنار این شهر پر است از مناظر زیبا و ساختمان‌های چشم‌نواز. برای من که تهران را به‌رغم همه دود و دم و ترافیک و زندگی پرهرج و مرجش دوست دارم، دیدن یک تحول کوچک یا یک گام به جلو، خبر خوب و دلگرم‌کننده‌ای است که باید برای یافتن آن چشم‌بصیرت داشت و امروز ما در فاصله میدان فردوسی تا چهارراه انقلاب همان قدم کوچک و خبر خوب را دیدیم. ماجرا از این قرار است که بنا به طرحی در سازمان زیباسازی شهرداری تهران، ساختمان‌های حدفاصل میدان تا چهارراه که اغلب مربوط به دوران پهلوی دوم یا برخی اول هستند، پیرایش و زیباسازی شده‌اند. نه یک زیباسازی سرسری یا یکسان‌سازی که ساختمان‌ها را از قیافه منحصربه‌فرد و شخصیت خود خالی کند، بلکه نوعی توجه و طراحی که با تمیز کردن نما و مرمت دوباره بنا و در واقع بازسازی و بهسازی، در هر جا که لازم بوده، انگار جانی دوباره به خیابان بخشیده‌اند و بعد شما که با چشمانی به خیابان رفته‌اید تا ببینید، خیابانی را می‌بینید سراسر با ساختمان‌هایی که تا همین چندی قبل با نمای زشت و کثیف خود یا با بنرهای تبلیغاتی به ما دهن کجی می‌کردند، اما امروز با قیافه‌ای پاکیزه و زیبا و بسامان به دل‌تان می‌نشینند. گوشه و کنار این مسیر کافه‌ها که همگام با زیبا شدن خیابان انگار قیافه دیگری به خود گرفته‌اند، در تقلای رونق بعد از دوران کرونا هستند. شهر هر قدر زیبا، روح اصلی مردمان آن هستند. همواره تلاش داشته‌ام تا در گشت زدن در محلات تهران با اهالی هم صحبتی داشته باشم تا در واقع گشت ما فقط به دیدن ساختمان‌ها و یادگارها محدود نباشد. از مردم محلات به خصوص محلات قدیمی تهران که پایه و مایه‌ای دارند، می‌توان بسیار آموخت و خاطرات فراوانی شنید، اما بر خلاف تهرانگردی‌های قبلی، این‌بار شاید به دلیل ماهیت عبوری خیابان انقلاب مجالی برای صحبت با اهالی محل نبود. تنها به این بسنده کردیم تا گشتی بزنیم و حظی ببریم. به نقل از ترانه یلدا، معمار و شهرساز و کنشگر مدنی، می‌گویم که در سال ۱۳۹۸ این طرح یکی از کاندیداهای جایزه بین‌المللی معماری آقاخان Agha Khan Award for Architecture شده که جایزه معتبری است که به طرح‌های موفق معماری در جهان اسلام داده می‌شود. چه خوب که شهر ما چندوقتی یک‌بار روی صفا و زیبایی به خود بگیرد.

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

پیشخوان
Pishkhan.com

دنباله کار خویش

همه به امراض خود مفتخرند

محمد خیرآبادی

تعطیلات چند روزه فرصتی مهیا کرد برای اینکه به «یادداشت‌های زیرزمینی» داستایوفسکی مجددا نگاهی بیندازم و در اعماق آن متحیرانه دست و پا بزنم. داستایوفسکی در «برادران کارامازوف» می‌نویسد: «بدو وظایف، اصلاح روح است و وظیفه اصلی بر دوش روانشناسی است. برای اینکه بتوانیم عالمی از نو بسازیم باید نخست مواد اولیه آن، مردمی که روحا به راه دیگری می‌روند را بسازیم.» و این سمت و سوی اغلب آثار او را نشان می‌دهد. «یادداشت‌های زیرزمینی» به نظر من در زمینه تحلیل روانشناختی انسان، بسیار درخشان است. وقتی کتاب را می‌خوانیم انگار در مقابل آینه بی‌رحمی ایستاده‌ایم که از نمایش کوچک‌ترین زشتی ما نمی‌گذرد و ما به سختی تلاش می‌کنیم که تاب و تحمل ایستادن در برابرش را پیدا کنیم. داستایوفسکی در این داستان، شرح بسیاری از مسائل و مشکلات روان انسان را که در کارهای روزمره ما خیلی هم عاقلانه و عادی جلوه می‌کند، مکتوب کرده و گویی ما، کم‌کم به بسیاری از روان‌پریشی‌های نهفته خود پی می‌بریم و با نیمه پنهان خود که از زیرزمین خارج شده روبه‌رو می‌شویم. او قصه را با شرح بیماری‌هایش شروع می‌کند اما خیلی زود، آنجا که صحبت از خرافاتی بودنش و عدم اقدام برای به‌دست آوردن سلامتی می‌کند، معلوم می‌شود آن بیماری‌هایی که به گفته خود، سلامتش را به خطر انداخته، اغلب روحی‌اند. داستایوفسکی می‌نویسد: «همه به امراض خود مفتخرند». داستایوفسکی در قسمت دوم با عنوان «روی برف نمناک» از لابه‌لای زندگی عادی و روزمره شخصیت اصلی داستان، تصویری چند پاره و پارادوکسیکال از روان انسان ترسیم می‌کند که در آن عقل و حماقت، خشونت و ترس، آرامش و اضطراب، رنج و لذت و... همزمان قابل مشاهده است. شخصیت اصلی داستان هم دست به تلاش می‌زند و هم به پوچی کوشش خود، آگاه است. او به شدت پیرو امیال و احساسات متضاد درون خویش است. داستایوفسکی شخصیت اصلی داستانش را به جای کل بشر می‌نشاند و گویی هر جا از زبان او می‌گوید «من» منظورش همه «ما» انسان‌هاست. او در این داستان به صریح‌ترین زبان ممکن، روان انسان در معنای کلی و فرامرزی آن را تحلیل و موشکافی می‌کند و آن چیزهایی را که عادی می‌پنداریم در خود و همزمان در کل بشریت نقد می‌کند. با این حال، به سختی می‌توان گفت که داستایوفسکی در این میانه قضاوتی انجام داده باشد. گرچه مشخص است که نوک پیکان نقد او به کدام طرف است، اما او فقط موضوع را می‌شکافد و به قول خودش، کارش «حفاری در وجود خویش» است و خوب و بد کردنش را به ما واگذار می‌کند. داستایوفسکی در قسمت اول کتاب با عنوان «تاریکی» ابتدا سراغ ترس می‌رود. ترسی که در ما یک نوع آگاهی تلخ نسبت به بسیاری از اعمال بزدلانه و به نظر عادی‌مان ایجاد می‌کند، تا جایی که می‌فهمیم حتی در انتخاب شغل‌مان نیز شجاعت نداشته‌ایم و به قول شخصیت اصلی داستان «کارمند دولت شده‌ایم تا از گرسنگی نمیریم»! «اکنون چهل سال دارم سابقا در اداره‌ای مشغول به کار بودم ولی حالا دیگر شغلی ندارم. کارمند بدجنسی بودم اعمال خشونت شادم می‌کرد، چون از کسی رشوه نمی‌گرفتم و عایدی ناچیزی داشتم، می‌بایستی به ترتیبی دیگر خود را راضی می‌کردم... یعنی هر گاه موفق می‌شدم ارباب رجوعی را برآشفته کنم و بترسانم برایم رضایت خاطری حاصل می‌شد ... من در همان لحظه که به شدیدترین وجهی خشمم را نشان می‌دادم با شرمساری و سرافکندگی پیش خود اقرار داشتم که کوچک‌ترین خشونتی در طبع و نهادم نیست. ابدا آدم زشت‌خویی نیستم فقط بیهوده می‌ترسم.»

پیاده‌رو

دخمه‌ای برای سمور آبی!

امید مافی

دوربین یاشیکای آنالوگ بیست و سه سال آزگار است سکوت اختیار کرده و میان داستان‌خوانی‌های دلبرانه خالق شازده احتجاب در بهشت، فلاش نمی‌زند که نمی‌زند.

دوربین لکنته نای نفس کشیدن ندارد و اصلا به این هم نمی‌اندیشد دورتر از آن حفره درهم شکسته و سرد، جماعتی منتظر عکس‌های جدید مردی هستند که روزگاری پشت همه صداهای کهنه و تازه با واژه‌های لب‌سوزش ناب‌ترین سطرها را به مداد سوسماری‌اش می‌سپرد و از نمازخانه کوچک من تا کریستین و کید و از آنجا تا بره گمشده راعی طرحی نو برای ماندگاری و مانایی در می‌انداخت.

حالا بیست و سه سال پس از غول داستان‌نویسی ایران، خبر جدید این است که او دیگر محال است برگردد و کلاس‌های داستان نویسی‌اش را با عشق و چای و سیگار برپا کند و با هر پُک به فیلتر سیگارش، مبدا جدیدی از تاریخ عشق را در اختیار شاگردانش قرار دهد. تاریخ قسی‌القلب است و هنوز چهار فصلش به پایان نرسیده بر نام داستان‌نویسانِ در راه، قلم می‌کشد و راز نسیان را با خاک در میان می‌نهد. اما آنها که به تمام زبان‌های دنیا خواب دیده‌اند و سیاهه کلمات‌شان به جایی در حوالی آبشارها می‌رسد، در گذر زمان رسوب کرده و می‌مانند و همچون گلشیری با دست تاریک، دست روشن از جبه خانه به پنج گنج برمی‌گردند و مثل همیشه در ساخت اعجازگونه مضمون و درون‌مایه به دخمه‌ای برای سمور آبی می‌رسند. داستانی که او خود برای کشتنش تبر برداشت و به جان کلماتی رفت که بی‌اذن مردی که از باتلاق گاوخونی آمده بود و دهانش بوی نقل و پولکی می‌داد، در منتهی‌الیه صفحات سترون جا خوش کرده بودند.

و حالا در سالمرگ برنده جایزه اریش ماریا دمارک رو به امامزاده طاهر می‌ایستیم و به سیاق سال‌های دور، گردون را ورق می‌زنیم و گمشده‌ای را صدا می‌کنیم که احتمالا این روزها همراه صادق هدایت، رضا براهنی، عباس معروفی، منصور کوشان و چند تای دیگر در جایی دورتر از این سیاره برهنه در باد، نقشی پنهان می‌زنند بر حروف الفبا و بی‌آنکه از بازگشت دوباره خود سخن بگویند، سوار بر آخرین قطار در بی‌قرارترین ایستگاه به سوی ابدیت پیش می‌تازند و با ته‌نشین خنده‌های‌شان به ستاره‌های مقوایی عزیز طعنه می‌زنند. آنها که دور از خانه‌های گِلی و خشتی، هم‌اکنون را همیشگی می‌کنند!

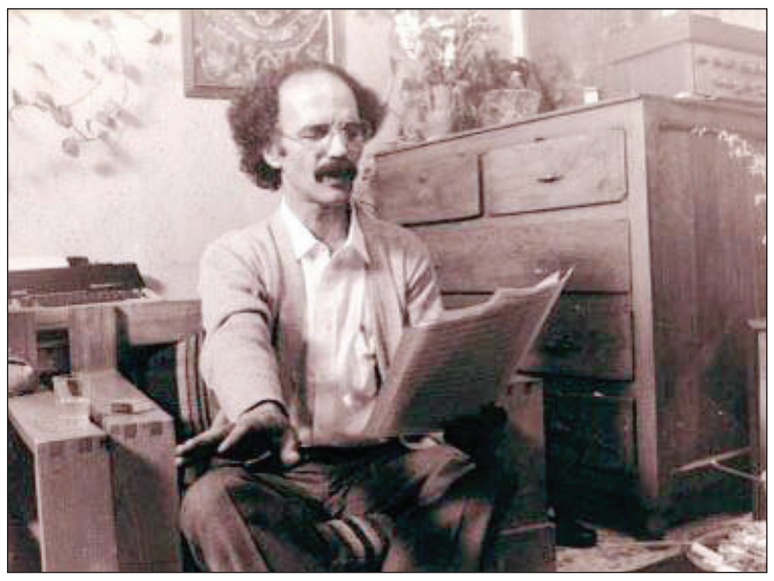

عکس‌نوشت

خبرگزاری مهر با انتشار مجموعه عکسی گزارش داد: «به دلیل وقوع بارش‌های سیل‌آبی در شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال و بختیاری آب چشمه کوهرنگ که از چشمه‌های مهم و حیاتی این استان به حساب می‌آید از روز یکشنبه ۱۶ مرداد گل‌آلود و از مدار آبرسانی خارج شد و به همین دلیل موجب ایجاد تنش آبی در هفت شهر و ۳۴ روستای این استان شده است، شهر باباحیدر که از خط آب کوهرنگ آبرسانی می‌شد نیز تحت تاثیر تنش آبی قرار گرفته و به دلیل کدورت بالای آب خط کوهرنگ قابل استفاده نبوده و در حال حاضر آب مورد نیاز این شهر توسط تانکرهای آبرسانی به مخازن شهر منتقل می‌شود».